

کارگران جهان متحد شوید!

۳۲ صفحه

**۱۰۹**

**پیکار**

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

بهاء ۳۰ ریال

سال سوم - دوشنبه ۱۸ خرداد ۱۳۶۰

## در صفحات دیگر این شماره:

- درباره حزب طبقه کارگر ۹ صفحه
- لایحه قصاص: نمودار ماهیت ارتجاعی رژیم ۱۳ صفحه
- چگونه به سازمان پیکار پیوستیم ۲۱ صفحه
- اهواز: دختران انقلابی اسیر، زیر تازیانه ماموران رژیم ۲۲ صفحه
- رژیم، شناسایی فلسطین بعنوان یک دولت را پس گرفت! ۳۲ صفحه

**رفقای معلول حادثه دانشگاه**  
**و مدال افتخار در راه آزادی**  
**طبقه کارگر**

۱۹ صفحه

**زنده باد مبارزه**  
**طبقاتی در شوروی**  
**امپریالیستی!**

۲۵ صفحه

**بودجه ۱۳۶۰:**  
**بودجه**  
**ورشکستگی**  
**و وابستگی**

**رژیم جمهوری اسلامی: پیش بسوی**  
**وابستگی بیشتر به امپریالیسم!**

■ نگاهی گذرا به قرارداد های اسارتتار جمهوری اسلامی در ماه های اخیر

رژیم جمهوری اسلامی به کوه های عملکرد و سیاست های دواش و جندها و هاش هرقدمی که برداشته در حیت پشت بازدن بدستاوردهای قیام شکوهمند خلقهای ایران و حفظ، تحکیم و گسترش سرمایه داری وابسته ایران بوده و می باشد. مرتجعین به قدرت خیزده با تمام ادعاهای بر مکر و فریب و انقلابی نمائی - های برهیا هو و دروغن شان - از همان روزهای اول زمامداری - شان جرسف سرمایه داران و جز در بازسازی سرمایه داری وابسته و ترمیم آسیب های وارد بر آن از طرف توده های زحمتکش و انقلابی در جریان ماها مبارزه قهرمانانه توده های تحت ستم و جز بازسازی دستگاه های اداری و نظامی سرکوبگر رژیم وابسته شاه قدمی برداشته اند. بخشی از این کارنامه تنکس رژیم را در صفحه شماره ۱۵ - ۱۶ در صفحه ۱۵

**سازمان چریک های فدایی خلق:**  
**تزلزل در برابر ضد انقلاب**  
**در کردستان!**

درباره موضوع گیری فدائیان در قبال حملات اخیر حزب دمکرات به کومه له

۵ صفحه

**مبارزه پر شکوه کارگران**  
**اخراجی مجتمع فولاد**  
**و خیانت رویزیونیستها**

۳ صفحه

منابع درآمدهای کسب و کار دولتی سرمایه داری خصوصی است. حریصی از ارزش اضافی حاصل از استثمار کارگران با نفع بخشی از محصول ما را در دستشان و سرمایه داران یعنی تولید کنندگان مستقل و زحمتکش غیر دولتی را که از راه های مختلف در اختیار این دولت قرار گرفته و بودجه دولت را تشکیل می دهند.

کارشناسان مولدا رژیم است و منشا بودجه های کلان دولتهای سرمایه داری نیز چیزی جز اصل کار اکثریت اهالی کشور نیست. دولتهای سرمایه داری این درآمدها را در جراحی مصرف میکنند! نحوه مصرف بودجه توسط دولت از منافع طبقه ای که دولتی نماینده آنست حادث می شود. در جامعه سرمایه داری بودجه دولت در خدمت حفظ تسلط طبقه سرمایه دار، تامین ابزارها و وسائل این طبقه و... مناسبات استثمارگرانه سرمایه دار است. بودجه، دولت را تغذیه می نماید و دولت نیز چیزی جز ماشین سرتوت طبقه ای نیست. در کشورهای سرمایه داری وابسته به امپریالیسم بودجه دولتی در عین حال به ابزاری برای حفظ این وابستگی نیز بدل میگردد.

۱۱ صفحه در صفحه ۱۱

**مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران**



## خشم خروشان کارگران کوره پزخانه‌ها در ۲۳ خرداد ۱۳۳۸:

نمونه‌ای از مبارزات حماسه آفرین طبقه کارگر ایران

اعتصاب پرشکوه ۴۰ هزار کارگر زحمتکشان کوره پزخانه های تهران سکوت مرگبار شب دیکتاتوری رژیم وابسته شاه را در هم شکست و شان داد که قلع و قمع زحمتکشان پس از کودتای ۲۸ مرداد دهرگز نتوانسته نعلنه های خشم زحمتکشان را ابرای همیشه فرونشاند.



"آدمشدها قهرمان ۲۳ خرداد ۱۳۳۸، آخراش می داریم!"

و این نعلنه های خشم ناپیوسته ی سوزناک و بی پایان با می خواهم دیوید.



۲۳ خرداد ۱۳۳۸، فخر دیگری در جنبش همیشه خروشان کارگران ایران است.

۲۳ خرداد ۱۳۳۸، تیلور را ده ستوار زحمتکشان ایران در گسترش مبارزات انقلابی و شکستن سکوت و خفگان حاکم پس از کودتای خونین و آمریکائی ۲۸ مرداد است.

۲۳ خرداد ۱۳۳۸، روز خونین دیگری در روند زندگی بخش و تاربخ از جنبش کارگری ایران است.

۲۳ خرداد ۱۳۳۸، شک دیگری بردمان رژیم نعلنی و وابسته به امپریالیسم شاه است.

در ۲۳ خرداد ۱۳۳۸، پس از شش سال کشتار و سرکوب چکه پوستان مزدور امپریالیسم و به خاک و خون کشیده شدن هر حرکت مبارزاتی و ترقی - خواهانه و پس از فرونشستن مبارزات شکوهمند زحمتکشان و... دوباره فیرا دحق طلبانه و خشم خروشان ۴۰ هزار کارگر زحمتکشان کوره پزخانه ها که در بدترین شرایط کار و زندگی، در میان آتش و دود و خاک با فکروگرستی دست و پنجه نرم میکردند، در میهن ما چنین انداخت.

کارگران کوره پزخانه ها، که در برابر ساحتها کار طاقت فرسا در زیر آفتاب داغ و در کنار کوره های جهشی و در میان دود و خاک و... از حداقل نیازهای اولیه زندگی محروم بودند، با فیرا دهای حق طلبانه خود سکوت چند ساله را شکستند. آنها با خاستند با مبارزه خود - سرما به داران زالوصفت را وادار به قبول خواسته های عادلانه شان بنمایند، اما رژیم مزدور شاه که کوچکترین حرکت حق طلبانه زحمتکشان را تحمل نمیکرد، مزدوران مسلح خود را برای سرکوب کارگران قهرمان کوره پزخانه ها فرستاد. در ۲۳ خرداد ۱۳۳۸ کارگران قهرمان کوره پزخانه ها با شت جهای گره کرده و در میان فیرا دهای خروشان خود، با رگبار گلوله های مزدوران ارتجاع و امپریالیسم بخون - خوش خفتند و ۵۰ شهید قهرمان در راه رهایی زحمتکشان نشانا رکردند. کارگران قهرمان کوره پزخانه ها پس از کشتار خونین خرداد ۱۳۳۸ نیز همچنان به مبارزه ادامه دادند و همدوش با دیگر زحمتکشان حماسه آفریدند. آخرین مبارزات متحدانه و گسترده کارگران کوره پزخانه ها وائل سال ۵۸ بر میگردد که آنتان بخاطر عدم تمیز در وضع طاقت فرسای کار و زندگی که انتظار داشتند دنبال قیام خونین بهمن تغییر کردند و دوباره در برابر همان کارفرمایان و سرما به داران زالوصفت قبلی قرار نگرفتند دست به اعتصاب بردا میزند.

# برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق



## اخراج مدیرعامل ضد کارگر، جلوه‌ای از قدرت و همبستگی کارگران سایپا

کارگران متحد و متشکل کارخانه سایپا در روز ۶۰/۳/۶ طی یک حرکت مبارزاتی "کاتوزیان" مدیرعامل ضد کارگر با کتک از کارخانه بیرون انداخته و با خریدن شیرینی و بستنی ایستادن پیروزی کوچک را جشن میگیرند. حوزه‌های سازمان سازمان پیکار ۱۰۰۰ در تشریفه پیکار ۱۰۰۰ میل سال این چنین به نای ما هیت ضد کارگری این مزدور می‌رود:

"... کاتوزیان تکتستی کسی است که تا به حال تعدادی از کارگران مبارز کارخانه و اخیراً ۵ نفر از کارگران ۵ درصدی را اخراج کرده است. او کسی است که هفته گذشته مرخصی بدون حقوق کارگران را لغو کرده و اعلام نموده که اگر کسی بیش از ۳ روز به سرکار نیاید اخراج می‌شود. او کسی است که ۲۷ نفر را اخراج کرده و بقول خود در صدهای دریا می‌اندازد. او کسی است که میگفت کارگران باید بر سرینشان کارت بزنند تا مشخص شوند و نشویند. این قسمت به قسمت دیگر کارخانه بروید و حتی برای رفتن به دستشویی، کارگران می‌بایست کارت بکشند... کاتوزیان این یک وفادار سرمایه‌داران، به سرمایه‌بانی از کارگران که علت اخراج خود را می‌پرسید، میگوید: "از قضا فدا، ختم می‌آید!!"

کاتوزیان مزدور که عامل رژیم جمهوری اسلامی در کارخانه است، اعلام کرده بود که با بدسله مراتب برای تحویل تولید را بابت کرده، یعنی کارگر باید کار خود را به سرکار تحویل داده و سرکار رگر به سرپرست و سرپرست به مدیر قسمت و... تا از این طریق بهره‌کشی از کارگران و میزان تولید را افزایش دهد. کارگر در طی این حرکت شعارهایی چون "اتحاد، اتحاد، اتحاد"، "کارگر پیروز است، سازگاری با دود است" و... را میدادند. کارگران موفق میشدند بعد از اخراج این مزدور با قدرت همبستگی و اتحاد خود، کارگران اخراجی ۵ درصدی را به سرکار بازگردانند. رژیم جمهوری اسلامی که از این حرکت انقلابی کارگران به وحشت افتاده بود در تاریخ ۶۰/۳/۱۲ ۳۴ نفر را رکار و کارمندان کارخانه را با حکم ماینداد استانی انقلاب در زندان اوین، به مجرد بدیدن از سرویس کارخانه دستگیر کرده و به زندان اوین می‌برد. کارگران مبارز سایپا! شاکه حتی بدون داشتن یک شورای واقعی توانستند مشکل شده و مدیرعامل ضد خلقی را از کارخانه اخراج نمایند و برای کسب حقوق بیشتر و سرانجام به تشکیل شورای واقعی موده و برای آزادی رفقای ریدان نشان بکشند.



## جنبش کارگری

### مبارزه پرشکوه کارگران اخراجی مجتمع فولاد و خیانت رویزونیست‌ها!

اهاوز بودند جلوی مجتمع اجتماع کرده و با برپائی راهپیمائی وسیع اجتماع در مقابل دفتر مرکزی خشم انقلابی خود را از این حرکت ضد انقلابی نشان دادند.

این بار دیگر نوبت رویزونیست‌های خائن توده‌ای و اکثریتی بود که در نقش به اصطلاح نماینده کارگران دفاع از رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی وارد میدان شوند. این مزدوران هنگام تعطیل کارخانه دُوب ۱ سعی کردند حرکت اعتراضی کارگران را در مجراهای "فانونی" و "منطقی" انداخت و در اولین قدم به غرضی استاندارد حلاخوستان که نقش فعالی در سرکوب کارگران مجتمع فولاد اهاوز داشتند مراجعه میکنند که غرضی در جواب آنان میگوید که به کارگران بگویند اگر حقوق کامل میخواهند به کارخانه بروند و وزیر نوپ و موشک تر لید کنند، با حکم صادر یعنی تعطیلی و کم شدن دستمزدها، این پذیرند. رویزونیست‌های خائن "نا امید" نشده و برای ادامه مذاکرات به همراه چند تن دیگر راهی تهران میشوند. در مورد تعطیل کل مجتمع نیز این خائنین توده‌ای و اکثریتی بودند که از طرح "انجمن اسلامی" به بقیه در صحنه ۴

در پی اعلام تعطیل شدن کارخانه دُوب ۱ از مجتمع ۱۰/۰۰۰ نفری فولاد اهاوز، و پرداخت فقط ۲۰۰۰ تا ۳۵۰۰ تومان به کارگران در مدت تعطیلی، کارگران با برقراری اجتماع فولاد (عمدتاً کارگران بیمانی) که میدادند دستخط توطئه رژیم در مورد تعطیلی کارخانه دُوب ۱، بزودی در مورد آنان سر عملی خواهند داد، با تشکیل معایع عمومی در سطح کارخانه‌ها جهت جلوگیری از اخراج و کم کردن حقوق کارگران، اقدام به انتخاب نمایندگان و تشکیل شوراهای قسمت‌ها می‌نمایند. حدس کارگران مبنی بر سرسری بودن توطئه تعطیلی در تمام مجتمع می‌مورد می‌رسد. رژیم در تاریخ جمعه ۶۰/۳/۱ اطلاعیه‌ای از رادیو اهاوز پخش کرده و اعلام مینماید از روز شنبه ۶۰/۳/۲، مجتمع فولاد اهاوز تعطیل بوده و سروسها برای بردن کارگران به کارخانه نیایند. رژیم که هنگام تعطیل کارخانه دُوب ۱، با حرکت اعتراضی کارگران و جنب و جوش آنان برای تسکین شورا و پیرونده بود، این بار میخواست با اعلام از رادیو از تشکل کارگران جلوگیری کند. اما روز شنبه نزدیک به ۲ هزار تن از کارگران که در

### تشدید فشار رژیم از طریق افزایش ساعات کار و مقاومت کارگران

همه جا به رژیم واقع گردیده است، محدودیت ساعات کار و رساندن آن به ۴۰ ساعت در هفته میباشد. نمونه‌های زیر نشانگر گوشه‌ای از توطئه‌های رژیم و مقاومت کارگران (هرچند خود بخودی و پراکنده) در مقابل آنست:

۱- کارخانجات کفی ملی: رژیم بعد از سرکوب و حمله به مبارزه کارگران بر سر دویزه در این مجتمع گذشته و اخراج عده‌ای از کارگران مبارز و بهیاد کردن مقررات انضباطی از آرمهری در مجتمع، در تاریخ چهارشنبه ۶۰/۳/۳۰ اعلام بقیه در صحنه ۴

رشد بحران اقتصادی - اجتماعی ذاتی سیستم سرمایه‌داری و ایستادگی ایران و جنگی مبارزات کارگران و توده‌ها، رژیم جمهوری اسلامی را بر آن داشته که با حمله بدستاوردهای مبارزاتی کارگران بخش عمده این بحران را بدوش آنان منتقل کرده و با عدم تمکین یا برهم زدن تشکلهای واقعی کارگران و ایجاد تفرقه و دودبستگی مابین آنان و دستگیری و اخراج عناصر مبارز جنبش کارگری، از مبارزه کارگران بر علیه این حملات جلوگیری بکند. از دستاوردهای تشکلهای کارگران با چنگ و دندان آنرا بدست آورده اند و اینک موردی در

## پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر





بقیه از صفحه ۳

عنوان یک طرح "مفید" نام میبردند.

روزیکشنبه ۶۰/۳/۴ کارگران شرکت ما بنا (بیمه نگار مجتمع فولاد) نمایندگان خود را انتخاب نموده و بعد از اهیما ثی با ردیگر جلوی دفتر مرکزی اجتماع میکنند. در این روز اکثریتی های خا ثنی که بعنوان نماینده ذوب ۱، بهمه راه دوشن دیگر به تهران رفته بودند با زگشته و در اجتماع کارگران حاضر میشوند. یکی از دوشنما بنده دیگر در مورد مذاکره تهران خطاب به کارگران چنین میگوید:

"دوستا نکا رگرم به تهران برای مذاکره رفتیم ولی همه نظور که از پیش معلوم بود فقط این مسئله روشن شد که تمامی ارگانهای مختلف دست بدست یکدیگر داده و توطئه تعطیلی و اخراج کارگران مجتمع را طرح ریزی نموده اند. همانها ثی که کارگران قنددز قول را با بستن کارخانه اخراج کردند همانها ثیکه کارگران کشت و صنعت را بیکار کردند. احمدزاده و وزیر مشا و روسیرست صابع و معادن و فواد کرمی نماینده اهواز در مجلس که کارگران فولاد را اغدا انقلاب مینامد به یک میزان در این توطئه نقش دارند."

حرفهای این نماینده مورد استقبال کارگران قرار گرفته و شعارهای "مرگ برا احمدزاده"، "مرگ بر فواد کرمی" را میدهند. روبریونیستهای اکثریت کارگران را دعوت به "ارامش" کرده و یکی از آنان با گفتن اینکه اینکارها فقط زیر سر "احمدزاده" است سعی میکنند "کرمی" را تهنیت بدهند و ذهن کارگران را از مبارزه بر علیه کل رژیم جمهوری اسلامی منحرف سازند.

برای افشای بیشتر ما هیت خیانتکاران روبریونیست به پاسخ ارگانهای رژیم توجه کنید: دفتر ما م: ما صرفا به امور شرعی رسیدگی میکنیم و کار شما به ما مربوط نیست!

دفتر ریاست جمهوری: کار شما با بستی طبق قانون دنبال شود و برای این منظوره آقای "احمدزاده" (نماینده دولت در منابع فولاد) مراجعه کنید! احمدزاده: خجالت نمیکشید که برای چند روز حقوق نه قابل به تهران آمده اید!؟

روبریونیستها اعلام میکنند که بعنوان نماینده، "کمیته منتخب برای راه اندازی مجتمع" راه انداخته و خیانت خود را با شدت هر چه تمامتر ادامه میدهند. کارگران که منتظر بودند نمایندگان برنامه خود را برای مقابله با توطئه اخراج کارگران ارا شده دهند، در مقابل این خیانت واکنش نشان میدهند. کارگران بدرستی میگفتند:

بقیه از صفحه ۳

میکند که به ساعت کار، بیک ساعت و ربع اضافه شده و از تاریخ شنبه ۶۰/۳/۴ نیز اجرا میگردد. رژیم بارها در طی دوسال گذشته با عوامفریبیهای مختلف سعی در تحمیل این اضافه کاری به کارگران مجتمع داشته که هر بار با مقاومت آنان روبرو گشته بود. برای مثال در اوایل سال گذشته از دادن سرویس به آنان خودداری کرده بود که کارگران برای درهم شکستن این توطئه پای پیاده راهی خانه های خود شدند تا نتوانستند ساعت کار را روی همان ۴۰ ساعت ثابت نگه دارند. اما بعد از سرکوب کارگران در اوایل سال جاری و ایجاد جو غلب و وحشت در کارخانه و به یمن کمکهای فدا نقلائی "انجمن اسلامی" و روبریونیستهای خا ثن اکثریت، دست به یورش جدیدی زده است.

تا ثیر این یورش فدا نقلائی در میان کارگران چند شرکت از مجتمع به شرح زیر است: شرکت یونا پند: کارگران این شرکت اگر چه از این تصمیم ضد خلقی شدیداً ابراز نا رضایتی میکردند اما بدلیل سرکوب اغندا گذشته که در طی آن مبارزه شان بدلیل نداشتن رهبری واقعی به شکست انجامیده بود، این اعتراض جز در قسمت کارکشی که کارگران چسب زن برای مدت کوتاهی دست از کار کشیدند و با ردیک قسمت دیگر که ۴۰ کارگر در اوایل عده از صبح تا بعد از ظهر دست از کار کشیده بودند، به یک حرکت سراسری در سطح کارخانه منجر نشد. فالانها و انجمن اسلامی برای مقابله با عکس العمل کارگران بسیج شده و سرپرستها نیز دقیقاً گزارش حرکتهای کارگران و عکس العملشان را در رابطه با افزایش ساعت کار با دداشت میکردند که همین امر باعث بروز دودستگی میان کارگران گشته بود.

شرکت گابور: در این شرکت اطلاعیه هیئت مدیره مجتمع مبنی بر افزایش ساعت کار بوسیله کارگران پاره شده و کارگران از صبح روز ۶۰/۳/۴ دست به کم کاری میزنند. کارگران بایکدیگر بحث کرده و به همه چیز فحش میدادند و نوک تیز حمله شان متوجه رجا ثی و دولت ضد خلقیش بود. کارگران تصمیم گرفته بودند که طبق ساعتیایان کار قبلی (ساعت ۳/۵) کارتها را زده و بیرون

بیا یند. فالانها و انجمن اسلامی و سرپرستها از روحیه کارگران و سرخوردشان به مسئله گزارش نوشته و به کارگزینی رد میکردند و از موقعیت برای شناسائی عناصر مبارزا ستفاده میکردند. کارگران در ساعت ۲/۵ شروع به سوت کشیدن کرده و ساعت ۳ نیز دست از کار کشیدند و هنگامیکه ساعت ۳/۵ برای زدن کارتها قصد بیرون آمدن داشتند، عوامل کارفرما در گوشه ای از سالن یک سطل را به آتش کشیدند و کارگران به خیال اینکه قسمت آتش گرفته و با خطر تلخی که از آتش سوزی داشتند که در طی آن چند کارگر زخمی شده بودند، در سالن می ماندند.

بعد از جریان بالا فله با داران مستقر در گروه ملی به کارخانه آمده و جلوی کارت زنی صف میکشند و بدین ترتیب توطئه آتش سوزی را تکمیل میکنند. اما کارگران از ساعت ۳/۵ تا یک ربع به پیش (که ساعت کار جدید میباید شد) دست به کار نزدند.

شرکت استاندارد: در این شرکت اعلامیه حوزه کارگری گفتش ملی سازمان پیکار که در آن کارگران به اتحاد و مقاومت بر علیه این توطئه دعوت شده بودند، بطور وسیع در میان کارگران پخش شده بود. کارگران بر طبق پایا ن ساعتکار قبلی دست از کار کشیده و شروع به سوت زدن میباید. روحیه کارگران بالا بود و برخی از آنها در میان خود می گفتند که پیکار هم علامیه داده و گفته بر طبق ساعت کار قبلی کارت بزنند و بیرون بیا یند. کارگران مرتب به دولت فحش میدادند اما با وجود چنین جوی کارگران نتوانسته بودند بیرون بیا یند و فقط دست از کار کشیده بودند.

شرکت چکمه ملی: روحیه مبارزه و مقاومت جویا نه کارگران در این شرکت نسبت به بقیه بالاتر بوده و به همین دلیل کارگران طبق معمول نیم ساعت قبل از پایا ن ساعت کار قبلی برای ناها میروند که با درهای بسته رستوران روبرو میشوند اما بیرو را در شده و پس از خوردن با هاراز شرکت بیرون می آید، اما بدلیل نیا مسدن سرویس ها، در محوطه منتظر میمانند.

بقیه در صفحه ۳۱

خا ثن در صفوف کارگران و انتخاب بدن بعنوان نماینده کارگران، نشان دهنده این است که کارگران مجتمع فولاد اهواز، هنوز خا ثنین به طبقه کارگر را به خوبی نمی شناسند.

دوستان کارگر! شورای واقعی ما من پیروزی مقاومتها و شاد در مقابل توطئه های رژیم جمهوری اسلامی و حامیان آن میباید. با ایجاد شوراهای واقعی، صفوف خود را فشرده تر ساخته و آنرا از وجود روبریونیستها و سایر نوکران سرمایه، تصفیه نمائید!

"موضوع فقط اخراج ما کارگران است نه چیز دیگری. ما باید اینجا مانده و از اخراج خود جلوگیری نمائیم. آنها بدرستی در اعتراض به طرح راه اندازی که برای فریب کارگران از سوی خا ثنین توده ای و اکثریتی پیش کشیده شده بود میگفتند: "ما نباید فریب "کمیته راه اندازی" را بخوریم، چون مسئله اخراج ما مطرح است نه راه اندازی مجتمع". کارگران نشان دادند که دیگر به این سادگی فریب توطئه های فدا کاری رژیم را نخواهند خورد. اما رخنه روبریونیستهای

## ۴۰ ساعت کار در هفته برای کارگران



# خلق ها و مسئله ملی



**پیشمرگان انقلابی،  
حملات نیروهای رژیم به  
روستاهای کامیاران را  
باشکست مواجه کردند**

۶۰/۲/۲۲: در ساعت ۱۲ شب تعداد گشتی ارشی و پاسداران از طریق کوهپای آوالا ن به طرف روستای "کوله ساره" و "سرجی" حرکت کردند. آنها بعد از اشغال روستای "کوله ساره"، در تاریخ ۶۰/۲/۲۴ با تصرف تپه های بنین سرجی و کوله ساره با تجهیزات نظامی وسیع بطرف روستای سرجی حرکت کردند. ساعت ۷ صبح مزدوران رژیم روستای سرجی را برگردانسته و پس از ورود به روستا، اهالی آنرا مورد آزار قرار داده و به تفتیش خانه های آنها پرداختند. مزدوران همچنین منزل شخصی بنام حاج شکرالله را به آتش کشیدند که در اثر آن کلیه دارائی ها نابود میشود. ساعت ۲/۵ صبح همه نیروها سداران و جاشا، در حالیکه یک مینی بوس پرازا هالی را سیر قرار داده بودند بطرف روستای "طا" حرکت کردند. پیشمرگان کومله و پیگارو عده ای از روستائیان مسلح با اطلاع از این اقدامات در تپه های روبروی "طا" موضع میگرفتند. پاسداران و جاشا در حالیکه روستای مذکور را غمبارها را میگردانیدند با مقاومت پیشمرگان روبرو میشوند. در این درگیری عده ای از پیشمرگان دمکرات نیز شرکت داشتند. بعد از ۳ ساعت نبرد قهرمانانه پیشمرگان، مزدوران رژیم وارد روستا شده و چند قطعه فرش مسجد را غارت کردند. نیروهای دشمن در این جریان تعدادی کشته و زخمی بر جای گذاشتند اما به پیشمرگان مدعوا و ادعای نامی لیکن سخا نه در اثر گلوله های غمبارها آسیب دید. نیروهای خدا انقلابی بعد از نیم ساعت توقف در روستا شروع به عقب نشینی کردند. آنها در ارتعاب پیشمرگان براسیمه بطرف کوله ساره فرا کردند و در این حال در ساعت ۱۲ ظهر دره بین سرجی و کوله ساره ناگهان به کمین عده ای دیگر از پیشمرگان کومله (پهل شهید فایق و پهل شهید یوسف) افتاد و مورد حملات بی امان آنها قرار گرفتند. در این نبرد که تا ساعت ۱/۵ بعد از ظهر ادامه داشت نیروهای دشمن با تحمیل خسارات سنگین و کشته و زخمی شدن تعدادی از آنان بغراردست زدند بدین ترتیب حمله گسترده ارتش و پاسداران و جاشا به روستاهای "سرجی" و "طا" باشکست روبرو شد. در مورد این درگیریها لازم به توضیح است که روحیه اهالی هر سه روستای نامبرده عالی بوده و بانهایت فداکاری پیشمرگان را از لحاظ رساندن آذوقه باری میدادند. شرکت زنان روستائی در این جریان بسیار چشمگیر بود (نقل و تلخیص زینب نامه ۱۲۵ کومله)

## سازمان چریکهای فدایی خلق؛ تزلزل در برابر ضد انقلاب در کردستان!

**درباره موضعگیری فدائیان در قبال  
حملات اخیر حزب دمکرات به کومله**

پس و تدوین توافقنامه ۴ ماده ای بین طرفین بدرستی برای نیکوکاران داشت که: "سازمان ماضن استقبال و تأیید توافقنامه فوق با تمام توان خویش در جهت اجرای مواد آن با نیروهای جنبش مقاومت همکاری و مساعدت خواهد نمود و از مردم آگاه و مبارزان کرد و نیروهای سیاسی مسئول در منطقه میخواهیم با نظارت کامل و توانم با حسن نیت خویش در اجرای مواد توافقنامه بکوشند..." (کا ۱۰۹)

بدون شک هر نیرویی که در قبال تأمین منافع خلق کرد و تدوین و تعمیق جنبش مقاومت بر علیه رژیم کامیو به اقتضای حفظ مصالح جنبش دمکراتیک و فدا میریای لیستی خلقهای سراسر ایران و بخصوص جنبش مقاومت احساس مسئولیت میکند، نمیتواند از آتشش پس و تا مدتی درگیری و توافق مصالح امت میز خوشحال نباشد. ما نیز به سهم خود از این توافق استقبال نموده و بر اجتناب از گسترش درگیری تأکید کردیم. اما آنچه در این میان حائز اهمیت است شناساندن ماهیت آن نیرویی است که این درگیری را در ادامه سیاستهای خود تعمیل کرده و آنرا به مرحله ای فرا ترازیک درگیری کوچک و به تبدیل کردستان به عرصه جنگ داخلی کشانده است. سازمان چریکهای فدائی توضیح نمیدهد که چرا این درگیری بوقوع پیوسته و اساساً چه منافع طبقاتی بروز چنین درگیریها را از جانب حزب دمکرات ایجاد میکند. اینک طرفین درگیری، حزب دمکرات و کومله هستند و روشن است، اما باید دید کدام نیرو مورد تعرض قرار گرفته است. سازمان چریکهای فدائی سیاست ظاهراً "بیطرفی" بخود گرفته و بصورت ناظری که مذاکرات بین حزب دمکرات و کومله جهت آتش -

درگیریهای اخیر حزب دمکرات با کومله نتیجه منطقی تدوین سیاستی است که حزب دمکرات در برخورد به مسائل جنبش مقاومت اتخاذ کرده است و این سیاست بیان فشرده ای از منافع طبقاتیست که حزب نمایندگان آنرا میکند. بنا بر این هر گونه بررسی و اعلام موضع در مقابل وقایع اخیر در کردستان، نمیتواند جدا از تحلیل مجموعه سیاستهای که منجر به جنگ و درگیری شده صورت گیرد. هر ناظر "بیطرفی" بروقایع اخیر اطراف مها با دوسر داشت، نمیتواند در مقابل دلایل و شواهد ناکارنا پذیر موجود در جهت شناخت و معرفی مسبب اصلی جنگ مهر سکوت بر لب زده و آتش افروزی واقعی را از پیش چشم نموده خلق کرد و دید و رنگها را در آغوش مریخ موضع خود در قبال آن طفره رود. خلق ستمدیده کرد و دنبال این درگیریها انتظار داشت که تمام نیروهای کمونیست و انقلابی و مترقی با اعلام مریخ موضع خود در قبال این وقایع و توضیح ریشه ها و علل اصلی و افشای مسببین آن و با مقابله با توطئه های جنگ افروزان حزب دمکرات، از گسترش دامنه این درگیریها جلوگیری نماید. اما متأسفانه برخی از نیروهای تنگنا گامی در این جهت برنداشتند، بلکه با سکوت و یا با طفره رفتن از بیان علل و انگیزه های اصلی ایجاد این درگیریها از طرف حزب دمکرات، تا بحال توده ها را از واقعیت آنچه که در کردستان بوقوع پیوسته بی خبر نگه داشته اند. وجه مشخصه تبلور چنین سیاستی در موضع سازمان چریکهای فدائی خلق بطور آشکار به چشم می خورد. سازمان چریکهای فدائی خلق پس از درگیریهای اطراف مها باد، باشکست در مذاکرات بین حزب دمکرات و کومله جهت آتش -

**حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست**





بقیه از صفحه ۵ سازمان ...  
بدون افشای سیاست، اهداف و منافع نیروی حمله کنند و آغاز جنگ، تنها میخواد به این درگیری خاشاک داده و توده ها را از آن سیاستی که حزب دمکرات به اقتضای منافع طبقاتی خود درپیش گرفته و به چنین درگیری منجر شده بی - اطلاع نگاه دارد.

روشن است که ما در جریان این درگیریها بنا به مسئولیت انقلابی خود، بصراحت حمایت قطع خود از کومله را اعلام کرده ایم و در اینجا قصد برخورد به سازمان چریکهای فدائی از دیدگاه رفقای کومله را نداریم. آنچه که در اینجا مورد نظر ماست سکوت رفقای فدائی در مقابل ماهیت طبقاتی و اهداف حزب دمکرات میباشد که بطور اجتناب - نا پذیر در تداوم خود میتواند به افزایش توهم خلق کرد نسبت به حزب دمکرات و تطهیر آن و در نهایت بر زبان جنش مقاومت تمام شود. متعاقب

توافق حزب دمکرات و کومله مبنی بر آتش بس و اجرای مفاد توافقنامه ۶۰/۲/۹، حزب دمکرات همچنان به دشمنی با کومله و دستگیری پیشمرگان و هواداران و تحریک و توطئه بر علیه آن ادامه داد. نقطه اوج این سیاست فدا انقلابی حزب بعد از آتش بس، حمله افراد مسلح حزب به پیشمرگان کومله و دستگیری آنها در منطقه "واوان" و جاده سردشت - پیرا نشرو تدارک حزب جهت حمله گسترده به پیشمرگان کومله در ناحیه "پت پود" بود. بدنبال این واقعه، سازمان چریکها در ادامه همان سیاست پیشین خود در قبال درگیریهای پیشین حزب دمکرات، طی مقاله ای در کار شماره ۱۱۱، ۶۰ خرداد تحت عنوان "هرگونه تضعیف جنبش مقاومت خلق کرد خیانته به انقلاب است" موضع گیری نمود. بی آنکه گوشه ای از درگیریهای بعد از توافقنامه را منعکس نماید و بی آنکه روشن نماید که اساسا چه کسی مفاد توافقنامه ۶۰/۲/۹ را که مورد تائید و استقبال آنها نیز بود زیر پا گذاشته است. سازمان چریکهای فدائی در این مقاله مینویسد:



استقبال مردم روستا از پیشمرگان قهرمان

"هیچکس نمیتواند انکار کند که وجود اختلافات و تشادها در درون خلق امی عینی و اجتناب نا پذیر است اما وجود هر تشاد و اختلافی نمیتواند تحت هر شرایطی منجر به درگیریهای حاد شود... درگیریهای حزب دمکرات و کومله تشدید تشادها در خلقی است" (کار ۱۱۱)

آنچه که در این جملات چریکهای فدائی - چشمگیر است، اینها مود و پهلوهو گوشتی است، چرا رفقای فدائی از افشای آتش از جنگ طفره میروند؟ فدائیان میگویند هر تشادی نمیتواند به درگیری حاد منجر شود. ما می پرسیم:

۱- ماهیت این تشاد چیست و بین کدام طبقات است و اساسا تشاد بین حزب دمکرات و کمونیستها بطور عمده در اینجا کومله چگونه تشاد می باشد؟ این رفقا آنرا "درون خلقی" ارزیابی میکنند؟! سازمان چریکهای فدائی، موضع خود در قبال حزب دمکرات را بصراحت اعلام نکرده و بیروشنی توضیح نداده که حزب دمکرات از نظر سیاسی و ماهیت طبقاتی، نماینده کدام طبقه و سیاست است؟ اما اگر این سازمان به این سؤال پاسخ نداده، کمونیستها و تجربه دوسال جنبش مقاومت خلق کرد مرز بین طبقات و سیاستهای انقلابی و فدا انقلابی و سازشکارانه را مشخص کرده است. خلق کرد طی دوسال، دشمنی این حزب را با کمونیستها و انقلابیون پیگیر، حملات آن به شورا های انقلابی دهقانان، حمایت از فئودالها و مالکین و سرمایه داران و... تجربه کرده است. خلق کرد بارها دیده است که چگونه دستاوردهای دمکرات تیکش و خون هزاران شهید و زخمیش، با پمال حزب دمکرات گردیده است. ما توجه رفقای فدائی را به گوشه هایی از اقدامات این حزب در مقابل کومله با کمونیستها و انقلابیون و زخم کشان آگاه کردستان که در نشریات نیروهای کمونیستی از جمله سازمان ما منعکس شده جلب میکنیم. مجموعه اقدامات حزب دمکرات از جلوگیری از مصافحه انقلابی اموال فئودالها و مالکین و حمله به کمونیستها گرفته تا خلع سلاح، دستگیری و کشتن پیشمرگان انقلابی کومله و بیکار و اقدام به مذاکره و سازش با رژیم جمهوری اسلامی، تلاش کدام طبقه را جز بورژوازی و مملکتین کردستان که با تعمیق جنبش مقاومت و رشد کمونیستها و بسیج و تشکل توده های خلق کرد حول سیاست های کمونیستها بیش از پیش بوحشت افتاده و تا مرز سرکوب و شکنجه و اعدام و کشتن پیشمرگان انقلابی پیش میروند، بیان میکنند؟

فدائیان با پدید آمدن تشاد تشاد زخم کش کرد، در جریان مبارزات خود میخواد همدستان و دشمنان واقعی خود را بشناسد. آنها میخواد همدانند که کسانی مدافعین تا به آخر پیگیر منافع خلق استمدید کرده و از هرگونه جانشینی در این بقیه در صفحه ۲۸

(۳) ما بشروح این وقایع را بنقل از اعلامیه کومله بتاریخ ۶۰/۲/۲۵ در پیکار ۱۰۸ درج نمودیم.



## اخبار مبارزات توده‌ها



### خانه‌گردی رژیم در بندرعباس، یادآور خانه‌گردیهای رژیم پهلوی

با ردیگر رژیم جنایت‌پیشه جمهوری اسلامی  
همانند رژیم شاه خان کمونیستها و انقلابیون  
را مورد پیگرد و تعقیب قرار داده و اینبار بی -  
شرمانه به بهانه تروژ و تروریسم و تعقیب  
تروریستها، به خانه‌گردی پرداخته و تذبذبه  
کمونیستها و انقلابیون، این فرزندان راستین  
و مدافع کارگران و زحمتکشان را دستگیر میکند.  
اخبار رسیده تاکنون (ظهر چهارشنبه ۶۰/۳/۶)  
حاکی است که چندین خانه مورد یورش پاسداران  
چهل و سرما به ونیروهای انتظامی این نظم  
ارتجاعی، قرا گرفته و در هر خانه زن، دختر، پسر  
پدر... و خلاصه هر که را توانستند دستگیر کرده  
و چشما و دستهاشان را بسته و به زندان "خنو"  
که قسمتی از آن، از روز قبل (۶۰/۲/۵) تخلیه و  
آماده شده بود، میبرند و این نشان میدهد که  
رژیم از قبل تدارک دستگیریهای وسیعی را  
دیده است. خانه‌گردی و دستگیری همچنان ادامه  
دارد و رادیو ارتجاعی بندرعباس هر ساعت  
اطلاعیه سپاه پاسداران - در واقع اعلامیه

حکومت نظامی - را که بندهندان همانند  
اطلاعیه‌های حکومت نظامی از هاری و ویسی  
میباشد بخش میکند. در اطلاعیه آمده است:  
هیچکس حق تخلیه و خانه‌گردی را ندارد (!؟)،  
خانه‌های اجارهای که در اختیار اشخاص -  
انقلابی (بخوانید کمونیستها و انقلابیون)  
هستند، با یستی توسط ما حیفا نه معرفی گردند  
(؟!). و... آری رژیم هدف اساسی اش سرکوب  
کمونیستها و انقلابیون که در ژانویه متاع کارگران  
و زحمتکشان مبارزه میکنند، میباشد...  
کارگران و زحمتکشان! به مقابله بر علیه  
مقررات حکومت نظامی، خانه‌گردی و دستگیری -  
های رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی برخیزیم...  
اجازه ندهیم که رژیم به خانه‌گردی بپردازد،  
مانع دستگیریها شویم و به مبارزه برای آزادی  
دستگیرشدگان و زندانیان سیاسی انقلابی  
برخیزیم...  
با اندکی تغییر بنقل از:  
اطلاعیه هواداران سازمان بیکار در راه  
آزادی طبقه کارگر - بندرعباس ۶۰/۳/۶

### سرکوب زحمتکشان سیاه‌دشتک در دورژیم

در تاریخ ۲۹ اردیبهشت، صدها نفر از اهالی  
سیاه‌دشتک بعنوان اعتراض به لایحه فردوسی  
که در مجلس به تصویب رسیده بود در مقابل مجلس  
اجتماع کردند. جریان از این قرار بود که  
اهالی این منطقه در زمان رژیم پهلوی زمین -  
های در منطقه کارخانه سیمان داشتند که بزور  
از آنها گرفته شده بود و بدنبال مبارزاتی که  
این زحمتکشان در طی این مدت داشته‌اند، با  
تصویب "شورای انقلاب"، زمینی در سیاه‌دشتک  
به آنها داده میشود. در طی این مدت برخی از این  
عده توانسته بودند در این زمینها خانه  
بنا کنند تا اینکه اخبار لایحه تصویب میشود  
که بموجب آن رژیم میخواهد زمینهای  
سیاه‌دشتک را نیز از اهالی گرفته و زمین دیگری  
را که هنوز معلوم نیست در کجاست به آنها بدهد.  
زحمتکشان این منطقه نیز که از اینهمه  
فشارهای رژیم به تنگ آمده بودند تاکنون به  
اجتماع در مقابل مجلس پرداخته بودند. ابتدا  
حتی کرمانی نماینده مجلس برای آنها  
محبت میکند ولی جواب او این بود که لایحه  
تصویب شده و کاری نمیشود کرد! مردم که  
اینچنین ما هیت به اصطلاح "نمایندگان" را  
میبینند از شدت خشم دست برآهیما می‌زنند و قصد  
ورود داخل مجلس را میکنند. پاسداران نیز به  
دفاع از نمایندگان ضد مردمی مجلس، به  
تیراندازی هوایی و ضرب و شتم زحمتکشان  
می‌پردازند. سیاه‌دشتک منطقه ۹ نیز برای  
سرکوب زحمتکشان بکمک پاسداران می‌آیند

بقیه در صفحه ۲۹

### اشغال کاخ توسط مزدوران رژیم

سال پیش هنگامیکه رژیم جمهوری اسلامی  
در منطقه کاخ بنگام جفر چندجاه عمیق با  
مقاومت دهقانانی که تنها تنها نشان در نتیجه  
این اقدام رژیم خشک میشد و برور شده پاسداران  
و زاندارمری محل دهقانان کاخ را برگزید  
بسته و تن را شهید و دهقانان را زخمی نمودند.  
پس از آن اهالی زحمتکش منطقه، دفاع ترشیه  
پاسداران، بسیج محل و جهاد سازندگی را تعطیل  
کرده و شرط تا سی این مراکز را مجازات عاملین  
و مسین حیات ۱۴ بهمن قرار میدهند.  
از آن پس در پی نامه‌های متعددا هالی  
منطقه به ارگانهای رژیم جهت رسیدگی به مسئله  
افراد متعددی از حبسی و لیبرال حتی یونی مبر  
برای به سازش کشاندن مبارزات زحمتکشان به  
این منطقه میروند اما حبله هیچکدام از این  
خامیان سرما به داران و زمینداران موثر  
نیفتاده و اهالی کاخ همچنان برخاسته خود

مبنی بر مجازات عاملین کشتارهای میفرشند.  
رژیم که سیاست "شیرینی اش" موثر واقع  
نمیشود، این بار طبق سیاست "چماقش"، هنگام  
جاری شدن سیل در منطقه، به نهان نمک به تعمیر  
قنوات در ۶۰/۲/۲۶، دومینی بوس از اوپا شان  
حزب الهی را از تربت حیدریه و فردوس، زیر  
پوشش جهاد سازندگی به منطقه میفرستد. این  
اوپا شان از لحظه ورود با فحاشی و تهدید، شروع  
به پاک کردن شعارهای انقلابی و نوشتن شعارهای  
فدا انقلابی خود می نمایند و سپس چندین چادر  
در نقاط مختلف شهر بپوش می‌کنند که با اعتراض  
مردم روبرو میشوند. پاسداران و اوپا شان رژیم  
در صبح ۶۰/۲/۲۷، شهر را به اشغال خود درآورده و  
در نقاط مختلف شهر مستقر میشوند. و از همان  
لحظه اشغال، به نیروهای انقلابی که به کمک  
سیل زدگان آمده بودند، حمله برده و همزمان با  
آن، به خانه‌ها یورش برده، به دستگیری و ضرب و

شتم اهالی می‌پردازند. هم‌اکنون دهقانان از اهالی  
زحمتکش در سارت این مزدوران هستند.  
کارگران و زحمتکشان!  
رژیم جمهوری اسلامی این بار هم دشمنی و  
کینه توزی خود را نسبت به زحمتکشان و نیروهای  
انقلابی به نمایش گذاشت. با افشای توطئه‌ها و  
جنایات رژیم ارتجاعی، از دهقانان و زحمتکشان  
منطقه کاخ پشتیبانی کنیم.  
دستگیرشدگان منطقه کاخ به همت  
توده‌ها آزاد باید گردند!  
زندها دیکار رتوده‌ها بر علیه رژیم  
جمهوری اسلامی!  
مرگ بر پاسداران و رنج‌جاع  
داطلبی!  
برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق!  
با استفاده از اعلامیه‌ها و اداران سازمان بیکار  
در راه آزادی طبقه کارگر، ۶۰/۲/۲۸

## به استقبال جنبش او جگیرند توده‌ها بشتابیم



حیف و میل و نابودی  
کمکهای مردم به آوارگان

پس از شروع جنگ ارتجاعی کنونی و آواره شدن بسیاری از زحمتکشان میهنمان، زبیرهای هبای هوی بسیاری برآه انداخت مبنی بر اینکه به کمک آوارگان جنگ شتافته است و در این میان نیز با سوءاستفاده از احساسات پاک مردم، با زکردن حسابهای گوناگون، بخشی از دسترنج کارگران و زحمتکشان را به بهانه همین کمکها بالا کشید. بسیاری از مردم نیز با توهم نسبت به رژیم، کمکهای جنسی خود را تحویل عمال رژیم دادند و گمان میکردند که بدست آوارگان جنگ خواهد رسید. اما با رها شدن هدیه داده شده به عمال رژیم همه این کمکهای نقدی را به جیبهای خود سرازیر کرده و اجناس را با بفروش رسانده و با آنقدر در انبارها نگهداشته اند که برخی از آنها گندیده شده اند. از جمله اینکه اخیراً در انبار شهرک علم الهدی شوشتر مقدار زیادی تخم مرغ و گوجه فرنگی فاسد شده و با پدیدور ریخته شود. همچنین بر اثر بی احتیاطی مسئولین، گونیهای برنج یا پاره شده و با آب پروری آنها ریخته شده است که نتایج آن برنجها خراب شده اند. و این در شرایطی است که آوارگان شدیداً در مضیقه بوده و وقتی هم درخواست حق خود از کمکهای مردم میکنند، با جواب "بدرسم، تمام شد" و... روبرو میشوند.

حل مشکل بی خانمانی  
با مصادره انقلابی!

با شدت گرفتن گرمای طاقت فرسا در شهرهای مختلف جنوب و از جمله بوشهر، آوارگان ساکن در "هلیله" بوشهر که از فقدان خانه و وسایل رفاهی شدیداً در عذاب بسر میبرند در تاریخ دوم خرداد دست به مصادره انقلابی تعدادی از خانههای نیروگاه اتمی بوشهر زدند. (این خانهها به کمک آلمانی معروف است و در زمان رژیم شاه در اختیار آلما نیهای که برای چپاول زحمتکشان ایران به بهانه احداث نیروگاه اتمی در بوشهر، به کشور آمده بودند، قرار داده شده بود). این حرکت انقلابی منجر به پیوستن بقیه آوارگان به آنها در روز بعد و مصادره ۸۰-۷۰ خانه دیگر توسط آنان شد. مسئولین مرتجع نیروگاه برای جلوگیری از حرکت انقلابی آوارگان، نگهبانان را به مقابله با آنها فرستادند، اما نگهبانان که خود نیز از زحمتکشان بودند، با آوارگان همراه شده و کلیه منازل را در اختیار آنان قرار

جنگ و  
آوارگان

داد. این امر موجب دستگیری وی شده و هنوز از او خبری در دست نیست. مصادره همچنان ادامه یافته و هر ساعت تعداد زیادی نیروگاه می-امدند. (نکته قابل ذکر اینکه چندی پیش حین اختلافات لیبرالها و حزبیهها بر سر اداره کارگاه نیروگاه که اکنون در دست لیبرالهاست، سپاه پاسداران دست به مصادره ضدانقلابی ۹۰ خانه زد که فعلاً هم خودشان در آنجا زندگی میکنند). بدنبال مصادره های بی دریغی آوارگان، استاندار (برجی)، معاون او (فاتحی)، رئیس انرژی اتمی (سربی) و رئیس سپاه پاسداران و رئیس دادگاه "انقلاب" وارد عمل شدند. رئیس سپاه به زن میانمالی گفت: "اینکار شما ضدانقلابیست. ما از طرف رجائی حکم تخلیه خانه های شما را داریم. زن آواره در جواب او با چهره ای خشمگین گفت: "چطور؟ مصادره خانه های نیروگاه توسط سپاه انقلابی است، اما توسط آوارگان زحمتکش عملی ضدانقلابی است؟" پاسداران فدا خلق برای کتک زدن او، بطرفش حمله کردند و رئیس سپاه نیز برای او کلت کشید و ولی با تعرض انقلابی تمام آوارگان روبرو شدند. مقابل شدید آوارگان باعث شد که آنها محل را ترک کنند بعد از مدتی برق را بر روی آوارگان قطع کردند. اما این مسئله نیز علاوه بر اینکه در اداره آوارگان مبنی بر حفظ خانه ها خللی وارد نداشت و در بلکه آنها دست به حرکت برای اتصال مجدد برق زدند.

مزدوران رژیم بمنظور جلوگیری از افزایش تعداد آوارگانی که جهت مصادره می آمدند دست به هراقدامی میزنند از جمله پاسداران یک راننده تاکسی را که چند بار آوارگان را از شهر به نیروگاه منتقل کرده بود دستگیر کرده و کوبیدن بنزین او را قطع نمودند. چند معلم آواره را نیز دستگیر کردند. علاوه بر این، میان آوارگان جا سوا نی فرستادند، تا با کنترل آنها به شنا سانی عناصر میا رزی بردارند. اما با زهم نتوانستند کاری از پیش ببرند و مصادره خانه ها همچنان ادامه دارد. بدین ترتیب آوارگان زحمتکش با ردیگرشان دادند که تنها با مصادره انقلابی و با یکبار چگی خود را درند مغفل بی - خا سانی خود را حل نمایند.

در اردوگاه "تنگ ملاوی"  
بر زحمتکشان آواره  
چه میگذرد؟

اردوگاه تنگ ملاوی، انسان را به بیاد اردوگاه های اسرای جنگی می اندازد. رژیم در این اردوگاه به وسیله ارگانهای سرکوبش، ارتش و سپاه پاسداران، آوارگان را به شیوه های مختلف تحت فشار قرار میدهد. در این اردوگاه جیره بسیار ناچیزی به آوارگان میدهند. وضع آب اردوگاه بسیار اسفنا راست، چنانکه جگرزدگان با دیدن آب تا مین آب مورد نیازشان سه کیلومتر پیا در روی کنند تا به چشمه برسند. هرگونه اعتراض بر حق زحمتکشان در این اردوگاه مانند سائیر مناطق، تحت عنوان "عدا انقلاب سرکوب میشود. زحمتکشان این اردوگاه حق ندارند شبها بعد از تاریکی از اردوگاه به بیرون بیایند، حق تجمع ندارند و با داش هرا اعتراض و خواست آنها، اخراج از اردوگاه است. برای نمونه چندی پیش مرد آواره ای از رئیس اردوگاه که یک استوار ارتشی است، مقداری پول میخواهد تا برای دیدن اقوامش به سر بندر برود. استوار مزبور به او میگوید: "۱۵۰ تومن بهت میدهم و میتوانی بروی اما دیگر نباید برگردی". سپس او را اخراج میکند. نمونه دیگر از رفتار غیر انسانی رژیم با آوارگان حادثه ایست که چند شب پیش برای یکی از آوارگان اتفاق می افتد. یک شب ماری به داخل چادر یکی از آوارگان می رود. یکی از افراد خانواده ماری را چاق میکند. مردم با شنیدن سروصدای افراد داخلانواده دور آنها جمع میشوند. همگی از این حادثه و اوضاع نا بهمان نشان آشفته بودند. در همین حال سپاه پاسداران و ارتشی ها سر میروند و مردم مزبور را به اتهام اینکه قصد شوراندن مردم را بر علیه مسئولین اردوگاه داشته است. دستگیر کرده و اخراج میکنند. آری، رژیم این چنین به خواستهای زحمتکشان آواره رسیدگی میکند. اما زحمتکشان جگر زده مستقر در اردوگاه تنگ ملاوی این رفتار رژیم را فزایا موش نخواهند کرد و دیر یا زود پوزه این مزدوران را به خاک خواهند مالید!

به نقل از شماره ۱۴ "فریاد آوارگان"  
سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر  
تشکیلات خوزستان

## بیاد رفیق ایرج

گزارشی داشتیم از مراسم بزرگداشت چهلمین روز شهادت رفیق ایرج توابی که در شیراز بر مزار آن رفیق کمونیست تهرمان برگزار شده است. متأسفانه به علت کمبود جا، درج آن در این شماره میسر نشد.

جنگ غیر عادلانه کنونی جنگی است بر علیه توده های ایران و عراق



## درباره حزب طبقه کارگر (۱)

### توضیح:

سازمان ما در کنار سایر وظایف ترویجی خویش، انتشار جزوات و کتب آموزشی به زبان ساده را در دستور کار قرار داده است و در همین رابطه مقالات آموزشی را در نشریه پیکار منتشر می سازد.

از آنجا که به سبب ضعف عمومی جنبش کمونیستی حتی رفقای هوادار جنبش کمونیستی نیز از ممتد آموزش همه جا نبه تر سوسا لیسما از طریق ارگانهای کمونیستی میباشند ما سعی میکنیم که به بویژه در سری مقالات آموزشی پیکار، رتلفیقی از نیازهای این رفقا و توده های طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان را بوجود آوریم.

مقاله کوتاه "درباره حزب طبقه کارگر" که تلاشی است برای بیان ساده ضرورت حزب طبقه کارگر در همین رابطه در نشریه درج شده است. از آنجا که آموزش این ضرورت برای طبقه کارگر بسیار اهمیت اساسی دارد، از همه رفقای هوادار می خواهیم که اینگونه مقالات، جزوات و کتب را به شکل فعال در میان کارگران برده و بر مبنای آن صبورانه آنان را آموزش دهند.

انتشار اینگونه مقالات و کتب تنها گام نخست است بی شک ما دیت بخشیدن و عملی ساختن ترویج آنها منوط به برخورد فعال و پیگیرانه رفقا خواهد بود. برای آنکه در این سگوشی چینی ضرورتی بتوانیم هر چه بیشتر موفق گردیم از همه رفقا می خواهیم که همک نظر است انتقادات و پیشنهادات خویش را فاعلا تبه با ما در میان گذارند.

پیروز باشید.

### ۱- ضرورت ایجاد حزب

#### از کجانشی میشود؟

از آن زمان که سرمایه داری بوجود آمد، مبارزه بین کارگر و سرمایه دار نیز آغاز شد. سرمایه داری می بایست رشد کند و این رشد به قیمت رنج و استثماری میسر میشد که سنگینی بار آن اساسا بدوش کارگران و زحمتکشان بود. نظام سرمایه داری از خون و عرق کارگران و زحمتکشان تغذیه میکرد و روز بروز پراورتر میشد به همین دلیل کارگران و سرمایه داران همواره روبرو میگردیدند.

مبارزات کارگران در ابتدا، به علت نا آگاهی و کم تجربگی آنها غالباً بصورت فردی و پراکنده و در سطح بسیار پستی جریان داشت. کارگران در آن موقع با شکستن و نابود کردن ابزار و اداوات تولید، خشم و نفرت خود را بر علیه وضع موجود نشان میدادند و با ملاح از سرمایه دار انتقام می گرفتند. ولی همانطور که لنین می گوید این بیشتر جنبه ابراز احساسات و انتقام داشت تا مبارزه. کارگران چون گمان میکردند که این ابزار و ماشینهای کارخانه هستند که آنها را به این روز سیاه می نشانند، لذا ابزارها و ماشینها را میشکستند و خود میگردند. البته این شکل مقاومت در مقابل سرمایه دار کارگران را نادرست بود و نمیتوانست سودی بحال کارگران داشته باشد. خود کارگران هم قدمهای بعدی مبارزه خود، به این مسئله پی بردند که ماشینها و ابزار تولید گناهی ندارند، بلکه این نظام غارتگر سرمایه داری است که این ابزارها را در خدمت چپاول و مکیدن شیر جان کارگران بکار میگیرد. با رشد بیشتر سرمایه داری و در نتیجه رشد روز افزون تعداد کارگران، مبارزه بین این دو طبقه اصلی جامعه سرمایه داری گسترده تر شده و اوج بیشتری میگیرد. در کشاکش این مبارزات و در پی شکست ها و پیروزی ها ست که کارگران تجربه بیشتری اندوخته و آگاه تر میشوند. تا قدم های بعدی خود را محکم تر بردارند.

با رها و بارها اتفاق می افتد که کارگران در مبارزات اقتصادی خود پیروز میشوند. مثلاً بر کارفرما فشار می آورند و او ادا را مینماید که اندکی به دستمزدهایشان اضافه کند. اما هنوز این با ملاح اضافه دستمزدها در یافت نگردید، از آنطرف با بالا رفتن قیمت ها مواجه میشوند. در اینصورت ناچار میشوند ما به محتاج زندگی خود را با پول بیشتری تهیه نمایند. بدین ترتیب عملاً آن اضافه دستمزد دغنی و سی اثر میشود. اضافه دستمزد هنوز یکف نیا مد، از کف می رود. با زهم روز از نو روزی از نو!

هر کارگر آگاهی میتواند ده ها مثال در همین زمینه ها (از قبیل اضافه دستمزد، حق ممکن و...) را در دنیا و در که سرمایه داران در شرایط خاصی که تحت فشار مبارزه کارگران بوده اند، امتیازاتی را داده اند. ولی سپس با انواع حقه با زیبا و دوز و کلکها با ردیگر بهمان جای اول بازگشته اند. تا زه فرض میکنیم که همیشه هم همینطور باشد و کارگران بتوانند امتیازات متعددی را هم از حقوق کارفرما بیرون بکشند و

این امتیازات را همیشه نمایند. آیا وضع تغییر میکند؟

بله البته تغییر میکند، چرا که کارگران در اینصورت میتوانند قدری، فقط قدری بهتر از قبل زندگی کنند. یعنی میتوانند نیروی کار خود را در شرایط مناسبتی در اختیار سرمایه داران قرار دهند. ولی با اینهمه یک چیز که مهم ترین هم هست، با اینگونه امتیازات و نه فقط با اینگونه امتیازات، بلکه با هرگونه امتیازی نیز تغییر نمیکند، و آن این است که کارگران مانند گذشته ناچار اند نیروی کار خود را به سرمایه دار بفروشند و استثمای خود را در معرض فقر و فلاکت و بیکاری و... بمانند. به عبارت دیگر در جامعه سرمایه داری در هر شرایطی که باشد، بردگی اسارت را طبقه کارگر بهیچ وجه از بین نمیرود. چرا چنین است؟

برای اینکه مبارزه اقتصادی طبقه کارگر اگر چه در بهبود شرایط کار روزی و امورش است ولی بهیچوجه قادر نیست نظام غارتگر سرمایه

داری را از بین ببرد. مبارزات اقتصادی طبقه کارگر اگر چه بنوعی خود اهمیت فراوانی هم دارد لیکن نمیتواند آسیبی به اساس آن نظام، که طبقه کارگر از پرستم و استثمای رله میکند، وارد آورد. دوا در در با پیدر جای دیگری جستجو نمود. با دیدن چه چیزی است که نظام غارتگر سرمایه داری را سرپا نگهداشته است. با دیدن سرچشمه اسارت و بندگی زحمتکشان در کجا نهفته است. اصلاً چرا با بد میلیونها نفر کار میکنند و گر سنگی بکشند، ولی در عوض عده معدودی کار نکنند و در عین حال از پر خوری بترکنند؟ بنا بر این با دیدن که این رابطه نا برابر و ظالمانه، چگونه است و به چه وسیله حفظ میشود. اساس نظام سرمایه داری بر مالکیت خصوصی ابزار اصلی تولید استوار است. بدین معنی که عده قلیلی سرمایه دار را در دست داشتن کلیه این ابزار اصلی (زمین، معدن، کارخانه ها و...) ما حب همه چیزند و بر عکس در مقابل آن، توده کثیری هیچ چیز از آن خود ندارند و از این رو ناچارند برای اینکه زنده بمانند نیروی کار خود را به صاحبان آن ابزار بفروشند. این توده های زحمتکش با اینکه با معا ز کارگران زندگی میکند، خودشان ناچارند در سخت ترین شرایط کار کنند و بدترین وضعی با ملاح روزگار بگذرانند.

روشن است که این رابطه نا برابر همین طوری نمیشود حفظ نمود. چون هر لحظه در خطر آن است که توده های کارگر زحمتکش و تحت ستم، بخاطر وضع اسارت بارشان بر علیه آن اقلیت محدود و سرشورش بگذارند. بنا بر این چگونه سرمایه داران میتوانند توده های وسیع کارگران را تحت استثمای روتسلط خود نگهدارند؟

## زنده باد سوسیالیسم



این رابطه ظالمانه و نابرابر چگونه حفظ میشود؟ دولت بورژوازی (شامل ارتش، پلیس، زندانها، دادگاهها و...) عامل حفظ این رابطه استثمارگرانه و ظالمانه است. آنچه که با عیث میشود، که بورژوازی قدرتمند باشد، این است که علاوه بر درست داشتن قدرت اقتصادی، قدرت سیاسی را نیز درست دارد. و این قدرت سیاسی با و این امکان را میدهد که در سایه آن توده های کارگزار و حاکمیت را زیر سلطه و استثمار خود نگهدارد. قدرت سیاسی درست بورژوازی وسیله ای برای حفظ وادامه رابطه استثمارگرانه و ظالمانه است.

این مسئله را که رگران در جریان مبارزات خود - بخودی شان درمی یابند. هرگاه رگر مبارزی بیاد می آورد که چه در زمان شاه و چه اکنون وقتی که در گرفتن بخشی از حقوق خود با فشاری میکنند و سر سختی نشان میدهد، فوراً سروکله نیروهای مسلح دولتی (ژاندارم و پادرو...) پیدا میشود. آری کارگران در تجربه خود می بینند که چگونه ژاندارم، پادار، دادگاه و زندان در خدمت سرمایه داران و بر علیه کارگران بکار گرفته میشوند. اینها همه و سائل هستند که بصورت یک دستگاه سرکوب درست طبقات حاکم بر علیه طبقات محکوم مورد استفاده واقع میشوند حال با بدیدر سید که آیا کارگران میتوانند با مبارزات اقتصادی خود، سرمایه داران را با دستگاه سرکوبی که دارند، وادار به تسلیم کنند؟ آیا مثلاً با افزایش دستمزد... میتوان این دستگاه سرکوب را از کار انداخت؟ آیا تنها با گرفتن حق ممکن، حق اولاد و از این قبیل چیزها آسیبی به حاکمیت سرمایه داران میرسد؟ مسلم است که اینطور نیست و نمیتوانند هم باشد. زمانیکه قدرت سیاسی و حکومت درست سرمایه داران است، طبقه کارگر همچنان زیر سلطه و استثمار باقی خواهد ماند. بنا بر این طبقه کارگر با افزایش دستمزد و... (که در مجموع مطالبات اقتصادی خوانده میشود) نمیتواند حاکمیت بورژوازی را به خطر اندازد، اضافه شدن چند تومان به دستمزد کارگران چه آسیبی میتواند به آن ماشین عظیم حکومت سرمایه داران بزند؟

تا زمانیکه قدرت سیاسی درست بورژوازی است، طبقه کارگر همچنان در شرایط بردگسی مزدوری باقی خواهد ماند. رها نشی طبقه کارگر تنها زمانی میسر میشود که آن ماشین عظیم حکومت سرمایه داران یعنی دولت سرمایه داری را درهم کوبیده و خود قدرت سیاسی را بدست بگیرد. روشن است که برای اینکار ابتدا می بایست بورژوازی را از تخت حکومت بزرگش و این امر چیزی نیست که بتوان با مبارزات اقتصادی انجام داد. اهمیت عظیمی که مبارزه سیاسی برای طبقه کارگر دارد از همینجا ناشی میشود. بنا بر این آن مبارزه عظیمی که پیشا روی طبقه کارگر است همانا مبارزه سیاسی است.

طبقه کارگر برای رسیدن به هدفهای والای خود ناچار است و بایستی مبارزات اقتصادی را نیز در خدمت مبارزه سیاسی خود برای سرنگونی بورژوازی قرار دهد. در اینجا سوالی که مطرح میشود این است که مبارزه اقتصادی و سیاسی طبقه کارگر چه تفاوتهایی با هم دارند و ارتباط آنها با یکدیگر چگونه است؟

این دونوع فعالیت، کاملاً در ارتباط با هم بوده و پیوندناگسستگی دارند. مبارزه ای که کارگران از آغاز برای بهبود شرایط کار روزندگی خود بر علیه کارفرمایان سرمایه دار خود بکار میگیرند، همگی از فعالیتهای اقتصادی هستند اینگونه فعالیتها عمدتاً برای افزایش دستمزدها و کاهش ساعات کار انجام میگیرد. بعنوان مثال وقتی کارگران یک کارخانه علیه کارفرمای خود دست به اعتصاب زده و خواهان چهل ساعت کار در هفته میشوند، این یک مبارزه اقتصادی است. ولی وقتی که کارگران بعنوان یک طبقه دست به مبارزه زده و خواهان تصویب قانون چهل ساعت کار در هفته میشوند، اینجا دیگر طبقه کارگر است که در مقابل طبقه حاکم قرار میگیرد و بعنوان یک طبقه خواست خود را مطرح میکند. در اینصورت جنبش آنها به یک جنبش سیاسی تبدیل میشود. ما رکن در این زمینه میگوید:

"هر جنبشی که طبقه کارگر بعنوان یک طبقه به مخالفت با طبقات حاکم بر میخیزد و می کوشد آنها را بوسیله فشاری از خارج تحت سلطه خود درآورد، جنبشی سیاسی است." (۱) البته باید در نظر داشت که وقتی گفته میشود "جنبش سیاسی" لزوماً این به آن معنی نیست که سیاستی پزولتری و ماکسیستی برای جنبش حاکم است. بقول معروف "هر گردی، گرد نیست" و هر سیاستی نمیتواند لزوماً سیاست کمونیستی باشد. آن سیاستی که کارگران خود به آن دست میبندند اتفاقاً سیاسی بورژوازی است. (این را بعداً توضیح میدهم).

کارگران ابتدا برای رسیدن به برخی خواستهای اقتصادی خود، دور هم جمع شده و بعنوان مثال برای افزایش دستمزد و یا کاهش ساعات کار متحدانه بر علیه کارفرمایان خود مبارزه میکنند. در جریان این مبارزات و در پی شکستها و پیروزیهاست که آزمونده، آگاه و سبک تجربه شده و بالاخره به کمک آگاهی پرولناریائی (سوسیالیسم) که کارگران به تنهایی و صرفاً با آنکه به خود قاف در نیستند یا ندست یابند، درمی یابند که ساعات کار دردی را دوا نخواهد کرد. در اینجا است که آنها بطوریکه گفتیم طبقه کارگر لزوم مبارزه سیاسی را درک میکنند، درک می کنند که امیدی به بهبود شرایط کار روزندگی کارگران و زحمتکشان درجه را چوب نظام سرمایه داری نیست و تنها با درهم شکستن این نظام است که طبقه کارگر به آزادی واقعی خواهد رسید. ما رکنسیم بعنوان علم رها نشی طبقه کارگر

با تحلیل مشخص از جامعه سرمایه داری لزوم این درهم شکستن را نشان داده و به تجربه اثبات نموده است. طبقه کارگر تنها بکمک این علم، سبک می تواند بعنوان یک طبقه مستقل، با این تئولوژی و سیاست مستقل خود در مقابل سرمایه داری قد علم کرده و راه درست بسوی آینده را بنا کند. یعنی سوسیالیسم را پیروز مندانه طی کند.

انسان برای رسیدن به هدف، هر هدفی که باشد، به وسیله مناسبی نیازمند است که رسیدن به آن هدف را ممکن و میسر میسازد. طبقه کارگر نیز برای رسیدن به هدف خود که همانا درهم شکستن نظام سرمایه داری و برقراری سوسیالیسم است، به ابزار مناسبی نیازمند است. تنها سلاح و ابزار طبقه کارگر تا زمان است و عالیترین و مهم ترین آن همان حزب طبقه کارگر است. قدرت طبقه کارگر در اتحاد و با هم زدن تشکیلات بافتگی است که تنها و تنها در درون تشکیلات قابل تصور است. شعار "چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است" تنها نگره همین امر است.

همانطور که کارگران برای پیشبرد مبارزات اقتصادی خود به سندیکا احتیاج دارند، همانطور نیز در مبارزه برای کسب قدرت سیاسی، به حزب سیاسی خود که عالیترین سازمان طبقه کارگر است، نیازمندند. طبقه کارگر تنها وقتی می تواند دستگاه استثمار را بر سر و پای خود ریزد و درهم بکوبد که مستقلانه در حزب سیاسی خود یعنی حزب کمونیست متشکل شده و با جمع کردن دیگر زحمتکشان بگرد خویش، مبارزه قطعی با سرمایه دارانی را پیروز مندانه و با خروش برد.

خلاصه کنیم کارگران در جریان مبارزات خود بر علیه سرمایه داران با یکدیگر متحد می شوند و برای اینکه این مبارزه را بخوبی و با موفقیت پیش ببرند، سازمانهای چون سندیکاها و اتحادیه های کارگری را بوجود می آورند و در آنها متشکل میشوند. سپس طبقه کارگر در جریان مبارزات سندیکائی و اتحادیه ای خود به تجربه و به کمک دانش رها نشی بخش خود یعنی ماکسیسم لنینیسم، درمی یابند که درجه را چوب نظام سرمایه داری امیدنجائی نیست و تنها راه چاره، نابودی نظام استثمارگر سرمایه داری است از اینجا است که طبقه کارگر به لزوم ایجاد آنجا سازمان و تشکیلاتی می میرسد که میبایست نابودی سرمایه داری و استقرار سوسیالیسم را تضمین نماید.

## ۲- اتحاد، قدم اول هر نوع مبارزه است:

"یک دست صدا ندارد" کتر کسی است که این ضرب المثل قدیمی را نشنیده باشد. این ضرب المثل بروشنی اهمیت اتحاد را گوشزد میکند. نا بدیتوان گفت که بیش از همه، کارگران از این ضرب المثل در گفتگوهای خود استفاده میکنند. این امر بی جهت نیست، موقعیت کارگری طوری است که بهیچوجه نمیتواند به تنهایی به حقوق خود و با حداقل بخش نا جبری از حقوق خود



بقیه از صفحه ۱

# بودجه ۱۳۶۰: بودجه ورشکستگی و وابستگی

بدهد، نرخ سود سرما بدها را کاهش میابد، اما وقتی با مالیات بستن برفلان کالای مورد نیاز در رشته ای از صنعت قیمت آن کالا زیاد میشود، سرما بدها را در آن رشته قیمت کالای تمام شده خود را تا حدی که این افزایش قیمت را جبران نماید افزایش میدهد، بعبارت دیگر با بستن مالیات وارد هزینه تولید این کالا شده و آنرا گرانتر میکند، وقتی قیمت یک کالا افزایش یافت، در حالت عادی تقاضا برای آن کالا و در نتیجه تولید آن با شتاب میابد، پس مالیات ای غیر مستقیم در این زمینه باعث تشدید تورم میشود، در شرایطی که این تورم با رکود فضا لیت های اقتصادی و بیکاری همراه است، آنرا افزایش داده و اثرات کند کننده و رکود آورده و تولید را میگیرد، اما وقتی که تولید یک کالای معین آنقدر گران است که تقاضا برای آن بیشتر از عرضه میابد، این تولید و فروش، آن انحصاری است و با اینکه بهر حال انحصاری طبیعی یا مصنوعی در این مورد عمل مینماید، بهر حال رفتن قیمت آن کالا، معمولاً باعث پائین آمدن تقاضا نشده و بنا بر این تولید آن کاهش نمیابد، اما مسئله ای که در این میان مهم است، اینکه بکار اصلی و فشار خرید کننده با مالیات غیر مستقیم هم بردوش کارگران و زمین کشاورزان، خواص قیمت کالاهای ضروری معیشت کارگران، خواص بیعت مالیات بستن به خدا این کالاهای شد و خواه از مالیات بستن بر کالاهای با شکره برای تولید و سایر معیشت آنها لازم است، دستمزد واقعی کارگران را کاهش داده و استثمار آنها را شدیدتر میکند، بعبارت دیگر با رفتن قیمت و سایر معیشت کارگران باعث پائین رفتن قیمت نیروی کار می شود و بنا بر این دستمزد که چیزی جز قیمت نیروی کار نیست با پدید می آید، اما مبدا نیمه سرما بدها را در شدت در مقابل تسلل افزایش دستمزد مقاومت میکنند و جابجایی سود آنها میشود، بنا بر این تا وقتی که کارگران به وسیله مبارزه خود موفق نشوند که دستمزد را زیاد کنند، تقاضا را این افزایش قیمت کالاهای بردوشان باقی خواهد ماند، بدین ترتیب سرما بدها را با مقاومت در مقابل افزایش دستمزد و زیاده دگر کردن مزد کارگران، با مالیات - های غیر مستقیم را هم بردوش کارگران

مالیات مستقیمی که از خود کارگران و از دستمزدها و اجور می شود، از دستمزد کم شده و به این شکل کارگاهی بیشتری برگرداند آنها تحمیل میشود، دولت با گرفتن مالیات مستقیم از دهقانان و پیشه واران، بخشی از محصول تولید شده بوسیله آنان را نیز جذب میکند.

ب مالیات غیر مستقیم: این مالیات عبارت از جویی است که با مالیات بستن به مصرف کالاها و خدمات - چه مصرف شخصی یعنی وسایل معیشت و چه مصرف تولیدی یعنی مواد و وسائلی که در صنعت مصرف میشوند - ضمیم دولت میگردد. مالیات غیر مستقیم را از چند زاویه میتوان بررسی کرد. مالیات غیر مستقیم - که بهر کالاهای مصرفی بستن می شوند از جمله

مادر تحلیل بودجه سال ۱۳۶۰ رژیم جمهوری اسلامی ابتدا جدول کل درآمدها و هزینه ها را ذکر کرده و سپس ضمن بررسی فصل های جداگانه درآمدها و هزینه ها آنرا که در بالا گفتیم اثبات خواهد نمود.

| بودجه عمومی دولت در سال ۱۳۶۰ |         |                              |         |
|------------------------------|---------|------------------------------|---------|
| دریافت ها                    |         | پرداخت ها                    |         |
| ۱- درآمدهای عمومی            | ۵۴۴/۴   | ۱- از محل درآمدهای عمومی     | ۲/۵۵۲/۰ |
| مالیات                       | ۲/۴۱۱/۶ | اعتبارات جاری                | ۱/۱۰۹/۳ |
| نفت                          | ۱۵۷/۳   | اعتبارات سرمایه گذاری ثابت   | ۴۱/۰    |
| سایر درآمدها                 | ۳/۱۱۳/۲ | بازپرداخت های وامهای خارجی   | ۲/۲۰۲/۳ |
| جمع                          | ۱۲۹/۰   | جمع                          | ۳/۲۴۲/۳ |
| ۲- درآمدهای اختصاصی          | ۳/۲۴۲/۳ | سرمایه گذاری در خارج از کشور | ۱۰/۰    |
| جمع درآمدها                  | ۵۸/۰    | بهره کشورها و موسسات خارجی   | ۳/۲۱۲/۳ |
| ۳- کسری درآمدها              | ۵۸/۰    | جمع                          | ۱۲۹/۰   |
| نسبت به پرداخت ها            | ۵۸/۰    | ۲- از محل درآمدهای اختصاصی   | ۳/۱۷۱/۳ |
| ۴- منبع تامین کسری:          |         | جمع کل                       | ۳/۲۴۱/۳ |
| برگشتی از پرداخت های         |         |                              |         |
| مالیات قبل                   | ۵۸/۰    |                              |         |
| جمع کل                       | ۳/۲۴۱/۳ |                              |         |

روزمره و ضروری به معنی بالا بردن قیمت وسایل ضروری معیشت کارگران نیز هست و سایر برای این قیمت نیروی کار را بالا میبرد، معنی این حرف این است که کارگران برای تأمین همان حداقل معیشت خود با دستمزد بیشتری بگیرند زیرا اگر بر این صورت یعنی با ثابت ماندن دستمزد و بالا رفتن قیمت کالاهای مورد نیاز کارگران و خانواده آنها، حجم کالاهای مورد مصرف آنها کاهش خواهد یافت، از طرف دیگر مالیات بر مصرف کنندگان در عین حال مالیات بر تولید کنندگان نیز هست و بنا بر این مالیات ها شکل دیگری از مالیات بستن به عواید است. وقتی مالیات غیر مستقیم به موازات معنی که بوسیله سرما بدها را در تولید مصرف میشود، بستن شود، سرما بدها را برای خرید همان مقدار وسایل و مواد مورد نیاز در تولید بایدهول بیشتری بپردازد، یعنی با بدست سرمایها بستن را که برای خرید وسایل تولید و مواد خام و واسطه مصرف میشود، افزایش بدهد، در هر دو صورت یعنی وقتی که سرما بدها را ناچار شود با بستن دستمزد یا خرید وسایل بپوشد، بیشتری

۱- مالیات ها: مالیات ها به دو دسته تقسیم میشوند: مالیات مستقیم و مالیات غیر مستقیم. الف - مالیات مستقیم: مالیات مستقیم مالیات است که مستقیماً به عواید و درآمدها و یا ثروت بستن میشود. پولی که از طرف سرما بدها را به عنوان مالیات بدولت (یا بعنوان "رجوع شرعی" مثلاً خمس، زکوة، ... به روحانیون) پرداخت میشود بخشی از سود سرما بدها را است، اما خود این سود چیزی نیست دیگر ارزش اضافی حاصل از استثمار کارگران و یا محصول اضافی دهقانان و پیشه واران که تصاحب شده است، بنا بر این در واقع مالیات و "رجوع شرعی" حاصل دسترنج کارگران، دهقانان و پیشه واران است. مالیات که در جامعه سرما بدها را بدولت از مالکین ارضی و مول میگردانند بخشی از ارزش اضافی ناشی از استثمار کارگران است، زیرا اگرچه مالکان ارضی بخشی از ارزش اضافی است که بوسیله سرما بدها را به آنها پرداخت میشود و این ارزش اضافی نیز حاصل استثمار کارگران است.

## فنان، مسکن، آزادی



### درآمد های دولت از محل سرمایه گذاریهای مستقیم:

دولت های سرمایه داری، گذشته از چند - قسمتی از ارزش افزایی ناشی از استثمار کارگران و محصول اضافی دهقانان و بیشه‌وران از طریق مالیات ها، با سرمایه گذاری در صنعت و نیز امور تجاری و بانکی از طریق شرکت های دولتی و وابسته به دولت، سود های کلانی بدست می آورند و آن را در بودجه خود منظور می نمایند. امروزه سرمایه های دولتی در تولید، بازرگانی و بانکداری در کشورهای سرمایه داری، حجم نسبتاً قابل توجهی از سرمایه ها را تشکیل می دهد. بویژه در کشورهای وابسته و عقب مانده، به علت ضعف بخش خصوصی و نقش عظیمی که سرمایه - گذاری های دولت در سوق دادن تولیدات جماعتی در جهت منافع انحصارات امپریالیستی و وابسته به آنها دارد، بخش دولتی اقتصاد را اهمیت عظیمی برخوردار است. کشورهای وابسته در نظام تقسیم کار جهانی امپریالیستی، عمدتاً نقش تولیدکننده مواد خام و محصولات کشاورزی و خریدار کالا های مصرفی و سرمایه های رایفا می کنند. در صنایع داخلی این کشورها، ساختن تولید و ترکیب رشته های مختلف آن منطبق بر تقسیم کار جهانی امپریالیستی بوده و تنها در جهت تأمین منافع بورژوازی داخلی این کشورها و بورژوازی امپریالیستی است. رشد رشته های مختلف تولید در این کشورها بستند تا هماهنگ و ناموزون بوده و معمولاً بخش عمده درآمد ملی این کشورها از محل صنایع استخراجی است. در زمینه منابع و معادن، گذشته از اینکه دولت بعنوان مالک این زمین ها از سود بهره برداران خصوصی، اجاره دریافت میکند، درباره ای زمینه ها خود به سرمایه گذاری مستقیم انحصاری دست زده و لذا بعنوان سرمایه دار سود بعنوان مالک زمین و منابع، اجاره (رانت) میبرد. در مواردی که این منابع و معادن از لحاظ وضعیت طبیعی دارای امتیازات فوق العاده ای باشند (مثل سطحی بودن و...) در استخراج آن کار کمتری صرف شده و لذا هزینه تولید آن به مراتب کمتر از هزینه تولید متوسط جهانی است. (مثل نفت در ایران و کشورهای خلیج فارس و...) در این صورت دولت ها و انحصارات امپریالیستی که در تولید و بهره برداری از این منابع شریک این دولت ها بوده و یا انحصار خرید این مواد را در دست دارند، از استخراج و فروش این مواد خام سود فوق العاده ای میبرند که تنها حاصل بازاری سرمایه نبوده بلکه عمدتاً رانتی است که از مرغوبیت این منابع و با شین بودن هزینه تولید آنها نسبت به هزینه تولید جهانی حاصل میگردد.

لذا درآمد ملی این کشورها متکی به قدرت تولید واقعی نبوده و بخش مهمی از آن از محل رانت است. درآمد های کلان حاصله از این صنایع استخراجی بازاری روسی برای مصنوعات

بازرگانی و حقوق کمرکی تشکیل میدهد. می دانیم که در سال گذشته طبق اظهارات نمایندگان و مطبوعات بورژوازی با وجود سود های هنگفت بخش خصوصی، بویژه از محل تجارت، احتکار و... دولت مبلغ ناچیزی بعنوان مالیات از آنان وصول کرده است. مهندس سعیدی رئیس کمیسیون برنامهدار بودجه مجلس میگوید: "بخش تجارت چیزی در حدود ۱۲۰۰۰ میلیارد ریال سود برده است در حالی که از همین بخش فقط ۳۵ میلیارد ریال مالیات گرفته شده است. در حالی که میبایست ۶۰۰ میلیارد ریال مالیات اخذ شود." (انقلاب اسلامی ۶۰/۱/۱۸). این وکیل طرفدار سرمایه داری میگوید: "دولت میتواند با گرفتن مالیات از بخش خصوصی حداقلاً، حدود ۲۰۰ تا ۲۵۰ میلیارد ریال درآمد مالیات مستقیم خود را بالا ببرد."

### ● مالیات های غیر مستقیم تأثیرات زیان آوری در وضع زندگی کارگران و زحمتکشان داشته و سطح زندگی آنان را تنزل و استثمار آنان را افزایش میدهد. این سیستم مالیاتی در واقع وسیله ایست برای سرکشان کردن مخارج عمومی و دولتی طبقه سرمایه دار برگرفته از کارگران و زحمتکشان.

(انقلاب اسلامی ۶۰/۲/۲۴) دولت ارتجاعی جمهوری اسلامی در شرایط فقر و فلاکت توده ها بجای وصول مالیات های "حقه" از درآمدها و سرمایه داران، بیش از پیش بر سطح معیشت توده ها فشار آورده و دستمزدهای واقعی کارگران را کاهش میدهد.

بگفته دبیر کمیسیون بودجه هیئت دولت، از ۳۴۰ میلیارد ریال درآمد مالیاتی سال ۵۹ اکثر این مبلغ را مالیات حقوق کارمندان و شرکت های دولتی و شبهه های دولتی داده و کمتر از ۲۰ درصد آن را خود از بخش خصوصی است (کیهان ۶۰/۳/۱) و طبقاً از این ۲۰٪ بخشی از حقوق و دستمزد کم شده است. تأش بقدری شورشده که خود این مقام میگوید: "اولین قدم در تورم زدائی سیستم موجود، اتخاذ سیستم مالیاتی محیی است که مالیات ثروتمندان را اخذ کرده و صرف معارف بنیادی را مولی نماید. سپس به اعتراضات میباید که سیستم مالیاتی رژیم جمهوری اسلامی میراث کثیف رژیم گذشته است، (همانجا) و البته روشن است که "این میراث کثیف" چقدر مورد علاقه رژیم جمهوری اسلامی است.

در سال گذشته با اینکه ۴۱۸ میلیارد ریال درآمد مالیاتی در بودجه پیش بینی شده بود، دولت ۳۴۰ میلیارد ریال وصول نمود اما سال دولت پیش بینی ۵۴۵ میلیارد ریال را نموده است. یعنی ۶۰ درصد آنرا از آنچه در سال گذشته وصول نمود، دودیدیم که سیاست دخلی رژیم با اعلی این افزایش را بردوش کارگران و زحمتکشان قرار خواهد داد و این در حالی است که بدلیل همین سیاست - که ناشی از مایه است ارتجاعی رژیم است - و بحران اقتصادی موجود و جنگ ارتجاعی، فقر و فلاکت توده ها افزایش یافته است.

میانداوند، مخالفت سرمایه داران و نمایندگان آنها با مالیات های غیر مستقیم که گویا به خاطر دفاع از منافع مصرف کنندگان است، در حقیقت به خاطر دفاع از منافع خودشان است. چون مالیات غیر مستقیم میتواند باعث کاهش نرخ سود آنها شود. البته در صورتی که نتوانند بهر آنرا بردوش کارگران و زحمتکشان بیندازند که همیشه اینکار را میکنند.

مالیات مستقیم از درآمدهای شخصی و پس از جریان تولید یعنی در خارج بازار کالاها وصول میشود. لذا سرمایه دار نمی تواند بهر آنرا انتقال بدهد و از برگرفته کارگران بکشد. ولی مالیات غیر مستقیم در نتیجه افزایش قیمت کالاها و مقایسه سرمایه داران در مقابل

افزایش دستمزدها عمدتاً به کارگران منتقل گشته و به آنان تحمیل میشود. این مالیات ها قدرت خرید توده های زحمتکش را کاهش داده و موجب افلاس و ورشکستگی دهقانان و بیشه‌وران میگردد. در این شکل از مالیات، بخش مهمی از درآمد دولت سرمایه داری نه از محل مالیات مستقیم از عواید سرمایه داران و مالکین، بلکه با فشار بر سطح زندگی کارگران و توده های مردم افزایش میابد. از اینرو مالیات های غیر مستقیم تأثیرات زیان آوری در وضع زندگی کارگران و زحمتکشان داشته و سطح زندگی آنان را تنزل و استثمار آنان را افزایش میدهد. این سیستم مالیاتی در واقع وسیله ایست برای سرکشان کردن مخارج عمومی و دولتی طبقه سرمایه دار برگرفته از کارگران و زحمتکشان.

در لایحه بودجه سال ۱۳۶۰ رژیم جمهوری اسلامی، همانطور که در جدول می بینیم در بخش درآمد های عمومی، درآمد دولت از محل مالیات ها حدود ۵۴۵ میلیارد ریال پیش بینی شده است. در بودجه امسال، مالیات ها حدود ۱۸ درصد کل درآمد دولت را تشکیل میدهد و حجم آن نسبت به آنچه در بودجه سال قبل پیش بینی شده بود، حدود ۱۳۰ میلیارد تومان افزایش پیدا کرده است. معلوم نیست که چه مقدار از درآمد مالیاتی دولت از محل مالیات های مستقیم و چه مقدار از محل مالیات های غیر مستقیم است، اما به علت اینکه دولت، دولت سرمایه داران است و ضعف و فساد دستگاه های مالیاتی و فساد سرمایه داران از پرداخت مالیات به طرق مختلف، مسلماً مالیات های مستقیم در رقم بالا سهم ناچیزی را تشکیل داده و قسمت اعظم آنرا مالیات های غیر مستقیم یعنی مالیات بر کالاها و تولیدات داخلی و نیز مالیات بر کالاهای وارداتی بشکل سود



(قسمت چهارم)

## لایحه قصاص: نمودار ماهیت ارتجاعی رژیم

و دمکرات که آگاهانه ترو مسئولانه تر در برابر  
خطرات رتجاعی و وحشیانه ای که سرنوشت میهن  
ما را تهدید میکنند با بستن دوجبهه دژ خیمان قرون  
وسطی را که در قالب "حزب" و "مجلس ولایت" و ...  
پنهان شده است به توده های نا آگاه هرجه بیشتر  
نشان دهند.

اکنون به مواد دیگری از لایحه قصاص  
می پردازیم:

### اگر پدری پسرش را بکشد از قصاص معاف است!

" ماده ۱۶ - هرگاه پدر یا جد پدری، فرزند خود  
را بکشد قصاص نمیشود، بلکه باید به قتل رابه

جامعه بشری سرآمد و نیروهای ارتجاعی بهیچ  
قیمتی نمیتوانند آن را بازگردانند و منافع  
طبقه ای خودشان هم با احیاء برده داری سازگار  
نیست ولی از این لحاظ که یک نیروی ارتجاعی  
برای تثبیت قدرت خود حاضر است با ارتجاعی -  
ترین و پوسیده ترین طبقات و بیمنش ها عقد  
اتحاد ببندد (همانطور که امپریا لیسم با فئودالیسم)  
این نیز واقعیت دارد که رژیم بورژوازی جمهوری  
اسلامی نیز احیاء برخی از نهادهای ماقبلی

در بخش های قبلی و مستقل این بحث، مواد  
متعدد از لایحه قصاص را مثال زده ایم که نشان  
دهنده عمق ماهیت ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی  
است. در اینجا با اضافه کردن یک نکته بر آنچه  
در قسمت سوم آمده نکات جدید خواهم پرداخت  
و اینک آن نکته:

گفتم که این لایحه در کنار تبعیض های  
فدا نقلاهی که بین انسانها قائل است، مثل  
تبعیض بر اساس فقر و ثروت و تبعیض بر اساس  
مردیان بودن، بین مسلمان و غیرمسلمان هم  
تبعیض قائل میشود و مثال زدیم که این لایحه  
با تاکید بر این مسئله که مثلاً اگر مرد مسلمان  
یک مرد مسلمان کشته شود فلان حکم دارد، عملاً  
تکلیف این حالت را که مرد مسلمان یک فرد  
غیرمسلمان را بکشد مسکوت گذاشته است تا راه  
برای اقدامات ارتجاعی شرم آوری که امروز  
از علنی کردن آن میترسند باز باشد! آنها در  
شرایط سیاسی و اجتماعی کنونی، جرات نمیکند  
بگویند اگر یک غیرمسلمان کشته شود، کیفرش از  
کشتن یک مسلمان کمتر است و به همین دلیل، به  
نحوی شوشه گرانوار را به دوخا نشانها پس  
قبیل قضا را برای فردای خیالیشان که میخ  
حاکمیت خویش را محکم کرده یا شد، گذاشته اند.

رژیم حاکم و سوبزه حزب جمهوری اسلامی که  
با تمام قوا می کوشد این لایحه ارتجاعی رابه  
توده ها و زحمتکشان میهن ما حفه کند، خیالات  
شوم دیگری نیز در سر دارد که! امروز از علنی  
کردن آن پرهیز مینماید. مثلاً از اینکه زن در  
برابر زن قصاص میشود (ماده ۵) سخن گفته میشود ولی  
از قاش کردن این نیت ارتجاعی که "برده را در  
برابر برده قصاص میکنند" حرفی بمیان نیامد  
در حالیکه اصلی که ماده ۵ لایحه از آن گرفته  
شده چیزی جز آیه ۱۷۸ از سوره بقره نیست که  
میگوید:

"کُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقصاصُ فِي الْقَتْلِ الْحَرَامِ وَالْعَوْدَةِ  
بِالْعَدْوِ الْأَنْتِي بِالْأَنْتِي" (یعنی در برابر هر کشته  
با بد قصاص کنید: از ادرب برابر ادرب، از  
برده در برابر برده وزن در برابر وزن). تهیه -  
کنندگان لایحه قصاص مرتب تاکید میکنند که  
میخواهند قانون اسلام را پیاده کنند. آنها در  
پسبانی "لایحه قانونی" خود، دنباله من آیه  
را که میگوید: "وَلَكُمْ فِي الْقصاصِ حیاتُ الْاُولی  
الالباب" (یعنی ای ما حیایان خود حیات شما در  
قصاص میباشد) نوشته اند و با توجه به اینکه در  
اسلام و کتب فقهی اسلامی هرگز بر دکی لغو و  
تخریم نشده است! زکجا معلوم که خدا انقلاب  
حاکمها منظور که دست بردن و سنگار کردن  
را در دستور دارد (و حتی "بارها به اجرا گذاشته)  
خیال زنده کردن قوانین برده داری را نداشته  
باشد؟! مسلمانان دوره برده داری در تکامل

● تهیه کنندگان لایحه قصاص، مرتب تاکید می کنند که می خواهند قانون اسلام را پیاده  
کنند. . . با توجه به اینکه در اسلام و کتب فقهی اسلامی هرگز بر دکی لغو و تحریم نشده  
است، از کجا معلوم که ضد انقلاب حاکم، همانطور که دست بردن و سنگار کردن را در  
دستور دارد، خیال زنده کردن قوانین برده داری را نداشته باشد؟!!

ورثه مقتول بدهد و حاکم شرع او را شغیر بنماید  
و غیر پدر و جد پدری مانند دیگران قصاص میشوند.  
همانطور که ملاحظه میکنید به پدر و جد پدری  
این امتیاز داده شده است که فرزند یا نوه خود را  
بکشند و فقط خونیهی او را به ورثه مقتول  
بدهند. جالب اینکه اگر ورثه مقتول کسی جز  
پدرش یعنی خود قاتل نیست، پول به خودش  
بر میگردد! (در مورد ارث رجوع شود به سوره نسا،  
آیه ۱۱ و ۱۲)

حالا ببینیم دادن چنین امتیاز ارتجاعی به پدر و  
جد پدری (و البته محروم کردن مادر از چنین  
"حق") سرخ اش به کدام دوره تاریک زندگی  
بشر بر میگردد؟ هنگامیکه دوره مادر سالاری منقذی  
شده و بقول انگلس "مرد فرما نروایی خانه را نیز  
بدست آورد" و با زببقول او هنگامیکه ستم مرد بر  
زن بعنوان اولین ستم طبقاتی در تاریخ پدید  
آمد (کتاب منشأ خانواده . . .) پدر و جد پدری  
بعنوان صاحب و کس که همه اختیار فرزند بدست  
آنهاست و حتی میتوان فرزند خود را پیش  
"خدا یا ن" قربانی کنند شناخته شدند.

در داستانهای مذهبی، آنجا که ابراهیم  
فرزند خود اسماعیل را به قربانگاه میبرد و کارد  
بر حلق او می مالد (منشأ فعلی قربانی کردن  
در مراسم حج) و با آنجا که در تاریخ زندگی  
پیغمبر اسلام نوشته اند که جدش عبدالله (پدر پیغمبر) را در خانه  
کرده بود پس خود عبدالله (پدر پیغمبر) را در خانه  
کعبه قربانی کند و غیراً از اینها، نمونه های  
متعدد از اعمال حق پدر و جد پدری زنده  
میشود، "حق" که ستم حاکم بر فرزند و اولادها  
سال از عمرش بگذرد، بهش میرود.

آری، تعجب نکنید! این است شمره ناتمام  
ماندن انقلاب دمکراتیک - خدا میرا لیستی  
خلفای ایران، که علیرغم آنها مبارزه و آن

سرما به داری را برای تمار و تثبیت ماهیت و  
منافع خود لازم می بیند. امری که در پیاده کردن  
ولایت فقیه تجسم مییابد. در اینجا با بدگفت که  
اگر امپریا لیسم با فئودالیسم عقدا اتحاد میبندد  
امر موقتی است تا سرانجام فئودالیسم را کنار  
بزنند و بجای آن بورژوازی کمپرا دوربیا ورد،  
ولی عقدا اتحاد بورژوازی حاکم با ولایت فقیه  
(کلریکا لیسم) در جهت تمار و تثبیت خود در  
برابر لیبرالها و نیز در مقابل جنبش کمونیستی  
و انقلابی مییابد. مسلمانان که اصرار بر حزب  
جمهوری برای حقن کردن قوانین ناشی از  
ولایت فقیه نه تنها به ثبات رژیم حاکم کمک  
نمیکند، بلکه سقوط و طرد آن از صحنه تاریک  
مینماید. در رابطه با اتحاد بورژوازی حاکم  
با نهادهای ماقبل سرما به داری، بعنوان مثال  
میتوان گفت:

وقتی یورش وحشیانه به کردستان و سرکوب  
خلق کرد، بعنوان جنگ علیه کفار تلقی می -  
شود و مال و ناموس خلق کرد، حکم غنا ثم جنگی  
سپاه اسلام قلمداد میگردد، وقتی حکم اعدام به  
"جرم" بدگوشی به امام و پیغمبر، قانونی میشود،  
وقتی دست بردن و سنگار کردن و شلاق زدن،  
بعنوان حد شرعی، بصورت امری قانونی درمی -  
آید، وقتی کشتن کمونیستها و مجاهدین، ممانده  
اموال آنان و ضرب و شتم و بستن دروغ و افترا  
به آنان و شکنجه و زندان آنها بصورت امری  
مباح و حلال معرفی میشود، چه تضمینی وجود  
دارد که فردا مثلاً فرزندان انقلابی خلق کرد  
را بعنوان اسیران جنگی که حکم مرگشان در باره  
آنها صادر شده، دربارا را بفروش نرسانند؟  
و با با زنان اسیر (کنیزان!) حتی عقدا دواج  
را لازم نمینند و ده ها مثال دیگر!!

یکته ای که ذکر کردیم هتداری است خدی به  
همه کارگران و زحمتکشان و نیروهای کمونیست

بقیه در صفحه ۲۰



## اول ماه مه روز کارگری یا کمونیستی

برخی از رفقا طایفه نام‌هاشی در مورد ماهیت روز اول ماه مه توضیح خواسته اند که آیا روز اول ماه مه روزی دمکراتیک است یا کمونیستی؟ و خود گفته اند: از آنجا که اول ماه مه روز همبستگی کارگران جهان است و کمونیستها نمایندگان کارگران هستند پس این روز را باید روز کمونیستی نامید.

رفقا! در پاسخ به این سوال باید اندکی در باره رابطه بین طبقه و نماینده سیاسی - ایدئولوژیک آن توضیح داد و بعد به پاسخ مستقیم این سوال پرداخت. همانطور که میدانیم در میان طبقه کارگر تنها پیشروان این طبقه هستند که به ایدئولوژی طبقه کارگری یعنی مارکسیسم - لنینیسم مجهز هستند، همان کسانی که آنها را کمونیست می خوانند. کمونیست ها نمایندگان سیاسی طبقه کارگر محسوب میشوند و طبقه کارگر تنها تحت رهبری آنها است که میتواند بدبسته راه خود از چنگال سرمایه دستاند.

اما اکثریت افراد طبقه کارگر کمونیست نبوده و اصولا در جامعه سرمایه داری نمی توانند به ایدئولوژی کمونیستی دست یابند. تنها در جامعه سوسیالیستی است که طی سالهای متعددی توده کارگران بتدریج با آموزشهای کمونیستی آشنا شده و کمونیسم را میپذیرند، ضمنا با بد توجه داشت که اگر چه طبقه کارگر عمدتا با مارکسیسم - لنینیسم بیگانه است، اما از نظر عینی و ذاتا یک سوسیالیست بوده و بدان معنی که خواهان نابودی سرمایه داری و استقرار سوسیالیسم است و این چیزی است که در مورد انتشار خرده بورژوا صادق نیست، آنان دمکرات یا دنیقتر بگوئیم بورژوا - دمکرات هستند، آنها از نظر عینی و مناسبات طبقاتی، خواهان نابودی سرمایه داری نیستند سهل است، خود خواهان حفظ مناسبات سرمایه داری اند. در حالیکه طبقه کارگر در بخش عمده خود (بجز اشرافیت کارگری) بورژوا نبوده و ذاتا سوسیالیست هستند، هر چند که دارای آگاهیه سوسیالیستی نبوده و یا به جهان بیخبری - ملول - مجهز نباشند. از اینرو اگر در انقلاب سوسیالیستی افشا خرده بورژوا شرکت نمی کنند، بالعکس طبقه کارگر (هر چند که اکثریت آنها کمونیست نباشند و تنها تحت هدایت کمونیستها باشند) شرکت می کند.

با این توضیح مختصر، در مورد روز اول ماه مه باید بگوئیم که روز اول ماه مه روز کمونیستی نبوده بلکه روز کارگری است. چنین روزی، روز همبستگی جهانی خود طبقه کارگر و نه صرفا نمایندگان آنها (یعنی کمونیستها) است. کارگران جهان اعم از کمونیست و غیر کمونیست، این روز را جشن میگیرند و اتحاد خود را علیه سرمایه داری جهانی گرامی میدارند. آیا کارگران شیکاگو که روز جهانی کارگران بنیان گذاشتند، کمونیست بودند؟ خیر، آنها درسرا سر جهان روز اول ماه مه کلیه تشکلات دمکراتیک



کارگری مثلا سندیکاها، اتحادیه ها و... این روز را گرامی نمی دارند؟ اگر بگوئیم روز اول ماه مه روز کمونیستی است، بدان معنی است که برگزاری روز اول ماه مه توسط کارگران شیکاگو و یا کارگران سراسر جهان (چه آنها که تحت رهبری کمونیستها هستند و چه آنها که نیستند) را به رسمیت نمی شناسیم؟ و اصولا چون بزرگم این رفقا این روز کمونیستی است، پس اکثریت قاطع طبقه کارگر که کمونیست نیستند، نباید این روز را جشن بگیرند و این روز صرفا متعلق به کمونیستها است. انگاهی به برگزاری جشن اول ماه مه در تاریخ جنبش جهانی کمونیستی نشان میده که کمونیستها حتی با جریانهایی غیر کمونیستی درون جنبش کارگری نیز اول ماه مه را گرامی می داشتند. در روز اول ماه مه همه بطوریکه اکنون نیز رسم است، جریانهایی انقلابی درون جنبش کارگری، احزاب کمونیست و غیر کمونیست، تشکلات صنفی - سیاسی، دمکراتیک و سوسیالیستی طبقه کارگر مانند سندیکاها و شوراهای مبارزو... (بجز سندیکا های زرد و جریانهایی رویزیونیستی درون جنبش کارگری که ضد انقلابی اند) مشترکا روز اول ماه مه را جشن میگیرند.

پس برای این روز اول ماه مه را بعنوان یک روز کارگری و جشن کارگری باید محسوب نمود و نه روز کمونیستی و یا جشن کمونیستی.

در پاسخ به فراخوان کمیته مرکزی درباره کمکهای مالی برای افزایش تیراژ پیکار، برخورد بسیار رفقا لانه و مسئولانهای از سوی رفقا، هواداران و دوستان سازمان صورت گرفته است و نامه های بسیار پرشوری نیز در این زمینه به همراه کمک های مالی ارسال گشته است.

ما ضمن تشکرات کلیه رفقا و دوستان، به دلیل محدودیت صفحات پیکار و دشواری از نامه های ارسالی را در این صفحه چاپ میکنیم و از رفقای که این چنین مسئولانه و با درک نیازهای فراوان مالی سازمان که منبع اصلی درآمدش جهت تامین هزینه های گسترده فراوان، همین کمکهای اعضا و هواداران است باز خود را خوار خود نیز زده اند، باز هم تشکر میکنیم.

ما عده ای از هواداران سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر هستیم که ما هم در یک محل بصورت کمون زندگی میکنیم. بعد از فراخوان کمیته مرکزی سازمان برای افزایش تیراژ پیکار رفقا را گداشتیم که با صرفه جویی در خرید لوازم مورد نیاز ز زندگی

در کمون هر هفته با قیام نامه صندوق کمون را به سازمان ارسال داریم! بیروزی از آن راه سرخ ماست "کمون از در"

با دروهای کمونیستی

رفقای پیکار گرام سلام بر شما و تمام شهدای راه آزادی طبقه کارگر به دنبال فراخوان کمک مالی، من مقدارد و هزار تومان پول همراه نامه می فرستم و چون نظامی هستم برای شرکت در جنگ اجتماعی عاجزم چه هستم و برای شرکت در جنبه نظامیان هر ماه مقداری اضافه حقوق میدهند و من این را برای پیشبرد مبارزه و دشمنی سازمان تقدیم می کنم با شدت تمام در جبهه داران و سربازان و افسران جز آگاه شده اسلحه را به روی سرمایه داران خودی بگیرند، بدامید بیروزی و برقراری سوسیالیسم.

رفیق در جبهه ارتوب

به امید پیروزی و برقراری سوسیالیسم

## درباره نامه های کارگری

برخی از رفقا در رابطه با صفحه پاسخ به نامه ها پیشنهاد نموده اند که قسمتی از آن به نامه های کارگران و پاسخ به آنها که حول مسائل میبرم جنبش کارگری است، اختصاص داده شود. رفقا در حدی سخگویی به مسائل سیاسی باقی نمانند. ما ضمن تشکرات استقبال از پیشنهاد رفقا بر آنیم که از این پس، ستونهای از پاسخ به نامه ها را به نامه های کارگران اختصاص دهیم اما اجرای چنین تصمیمی صرفا به خواست و اراده ما محدود نمی گردد. در این راه رفقای کارگر و رفقای که در کارخانه ها فعالیت میکنند می - با بست مرتب با ارسال نامه ما را یاری نمایند. در عین حال ما می بینیم نامه ها با بطوری باشد که بتوان در پاسخ به آن در باره مسائل جنبش کارگری به توضیح پرداخت.

نامه های کارگری که مورد نظر ماست می - با بست بیرا مون مشکلات کار سوسیالیستی و دمکراتیک در کارخانه، نشریات کارخانه، نیازها و خواسته های جنبش کارگری، شوراها و اتحادیه ها، اخراج و بیکاری و بالاخره در باره نقش سازمان و نقاط ضعف و قوت آن در جنبش کارگری یا کارخانه مربوطه، طرحها و پیشنهادات و یا گزارش در باره مسائل میبرم جنبش کارگری و نقش سازمان در آن، موقعیت رویزیونیستها، شیوه برخورد و افشای آنها و... نوشته شود. بنا بر این از رفقا و دوستان کارگری خواهم تا با برخورد فعال نسبت به اینگونه مسائل، در ارتقاء کیفیت پیکار و صفحه پاسخ به نامه ها و از کاتال آن به ارتقاء جنبش کارگری کمک نمایند.

خواهر ما هاله

دوست عزیز، نامه ۱۰ صفحه ای که حاوی

بقیه در صفحه ۲۰



[www.peykar.org](http://www.peykar.org)



## ● قرارداد ۱۲ میلیارد تومانی تالبوت - ایران ناسیونال :

**قرارداد ایران و انگلستان در مورد ارسال قطعات پیکان تمدید شد**

شیخ الاسلامی مدیر عامل شرکت ایران ناسیونال در تسمانی با پیکان را تمدید میکند. کارخانجات ایران ناسیونال و تالبوت در ماه مه سال ۱۹۸۰ بافته بود ولی از آن زمان به بعد تمدید کرده است.

**احتمال قرارداد ۵ ساله ایران تالبوت با کمپانی یوکی**

پیکان را برای پارس پیکان از شرکت آرمه اند که کمپانی یوکی است. پیکان را برای پارس پیکان از شرکت آرمه اند که کمپانی یوکی است. پیکان را برای پارس پیکان از شرکت آرمه اند که کمپانی یوکی است.

**بخشی از فعالیتهای شرکت «تالبوت» متوقف شد**

در پی بحرانی شدن وضع اقتصادی بخشهای مختلف شرکت متوقف شد.

**همیشه نمایندگان دائمی شرکت تالبوت در تهران مسئول بررسی مراحل نهایی قرارداد هستند**

لندن - خبرنگار - ۶۰/۲/۶۰ انقلاب اسلامی

براه میاندازد و خیابانی رادر تهران بنام او مینامد اما در زمینه عملی با قاتلین با بسی سندها، امپریالیستهای کهنه کار «بریتانیای کبیر» قراردادهای اساسی را میبندد. چرا که تاریخ غارت دستنچ زحمتکشان مایه قرارداد تالبوت ختم نمیشود...

## ● ونیت به لیلاند موتور نیز می رسد!

در پیکار ۱۰۷۲ با تگاهی به بحرانی که امپریالیسم انگلیس را تهدید میکند و وضع بحرانی شرکت لیلاند موتور را انگلستان آشکاره کردیم (صفحه اخبار بین المللی). چنانکه از خبر بالا پیداست "سمنانی" مدیر عامل شرکت لیلاند موتور ایران برای مذاکره با مقامات شرکت امپریالیستی لیلاند موتور به انگلستان سفر کرده است و چنین پیداست که رژیم "سوربا نقلی" او "سند" امپریالیستی "جمهوری اسلامی از وضع تلاکتیاری امپریالیستهای انگلیسی سخت آورده است که سرمایه داران وابسته را برای نجات کمپانیهای در حال ورشکستگی انگلستان ما مور میفرستد! چه با که ثایعاتی که در باره ۱ میلیارد دلار سپرده مربوط به ایران که پس از آزادی گروگان - هادر "بانک مرکزی انگلیس" گذاشته شده است محتاد در رژیم جمهوری اسلامی میخواد هزجمت "نگهداری" او با انتقال! این مبلغ هزجمت راز

تنتهای روزنامه ها در این مورد بسیار کوبا هستند. همانطور که در پیکار ۱۰۴۲ گفتیم کمپانی تالبوت که در حال حاضر متعلق به کمپانی فرانسوی پژو میباشد از نظر اقتصادی در وضع بسیار بحرانی قرار دارد و بطوریکه از گزارش خبرگزاریها بر میآید بخشی از فعالیتهای این شرکت متوقف شده و این کمپانی شدیداً به زار فروش احتیاج دارد (انقلاب اسلامی ۶ خرداد ۶۰). این شرکت امپریالیستی که یکبار با امضای قرارداد ده ساله با رژیم وابسته شاه از خطر از هم پاشیدگی نجات یافت، اکنون مشغول مذاکره و امضای قرارداد یک میلیارد دلبری (۱۷ میلیارد تومان به ارزش رسمی دولتی ۲۲ میلیارد تومان به ارزش واقعی دولتی) جهت فروش قطعات و موتور پیکان برای ۵ سال میباشد و رژیم جمهوری اسلامی با توجیه این خیانت و غارت ثروت زحمتکشان می رود که یکبار دیگر و گویا با دلالی خیامی سرمایه دار وابسته فراری این کمپانی در حال ورشکستگی را نجات داده و صنایع وابسته را برای مدت ۵ سال از حازه زندگی و استمرار بخشد.

نکته مهم اینجا است که امضای این قرارداد در زمانی جریان داشته و دارد که رژیم جمهوری اسلامی ادعای پشتیبانی از مبارزات میهن - پرستان ایرلند بر علیه امپریالیسم انگلیس داشته و در مورد بانی سندها هوئی بی محتوا

زیادی بر اه انداخته اند اما اختلاف آنان در شیوه چپاول و غارت و میزان سهم گیری از این غارت ها، و نیز انتخاب کشورهای مورد معامله میباشد. در اصل مطلب که حفظ و تحکیم سرمایه داری وابسته با شکوچکترین اختلافی با هم ندارند. بنی مدیر لیرال در مصاحبه اخیرش میگوید: "حالا هم مسئله اقتصادی چیزی نیست که شما بگور و با یکا له دست بیا و برید من در اول انقلاب هم وقتی آن سرنا مه را طرح میکردم گفتیم که سرنا مه ای میخواد که حداقل ظرف ۲۰ سال با کارشان نه روزی مردم انجام بدهیم تا بلکه بتوانیم به استقلال برسیم" (انقلاب اسلامی ۱۰ خرداد ۶۰) و با حواله کردن مردم به "حداقل ۲۰ سال دیگر تا بلکه به" استقلال برسیم" توجیه خیانتهای امروز و فردایش را مینماید. چرا که خود این بورژوا لیرال خائن بهتر از هر کسی میداند که منافق طبقه ای از جود رژیم سرمایه داری وابسته به امپریالیسم مین نمیشود. وی در همان مصاحبه اصل قرارداد ایران ناسیونال و تالبوت را نیز رد نمیکند و میگوید: "چون این اقتصاد ما از بیماری وابستگی که رژیم سابق گرفتار شده (وما نیز آگاه میباشیم که شما هم در حفظ و تحکیم آن اصرار دارید - پیکار) هنوز رها ننده است، همه چیز را احتیاج دارد و باید بخیریم که عیب ندارد... و آگاهانه میکند: "ایقدر که رقم قرارداد را بعضی مهم شمرده، مهم نیست... آیا استقلال اقتصادی میا و دریا وابستگی؟" (همانجا) و بنی صرخا شن عمدا به این سوال پاسخ نمیدهد ولی براحتی پاسخ "نه" او را (که مخالفی هم برا ز نمیکند) میباید در حمله ای که در بالا را و نقل کردیم یافت.

## نگاهی به قراردادهای اخیر رژیم

ما در زیر چند نمونه از قراردادهای که رژیم جمهوری اسلامی با کمپانیهای امپریالیستی امضا کرده یا مذاکره برای امضای آنها داشته دارد اشاره میکنیم. لازم به تذکر است که هزینه این قراردادها عمدتاً از طریق فروش نفت و ارز حاصل از آن (که در بودجه سال ۶۰ افزایش قابل توجه صورت آن بیش بینی شده است) تأمین میشود و اغلب این قراردادها هم با شرکتی امپریالیستی نفتی بسته شده است. انقلاب اسلامی ۲۹ بهمن مینویسد: "قراردادی در این زمینه (صادرات نفت خام) (دیروز در تهران بین وزارت نفت و شرکت نفتی ژاپنی منعقد شده است) و آگاهانه میکنند که "شرایط این قرارداد در واقع مشابه قرارداد های جدید ایران با کمپانیهای نفتی شل و بریتیش پترولیوم میباشد" (کمپانی شل شرکت نفتی امپریالیستی هلندی و دیگری شرکت بزرگ نفتی امپریالیستی انگلیسی میباشد که سالها نفت ایران را غارت میبردند)

**دنبال قرارداد شرکت ایران ناسیونال با شرکت انگلیسی تالبوت**

**قرارداد جدیدی بین شرکت لیلاند موتور ایران با شرکت انگلیسی بسته میشود**

انقلاب اسلامی ۶۰/۲/۶۰



"دکتر نوربخش معاون وزارت امور اقتصادی و دارایی در گفتگو با خبرنگار خبرگزاری پارس علت و نتایج سفر اخیرش به آلمان فدرال را تشریح کرد و گفت:

این سفر بمنظور شرکت در مجمع سالانه کمیته دوجبه با بکو که ایران بها مشارکت است صورت گرفت. دکتر نوربخش خاطر نشان ساخت در این سفر با مقامات کمیته اروپا نیز مذاکره و تبادل نظر شد. براساس این مذاکرات

قرار شد ایران نیازهای صنعتی و تخصصی خود را در درجه اول از امکانات این کمیته ها، تامین کند" (میزان ۶۰/۲/۱۶)

و بدنبال این خبر ادیبوکلن اعلام میکند که: "شرکت فولکس واگن برای انجام یک معامله ۴/۷ میلیارد مارکی با ایران توافقی میکند" (انقلاب اسلامی ۶ خرداد ۶۰).

امیرالیهستهای اروپایی فراوان شده اند. اینگونه رژیم جمهوری اسلامی برای "سرخ کردن" چهره زرد و ضد انقلابی اش و فریب توده ها، شب و روز در بلندگوها بش به امیرالیهستهای می دهد. اطلاعاتها را راحت نمیکند. برای امیرالیهستهای آنچه که اهمیت دارد رذکترش روابط اقتصادی و سیاسی و تامین منافع غارتگرانه شان میباشد. که به بهترین وجهی از طرف رژیم جمهوری اسلامی سرآورده میگردد.

مذاکرات با امیرالیهست آمریکا ادامه دارد ما بهنگام آزادی گروگانها گفتیم که ماه

عسل دوره جدید رژیم جمهوری اسلامی و امیرالیهست آمریکا آغاز گشته است و سیر حوادث نیز صحبت گفته های ما را اثبات کرد. ما در شماره های گذشته پیکار نمونه های زیادی از فروش اسلحه و تجهیزات نظامی از طرف امیرالیهستهای آمریکا به رژیم جمهوری اسلامی را بر ملا کرده ایم. خبری را که از دورنمای گسترش روابط بین رژیم و امیرالیهستهای آمریکا البته در جهت منافع امیرالیهستهاست.

**کوشش آمریکا برای بهبود روابط با ایران**

به نقل از مطبوعات غربی - کاغذ واشنگتن اعلام نمود این کشور از تجدید روابط با ایران استقبال می کند. سخنگوی کاغذ گفت البته تعهد دولت ریگان برای اجرای موافقتنامه الجزایر، موافقتنامه الجزایر، معنای عادی شدن روابط دو کشور نمیباشد. از سوی دیگر معاون وزارت امور خارجه ایالات متحده در برابر کمیسیون امور - انقلاب اسلامی - یکشنبه ۲۴ اسفند ۵۹

● سوسیال امیرالیهست و کشورهای بورژوازی یونانیستی در راه گسترش نفوذ سوسیال امیرالیهستهای شوروی و کشور های سرمایه داری (بورژوازی - روسیونیتیستی)

امیرالیهستهای اروپایی فراوان شده اند. همچنانکه تازه در رژیم سرمایه داری وابسته ایران در چهارچوب منافع سیستم جهانی امیرالیهست عمل

**انعقاد قرارداد فروش نفت ایران به ژاپن**

لندن - خبرگزاری فرانسه - براساس گزارش لندن ایران صادرات عادی نفت خام خود را از ماه آوریل جاری از سرخواهد گرفت. این گزارش قرارداد را در این زمینه بران بین وزارت نفت و ۱۳ شرکت نفتی قرار داد مدت ۹ ماه اعتبار داشته و در آن ۲۷ دلار در ازای هر بشکه نفت افزایش معادل ۱/۸۰ درصد اول تعیین شده است.

**استقبال بانکداری ژاپن از طرحهای اقتصادی ریگان**

کیوتو - ریتر - بانکداران ژاپنی گفتند طرحهای اقتصادی ریگان برای کاهش مالیات و افزایش هزینه های مصرف کننده برای جلوگیری از تورم و بهای بالا استقبال خواهند کرد زیرا این کشور و دیگر کشورهای جهان به دنبال راههای تازه برای

کرده و بخشی از آن بحساب میاید و هر چه دروغین که رژیم جمهوری اسلامی بخود بگوید در اصل ما جرات شیری نمیکند از دو بهمین جهت هم رژیم در جهت توسعه نظام را ترجیحی حاکم، روابط اقتصادی با امیرالیهستهای اروپای غربی را فراموش نکرده است. در پیکار ۵۴ سپهرده از مذاکراتیکه بین دولت جمهوری اسلامی و دو شرکت امیرالیهستی آلمانی و اطریشی جهت امضای قرارداد ۲۴ میلیارد تومانی مجتمع فولاد که رژیم شاه قصد پیدا ده کردن پروژه آنرا داشت برداشتم. در دوشماره قبل خبری داشتیم در مورد امضای قرارداد بین جمهوری اسلامی و شرکت امیرالیهستی اروپا، شرکت کروب یک کمیته آلمانی است که سالها پیش در آستانه بحران اقتصادی قراردادش با دولت رژیم شاه جلا داد با بنابر اراج گذاری پول نفت، بخشی از سهام آنرا خریداری و آنرا از ورشکستگی نجات داد و الان رژیم جمهوری اسلامی همان راه را ادامه میدهد.

**صنایع کروب در آستانه ورشکستگی**

بوخوم - آلمان غربی - خبرگزاری فرانسه، کمیته ملی فولاد سازی کروب آلمان غربی دیروز اعلام کرد: این کارخانه نیروی کار ۴۰ هزار نفری خود را به ۲۰ هزار نفر کاهش خواهد داد. این کمیته در سال ۱۹۷۹ نزدیک به ۱۰۰ میلیون دلار ضرر کرد و مدیریت آن اعلام کرد در نظر دارد تولیدات بخشی از صنایع را قطع کرده و تولید خود را بر حسب تقاضای کنونی بازار محدود کند. لازم به یادآوری است که پیکار از صنایع کروب به حال ورشکستگی در آمد، اما بعد از سیلی باختر به میام کارخانجات کروب این شرکت را ورشکستگی

سر خود با زنها و از تیرگی روابط فیما بین ایران و انگلیس بکا هد!!

● امیرالیهست ژاپن نیز سهم خود را می گیرد!

**ژاپن مجدداً قطعات یدکی اتومبیل به ایران صادر می کند**

به ایران صادر می کند

لندن - خبرگزاری پارس نقل از خبرگزاری رویترز از توکیو - ژاپن - اعلام کرد که صادرات قطعات یدکی اتومبیل به ایران از ماه آوریل جاری از سرخواهد گرفت. این گزارش قرارداد را در این زمینه بران بین وزارت نفت و ۱۳ شرکت نفتی قرار داد مدت ۹ ماه اعتبار داشته و در آن ۲۷ دلار در ازای هر بشکه نفت افزایش معادل ۱/۸۰ درصد اول تعیین شده است.

**استقبال بانکداری ژاپن از طرحهای اقتصادی ریگان**

کیوتو - ریتر - بانکداران ژاپنی گفتند طرحهای اقتصادی ریگان برای کاهش مالیات و افزایش هزینه های مصرف کننده برای جلوگیری از تورم و بهای بالا استقبال خواهند کرد زیرا این کشور و دیگر کشورهای جهان به دنبال راههای تازه برای

"... در زمینه گسترش روابط فنی و اقتصادی با ژاپن ما متنی وجود ندارد. چون دولت ایران در عین حال که ژاپن را یک کشور سرمایه داری - بنیاد، ولی یک کشور استعمارگر و راکتور نمی داند"

از مصاحبه نویی - اطلاعات ۶۰/۲/۲۱

آری، سردمداران مرتجع رژیم جمهوری اسلامی برای هر خبانت خود توجیهی می تراشند. مرتجعسی چون نویی نیک میدانند که منافع امیرالیهست ژاپن بشدیدترین وجهی با منافع امیرالیهستهای غربی گره خورده و چه بسیارند سرمایه گذارهای آمریکایی که در ژاپن عمل میکنند و نیز چه بسیارند سرمایه گذارهای انحصاری - گران ژاپنی در کشورهای امیرالیهستی و سرمایه داری دیگر و همه اینها دست در دست هم در استعمار و زحمت کشان جهان همراه دولتی نویی آگاهانه تصویری "بی آزار!" از امیرالیهست ژاپن می تراشد تا توسعه روابط اقتصادی غایت - گران رژیم را با امیرالیهستهای ژاپنی توجیه نماید. رژیم که ادعا میکند بانک ها "ملی" شده اند از چه گشایش نمایندگی به با نچه های ژاپنی میدهند تا غارت دستر زحمت کشان بنفع امیرالیهستهای ژاپنی و سرمایه داران وابسته ایرانی را میسر کرده و رژیم جمهوری اسلامی بتواند حفظ و تحکیم سرمایه داری وابسته را عملی سازد. حجم میادلات بین ایران و ژاپن در اسفند ۵۸ بیش از یک میلیارد دلار بود (انقلاب اسلامی ۲ اسفند ۵۹) که با قراردادهای جدید تاراج نفت و خرید قطعات یدکی از کمیته "تیسان" و ورود کالاهای دیگر همچنان روابط نواستعماری سا







## رفقای معلول حادثه دانشگاه و مدال افتخار در راه آزادی طبقه کارگر

دستگیری زخمیها، رفقایمان را از بیمارستان خارج کردند و از این پس دیگر رفقای کمیته پزشکی سازمان بودند که با مداخلت و مسئولیت رفیقان ما را تنها نمی گذاشتند و مدد اوامی کردند. در تمام مدت زخمی بودن تکرار میکردم که هار شدن رژیم و توسل به این شیوه فاشیستی، نشانها و جگری جنش و شکستن بیشتر و هم شده ها و عجز و بونی رژیم است. گوئی عزم برای پیشبرد بیشتر و بهتر فعالیت مبارزاتی انقلابی مان چندین برابر شده بود، دلم میخواست هر چه زودتر کارها بمر شروع کنم...

### یک رفیق معلم: در بیمارستان، بجای "من"، رفیق "من"، مطرح بود!

روز ۳۱ فروردین ساعت ۴/۵ طبق قرار که داشتیم از محلی نزدیک، عازم محل تظاهرات شدیم. بدلیل شلوغی بسیار در بیمارستانی که همراه بودا رخبا بان میامدم، با ساعت خودم به دقیقه به شروع تظاهرات مانده بود (قبلا تا کشته شده بود که سروقبت بسیارم) به همین دلیل حالت عجله در راه رفتنم کمالات مشخص بود. نگاهم به چهار راه قدس بود که صدای راسای رفقا "اول ادریمشست لکه ننگ دیگر بردا من ارتجاع" توجهم را جلب کرد. از آنطرف خیابان بدوادم و در اول صف دولا شدم که بدرون بروم. سمت چپ صف رفیق دوم قرار گرفتم. وشا را تکرار کردم در وهله اول انضاط صف، صدای محکم رفقا جلب نظر میکرد. چندبار به پشت صف نگاه کردم صف خیلی منظم بود، با صدای بلند شعار میدادیم از جلوی در اچلی دانشگاه رد شدیم، فالانژها خوب بدست حدود (۱۵-۱۰) نفر کنار در اصلی دانشگاه ایستاده بودند که با آنها رفیقانم پیوسته بودند. در ذهنم این جمله نقش بست "چقدر احمقند که خیال میکنند ما میخواستیم اینجا بیاوریم"، "دانشجوی مبارزه همت شونده ها سگر خود را بگشا" تکرار میشد. عده ای از رفقای ورزشکار ریمین قسمتی که فالانژها بودند و صف قرار داشت آهسته آهسته به بدی به صف کم کنند. اول صف از در دانشگاه رفته بود که آنها با سنگ و چوب به صف حمله کردند صدای فرار رنگند رفقا را شنیدم، نمیدانم چندتا نیه بعد، این ما بودیم که فالانژها را تعقیب میکردیم و آنها را از صف میزدیم. داد زدیم چی بچه ها و بطرف فالانژها شروع بدویدن کردم که صدای انفجار و دود غلیظی احساس کردم. چند نفر را دیدم که بطرف بیا دهرودیدند، بکنفر کنار من دلش را گرفته بود و خون از آن بیرون میزد. چند قدم که رفتم دیدم نمیتوانم همراه بروم. رفیقی آمد و پرسید چه شده؟ پس آنکه فهمیدم قادی به راه رفتن نسیم، گفت خوب، تورا قبول

سرفقای پلاکار دیدست ایستاده بودم. روبروی دانشگاه ۱۰ نفر از جماعتداران رژیم با چوبهای بشکلی نمایش قدرت میدادند. پس از حمله چند فالانژ و عقب راندن آنها توسط رفقا، ناگهان صدای انفجاری شدید شنیده شد و زمین زیر پا بم شدت لرزید. دردی شدید در خود احساس کردم و نمیتوانستم مفا و متمرکز حفظ کنم. رفیق دختری دستش را روی دلش گذاشته بود و ناله میکرد. بخود آمده و فکر کردم قضیه را هی انداختن بمیان صف تظاهرات ۲۲ بهمن در "مل" تکرار شده است. صف بطرف خیابان مصدق برآمد اما من دادم چون حالت تهوع و سرگیجه داشتم به دیواری تکیه زدم. مردم میگفتند باده بدیده دکتر برسی ومن سعی داشتم در این میان رژیم را افشا کنم. بهر حال به کمک یک رفیق را هی بیمارستان شدیم و پس از چندین بار به بیمارستان خمینی و درمانگاه نزدیک آن رفتن، بدلیل نبودن جاسمجور شدیم به بیمارستان شریعتی برویم. در جلوی بیمارستان خمینی یک رفیق دیگری را نیز سوار ما شنید ما کردند. رفیق همراهم میگفت وی نیز کارگزار است و از حقانیت سازمان دفاع میکند ومن احساس افتخار میکردم که ما قاطعانه به مبارزه مان ادامه میدهم. رفقای زیادی در این بیمارستان بستری بودند. به مرگ نمی اندیشیدیم. اولین چیزی که به ذهنم خطور کرد، به رفقا گفتم: بگذا روبروی بنیستها و ایورتونیستها ما را "آنا رشت" بگویند. این رژیم است که چهره جنايتکارانه خود را در مقابل ما نشان میدهد. ما باید به حقانیت مبارزه با رژیم بیشتر ایمان بیاوریم...

در جلوی بیمارستان خمینی برادر کوچکترم را دیده بودم که به حمل رفقای زخمی کمک میکرد مرا که دیدیک لحظه مکث کرد و وقتی رفیقی گفت برو خواهرت را بیاور، پاسخ دادا و هم مثل بقیه رفقا! اینجا نیست، به بیمارستان شریعتی ببریدش و سپس با سرلامی به من گردون احساس میکردم مبارزه طبقه کارگر و کمونیسم انانهای آهنگین را میسازد.

چند لحظه پس از ورود به بیمارستان شریعتی خواهرم را دیدم که شدیداً زخمی بود، اما با این وصف راه میرفت و بهمه زخمیها سر میزد. رفیقی خبر شدات رفیق آذرا به من داد و هر دو با خشم دست هم را فشرديم... دوزن در انا ق روبروی من آنجان مرا نگاه میکردند که قلم زشادی شدت می طهید. پرستارها شدیداً دلسوزی میکردند. رفقای یکی پس از دیگری بدیدن ما میامدند و حالمان را می پرسیدند. نزدیک شب بدلیل امکان محاصره بیمارستان توسط پاداران و

در نتیجه جنایت کم نظیری که با برتساب نارنجک با جمعی بدرون صفوف تظاهرات کنندگان مقابل دانشگاه، در روز ۳۱ فروردین صورت گرفت، سه نفر از رفقای دلیر ما ابرج تراسی، آذر مهرعلیان و وزگان رضوانیان به شهادت رسیدند و ده تن مجروح و عده ای معلول گشتند. اینک در بیمارستان و در حالیکه با سداران جهل و سرمایید، همچون جلا، برپا لین رفقای ما حضور داشتند، رفقای ما به جماعه ای از مقاومت و شور انقلابی و کمونیستی به ظهور رسانند و در دیگری دارد. اینک رفقای پیکارگر ما حتی در لحظاتی که بر سر ما چاقوی جراحی قرار داشتند یکدم از عشق آتشین خویش به کارگران و زحمتکشان و کینه نسبت به ضد انقلاب غافل نبودند و فرستنی دیگر برای باز کردن میخواستند. شور و حماسه آفرینی این رفقا برای ما، امیدی است تازه، درسی دیگر از مقاومت و برولتری و افق روشن سوسی فردای کارگران و زحمتکشان که چنین جانیان را وایشا رگران کمونیستی دارند.

ما جمعی که با چند تن از این رفقای مجروح و معلول انجام داده بود و در چند ماهه خواهم آورد، خود گویا تراز آن است که به شرحی نیاز داشته باشد. در بین اینان، هستند رفقای که چشم خود را از دست داده یا دست و پایشان یا صورت و معده و کمرشان آسیب دیده و معلول گشته اند که ما بدلائل امنیتی از ذکر جزئیات آن خودداری کرده ایم. آنها این زخمها را مدالهای افتخار خویش در مبارزه پیگیر و آشتی ناپذیرشان در راه مبارزه با امپریالیسم و ارتجاع داخلی و در راه آزادی طبقه کارگران و رنیل به سوسیالیسم میدهند.

به سخنان نشان گوش فرادهم:

نخستین رفیق، کارگری کمونیست است که در صفوف سازمان پیکار به مبارزه خود ادامه میدهد و امیکند:

### "مبارزه طبقاتی و کمونیسم انانهای آهنگین میسازد"

"تظاهرات سرساعت و تقریباً بطور منظم شروع شد. مشتاهی گره کرده رفقا وشاعرهای محکمی که میدادیم شور و غمی درمن ایجاد کرده بود و خا طره ۱۳ آبان خونین شاه و جماعه مقاومت دانشجویان انقلابی در اول اردیبهشت ۵۹ در همین مکان را در ذهنم زنده میکرد. من پشت



میگیرم. فکر میکردم هیچ چیز نیست. حتی گمان میکردم خونی که از دستم میاید، خون رفیقی است که در کنارم مجروح شده و خوشی بمن یا شیده است. رفیق مرا بکول گرفته و سپس سوار تا کسی کرد. زاننده، خشمکین به رژیم فحش میداد و من و رفیق هم افشاکری میکردیم. در کنار تا کسی ما و انتی که پرا زرقای مجروح بود، در حالیکه بوق میزد و رفقا شعار میدادند توجه ما بر سر را جلب میکرد. وقتی وارد بیمارستان خمینی شدم رفیق آذر مهر علیان را دیدم که در روی تخت

همه چیز آمده کرده و بیش خود تصور میکردم پس از این بدون پا در چه قسمتهائی میتوانم فعال باشم و ما رزها را به پیش ببرم.

بعد از آنکه به اطاق عکسبرداری رفتم، معلوم شد که پا سدا را نه به بیمارستان حمل و آنجا را محاصره کرده اند. نگران رفقای همراه بودیم، چون احتمال دستگیری آنها وجود داشت. پاسداران در لباس شخصی در اطاق بودند. پرستاران و دکترها با احساس مسئولیت و مصیبتنا برای بچه ها کار میکردند. مزدوران رژیم سی میگردند

از کم و کیف آن به دیدنمان آمده بود. احساس میکردم جعفر جان دادن در راهی که پیش گرفته ام شیرین است، و جعفر احساس رضایت میکردم از اینکه سزا طر مردم زحمتکش در آن وضع هستم. فکر میکردم با لاجره یکروز طبقه کارگران ایران و نود و نه های زحمتکش به حق ثابت کمونیستها بسی خواهند بود و آن روز دیر نیست. دکترها هر (رئیس مزخج بیمارستان) وقتی تصمیم به سرور کردن رفقا گرفته و با مقامات آن روستا رو شد، «واقعاً نگفت» خیال کردید اینجا هم جلوی دانشگاه است؟ «یا سجا و افشاکرانه رفیقی منی برای بنگه» «توچی؟ خیال کردی اینجا شکنجه - گاه و این است؟» رئیس خود فروخته بیمارستان راها رشتراخت. او خواست رفیق یا سجا - سورا بیرون کند و چون بر اثر مقامات او، به منهای نتوانست، با کمک یک پاسدار، رفیق را کشتن کشتن بطرف درخروجی بردند و در این فاصله نیز رفقای مجروح با هوکشین و فریاد ممد و «لش کن بیشتر» بر علیه این حرکت مزدوران اعتراض کردند. مرا به بخش محروجن جنگ منتقل کردند و چون مرتب به افشای رژیم پرداخته و اطرافیانم زایه بحث میگیرفتم، به بهانه نبودن جا، از آنجا به بخش دیگر فرستادند. در آن بخش جو خیلانی بفتح ما بود. تمام افراد اطاق زحمتکشان بودند و من هم مجرای جنایت رژیم برای آنها با زمی گفتم. پرستارها در این بخش با محبت عجبی برایمان کار میکردند، خبر تجمع رفقا را در بیرون بیمارستان میاورند و از تعداد کشته ها و زخمیها و حرکاتی که صورت گرفته و روحیه مقاومت جویان را به بیمارستان معرفی میکردند و وقتی شنیدم که بعد از جدا شدن ما از صف نظارات رفقا به نظارات ادا مه داده اند، این خبر برایم زهر داری شفا بخش تر بود. مقامات و دستیاران رفقای زخمی و همراهان، فداکاری پزشکان و پرستاران شت محکمی بود و در همان رژیم و پاسداران و دیگر مزدوران ارتجاع و بار دیگر ثابت کرد که همه مرتجعین بر سر کاغذیند. (مما حبه ما چند رفیق دیگر در شام راه بعد)

● وقتی دکتر معاینه ام کرد گفت پاهایت نهی ندارد. فکر کردم م مفهوم این حرف یعنی قطع پا! بلافاصله گفتم "بدون پاهم میشود مبارزه کرد فقط بدون فکر نمی شود. خود را برای همه چیز آماده کرده بودم و بیش خود تصور میکردم پس از این بدون پا در چه قسمتهائی میتوانم فعال باشم و ما رزها را به پیش ببرم"

● از یک پرستار زحمتکن ملافه خواستم و او گفت "ملافه که چیزی نیست بگو چشمه ایت را در بیمار، به ده!"

خوابیده بود. یکی از رفقا گفت رفیق آذر شهید شده است. بانگای به آذرونکاهی دقیقتر به اطرافم تازه متوجه وسعت جنایت ارتجاع شدم. در اطاق آنچه که حاکم بودا - خلاق کمونیستی و گذشت و اینا ریود. دکتر به سراغ هر کسی که میرفت او رفیق دیگر را نشان میداد: "دکتر حال این رفیق، بدتر از من، اول به او برسید"، "دکتر این رفیق من بیوش شده، به او برسید"، "من فعلاً روی زمین میمانم این رفیق را روی تخت بخوابانید". و بسیاری جملات دیگر که نشان دهنده روحیه فداکارانه و ایثار در رفقا بود. آنجا صحنه ای از روابط کمونیستی به نمایش گذاشته شده بود. آنجا بجای "من"، "رفیق من" مطرح بود و ایس امر در هر بیننده ای تاثیر میگذاشت. وقتی دکتر معاینه ام کرد گفتم: پاهایت نهی ندارد. فکر کردم مفهوم این حرف یعنی قطع پا، بلافاصله گفتم بدون پاهم میشود مبارزه کرد، فقط بدون فکر نمیشود. خود را برای

با ایجا در سو دما منع کار آنها کردند و به "دلسوزیهای" ساخگی میوزرانه میخواستند اعضا برفقای مجروح را خراب کنند. مثلاً یکی از پاسداران با لباس شخصی به سرپرستاری که بالای سر من بود، گفت: "خانم ترا بخدا به اینها برسد، اینها بهترین فرزندان ما هستند!" من در همان وهله اول فهمیدم که او پاسدار است و بر سر او هم با اناره به تفک او که پاشین تختم گرفته بود، مرا بیشتر متوجه آنجا کرد. این مزدوران با اعمالشان باعث ایجاد نفرت و کینه در کارکنان زحمتکش میشدند. یکی از زنان زحمتکش بیمارستان یکبار به اطاق محروجن آمده و با تاف مدام میگفت "وای وای بسین چه شده؟" و با دلسوزی به بدنهای متلاشی و چهره های بیرنگ رفقا نگاه میکرد. من از او یک ملافه خواستم و او گفت "ملافه که چیزی نیست بگو چشمه ایت را در بیمار به ده". او در بخش دیگری کار میکرد و چون جریان را شنیده بود، برای اطلاع

بقیه از صفحه ۱۴ پاسخ...

مطالبی افشاگرانه و با ارزش بود رسید. از آنها در افشای ضد انقلاب استفاده خواهد شد. با درودهای گرم انقلابی موفقیت شما را خواستاریم و منتظر نامه های دیگری از شما هستیم

● رفیق سعید - می - ف -

پیشنها ده ایت را مورد بررسی قرار میدهم از ارسال چند بریده روزنامه مربوط به سالیهای قبل و... برای آرشیو بیکار رتشکر میکنم.

سایر نامه های رسیده

رفقا پروین و شهناز - ن - اعظم - س - از تهران - س - حج از کمیته پزشکی - فاطمه - ه -

بقیه از صفحه ۱۳ لایحه...

قیام نموده ای و مسلحانه، بدلیل آنکه رهبری طبقه کارگران را قید و بنه چنین ورطه هولناکی افتاد. ارتجاع حاکم هر چند در اجرای مقاصد ضد انقلابی خود، بدون هیچ شک و شبهه ای شکست خواهد خورد، ولی فعلاً این خواب را در سر می - بروراند که برای سرکوب نیروهای کمونیستی و انقلابی، نه تنها از ارتش و پاسداران و پلیس استفاده کند، بلکه با وضع چنین قوانین - مجرم "ارنداد" با اختلاف عقیدنی حتی به قتل فرزندان ادا دارد! خواب آفتنه ای که بهمت مبارزه گسترده نموده ها و دستاوردهای جناسی انقلاب و سوسا لیم تنها بر ضد خود تعبیر خواهد شد و مرتجعان را به همان انبان باستانی تاریخ خواهد راند.

الف - ر، س، ریاز - سیامک از اواز - سهیلا، ش م از سرورد - اج مبرورد - کارگر کشتاورز "بیل" - روح انگیز - ن، ک تهران - ف - مینا از کارمندی - ه، ر - مریم - پتک - د، ک از قاشمهر - هسته تبلیغی - س از زندان شهیدانی رشت - دور رفیق از چاپ مارندران - الف گیلان بقادر دزفول - واحد خوش کفا - م، با تار - م، ع - همایون راند - م، د مارندران - جمع ل - الف - ی زنجان - - مبرو - ب مسجد سلیمان ضد گیلان - رفیق کارگر از قاشمهر - زیبا کفش ملی - دبیر تشکیلات اشراف - ن، ت - صد د، د، غ - س، د، د، پادریا جان - منوچهر - ما شهر - ساجی - نادر از دواب آهن - حسین شهرام، پروژه ای.



در زیر بخشی از اطلاعیه گروهی از مسئولین و فعالین سابق سازمان چریکهای فدائی خلق (اکثریت) را میخوانیم:

## چگونه به سازمان پیکار پیوستیم

ما مسئولین و گروهی از فعالین بخشهای کارگری و دهقانی تشکیلات اردبیل فدائیان خلق (اکثریت) بودیم. ارتباط گیری چندتن از ما با تشکیلات فدائیان خلق در اوایل خرداد ۵۶ و ارتباط گیری بقیه ما بعد از این زمان بوده است. بطوریکه میتوان گفت ما از افراد اولیه تشکیلات فدائیان خلق در اردبیل بودیم و در پی وجود آوردن تشکیلات اولیه فدائیان خلق در اردبیل نقشی فعال داشتیم.

تماس گیری ما با فدائیان خلق از روی آگاهی کامل به مواضع آنان در زمینه های مختلف انجام نگرفت، بلکه ما نندیشتر افرادی که در آن زمان با فدائیان تماس می گرفتند بدلیل نقش فعالی که فدائیان خلق در قیام بهمن ماه داشتند و همچنین برای اینکه آنان شناخته شده ترین نیرو در درون جنبش کمونیستی بودند انجام گرفت. ....  
اولین موضعگیری های فدائیان خلق بعد از قیام بهمن ماه ۵۷ در مورد دولت موقت با زرگان بود. همانطور که میدانیم فدائیان در آن زمان رژیم جمهوری اسلامی را به دو جناح زیر تقسیم میکردند: ۱- لیبرالها که در آن زمان با زرگان در آستان قرار داشت و دولت موقت را در دست داشتند. فدائیان دولت موقت را دولتی ملی و لیبرالها را آزادیخواهانی که خواستار برآوردن منافع خلق بودند، معرفی میکردند. ۲- روحانیت به رهبری آیت الله خمینی که فدائیان این جناح را "قشربون مرتجع" مینامیدند. و آنان را سرکوبگر هر نوع آزادیخواهی میدانستند. فدائیان از این دو جناح، جناح لیبرالها در برابر روحانیت پشتیبانی میکردند. (رجوع کنید به کارنامه یک تا ضمیمه شماره ۳۴). همانطور که گفتیم در اوائل ما از این موضع فدائیان درباره حاکمیت دنیالهدروی میگردیدیم ولی بعدها یعنی قبل از انتشار کارنامه ۳۴ که تحلیل فدائیان از حاکمیت عوض شد، ما به این نتیجه رسیده بودیم که حمایت از دولت با زرگان که با سیاست کامبه گام خود در جهت نزدیکی به امپریالیسم و بازی سیستم سرمایه داری وابسته قدم برمیداشت،

سیاستی انحرافی و آکنده از توهمات لیبرالی بود. تا اینکه در کارنامه ۳۴ بعد از اشغال جاسوسخانه آمریکا مواضع جدیدی از طرف فدائیان خلق اعلام شد. در این مواضع فدائیان ضمن حمایت از اشغال جاسوسخانه یوسیلسه دانشجویان پیرو خط امام بعنوان یک عمل ضد امپریالیستی، روحانیت را که قبلاً "قشربون مرتجع" مینامیدند، بنابر رضای امپریالیست و نمایندگان خرده بورژوازی سنتی قلمداد کردند و لیبرالها که قبلاً از نظر فدائیان ملی و آزادیخواه بودند به متحدین طبیعی امپریالیسم آمریکا تبدیل شده بودند. و در این بین طبیعی بود که فدائیان از روحانیت ضد امپریالیست در برابر لیبرالها که متحدین طبیعی امپریالیسم آمریکا شده بودند پشتیبانی نکنند. یعنی مواضع فدائیان درباره حاکمیت ۱۸۰ درجه چرخش پیدا کرد. ....

این موضعگیری فدائیان بعد از جریان سفارت مقارن بودبا و جگیری جنبش مقاومت خلق کرد، که این اوگیری با آنها جمعیله نه رژیم جمهوری اسلامی در مرداد ۵۸ آغاز گشته بود سیاست جدید فدائیان در قبال هیئت حاکمه در چگونگی نقش فدائیان در جنبش مقاومت خلق کرد تا شیر فراوانی میگذاشت. فدائیان که در آغاز آنها هم رژیم به کردستان نامه های به با زرگان نوشته بودند و در آن با زرگان را ضحیت کرده بودند که این اختلافات را میتوان با ملج و آشتی حل کرد و بنای پای ارتش و سپاه پاسداران و ... و به میان کشید. ولی با همه این، تا جریان سفارت در جنبش مقاومت خلق کرد نقشی فعال داشتند. ولی بعد از جریان سفارت و تغییر مواضع شان، فدائیان سیاست سازش و آشتی طلبی را در درون جنبش مقاومت خلق کرد دربرپا گرفتند و این سیاست آشتی - طلبانه در روند خود به مواضع کنونی فدائیان اکثریت در برابر جنبش مقاومت خلق کرد، یعنی خیانت به میزبانان حق طلبانه خلق منتهی شد. بعد از این جریان جنگ، و ترکمن صحرا پیش آمد، اینبار هم فدائیان با توجه به تحلیلشان از قدرت سیاسی که آن را مترقی و ضد امپریالیست میدانستند، سیاست عدم تعرض و

سازش را دربرپا گرفتند و خلق قهرمان ترکمن را به زیر پرچم بورژوازی (حزب جمهوری اسلامی) دعوت کردند و در آن وحدت کلمه و سازش رندوان سیاست ناآشنا پیش رفت که اکنون دیگر در ترکمن صحرا از شوراهای واقعی دهقانی که مهمترین دسنا و ردمسارانی خلق ترکمن بود و بهیهای خون تپدای زحمتکش ترکمن بدست آمده بود، نشانی نیست. روز بروز مسائل جدیدی درباره مواضع سازمان برای ما مطرح میشد که از طرف سازمان به آنها جوابی داده نمیشد و مسائل لاینحل میماند و بدین ترتیب به

اختلافاتمان افزوده میگشت. اختلافات ما با در این زمان با تحلیل فدائیان بر روی مسائل زیر شکل میگرفت:

- ۱- شناختن زمانه حاکمیت دولت.
- ۲- دخالت شوروی در افغانستان و موضعگیری رویزیونیستی فدائیان از این عمل.
- ۳- حرکت پراکندگی و گنجینه فدائیان خلق.
- ۴- عدم وجود ستارالیم و دیگران یک در درون سازمان.

- ۱- در این زمان اختلاف ما با دیدگاههای انحرافی فدائیان از حاکمیت هنوز به مرز بندی اصولی نرسیده بود. بدین ترتیب که بدون اینکه بخوانیم بر روی انقلابی و ضد انقلابی بودن رژیم جمهوری اسلامی بحث کنیم و نسبت بدان موضع گیری مشخص نمائیم خواهنا شرکت فعال در جنبش مقاومت خلق کرد و مبارزات دهقانان و مبارزات طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان بودیم. یعنی بدون اینکه بخوانیم بر روی اساس و ریشه مسئله تکیه کنیم میخواستیم تاخ و برگها را از بین ببریم و در صورتیکه این تاخ و برگها، تاخ و برگ یک ریشه رویزیونیستی یعنی تحلیل از حاکمیت بود.

- ۲- در مورد مسائل افغانستان با اینکه ما هنوز گرفتار دیدگاههای راست بودیم ولیسی نظریات ما با نظریات فدائیان اختلاف اساسی داشت. بدین ترتیب که بدون اینکه روشن کنیم سیاست پیاده شده در افغانستان یک سیاست غارتگرانه است یا منطبق است بر سیاست انتزاعی سونالیسم پرولتری، سیاست یک کشور سوسیالیستی است یا امپریالیستی، خواستار محکوم کردن سیاست شوروی در افغانستان بودیم.

- ۳- در این زمان فدائیان بدلیل موضع سترگیتی (بینابینی) خود نتوان از داشتن یک تحلیل کلی از روند انقلاب و چگونگی چشم انداز آن بودند و به همین دلیل موضع گیری آنان نه بر اساس چگونگی ما هیئت حاکمیت و نیروهای سیاسی، بلکه بر اساس حرکات روزمره آنان شکل میگرفت و به همین دلیل همیشه بصورت کور و دنیالهدر و جریانات و حوادث روزمره

پیش بسوی مبارزه ایدئولوژیک ضامن وحدت جنبش کمونیستی





جنایتکاران زندان به ما موریخ خوددستور میدهند به معترضین حمله برده و آنها را زیر شکنجه و شکنجه میگیرند. عده‌ای حاضر به این کار نمی‌شوند. اما گروهی دیگر ما هیت کشف خود را نشان داده و به کمک زندان این دختران انقلابی می‌پردازند. اما موفق به شکستن اراده آنها نمی‌شوند. دختران انقلابی زندانی که هم از دست پاسداران مکتبی و هم از دست با سبانهان مورد حمایت بنی صدر کتک خورده بودند، همچنان از رفتن بداخل بند سر باز می‌زنند. ما موریخ شهریه‌ای و ما نده و مایوس از آزار آنها دست می‌کشیم و با مصالح آنها را بحال خودشان رها می‌کنند. تا تاریخ نوشتن این گزارش (۶۰/۳/۲) این زندانیان بدون کوچکترین ایستگانی در راه روزندانی کاروان بر می‌زنند و حاضر به شکنجه شدن به سیاست شکنج رزم نشده‌اند.

سیاست انداختن زندانیان سیاسی دختر به زندان، سیاستی است برای درهم شکنج روحیه زنان و دختران انقلابی میهنمان که در برابر زندانیان تعقیب می‌شود، اما مقاومت زندانیان سیاسی زن و دختر نقشه‌های آنها را نقش بر آب خواهد کرد.

هرچه گسترده تر با مقاومت انقلابیون  
اسیر در برابر زندانیان می‌شود!



تشخیص دادیم و با این رفتارها نمی‌توانیم و بدین گونه پیوستن خود را به سازمان بیکار اعلام می‌داریم.

زنده‌ها را رکیسم - لنینیم علم  
رها شیبش برولتا ریا  
روزیونیسم را در هر شکل و پوششی  
طرد و افشا کنیم!

زنده‌ها در دخت کمونیستهای ایران و جهان!  
پیش بسوی ایجا د حزب طبقه کارگر!  
برقرار بسا جمهوری دمکراتیک خلق!  
گروهی از مسئولین و فعالین سابق سازمان  
چریکهای فدائی خلق (اکثریت) تشکیلات  
اردیبهیل - ۱۳۶۰/۲/۲۸

## اهواز: دختران انقلابی اسیر، زیر تازیانه قانون رژیم!

روز پنجشنبه ۳۱ اردیبهشت ماه، پاسداران سرما به ۸ زن از زندانیان سیاسی دختر را بفرستادند که از زندان موقت دادگاه ضد انقلاب اهواز به زندان کاروان این شهر منتقل کردند. این نمونه کوچکی است از رفتار رژیم که مدعی است در زندانیان پیشا اصلاحی و وجود ندارد. (آخرب و شتم و وحشیانه دختران مبارز که شکنجه نیست.)

این دختران مبارز حدود ۵ روز پیش، برای جدا شدن از باند عادی زنان، که پرازدان بدکاره و ساواکی است و محیطی است آلوده به انشوع بهیماری‌های مفرستی مری، دست به یک اعتصاب غذای خنک زده بودند، که بعد از ۵ روز مسئولین ناچار به پذیرفتن خواسته برحقشان شده و آنها را به زندان دادگاه - ضد انقلاب منتقل کرده بودند. اما در تاریخ ۳۱ اردیبهشت ماه، مسئولین در صدد بر می‌آیند که آنها را دوباره به زندان کاروان برگردانند. دختران زندانی شدت با این تصمیم مخالفت می‌کنند. اما پاسداران بیشتر ما را به سرکوب آنها پرداخته و با کتک و زور، آنها را سوار ماشین کرده و به زندان کاروان می‌برند. جالب اینجاست که این با مصالح برادران مکتبی، برای اینکه از بهشت موعودشان محروم نشوند، در موقع غرب و شتم و وحشیانه زندانیان بدور دستها نشان با رجه پیچیده بودند تا می‌آید دستشان به تن نا محرم آنها بخورد.

در زندان کاروان، زندانیان مبارز دست به مقاومت می‌زنند و با نشستن در راهرو زندان حاضر به ورود به زندان نمی‌شوند. اینستار با سیاستهای شهریه‌ای وارد عمل می‌شوند. رئیس

زمان به ضد انقلابی بودن هر دو جناح رژیم جمهوری اسلامی رسیده بودیم.

حال دیگر دوراه در پیش پای خود می‌دیدیم، با اینکه در تشکیلات اکثریت ما نده و به بورژوازی حاکم خدمت کنیم و با اینکه با انتخاب مواضع اصولی و پرولتری در جهت مبارزه برای استقرار سوسیالیسم به پیش روییم، بدین ترتیب نتوانستیم مبارز بندی با دید خورده بورژوازی نسبت به درد دست داشتن اهرمهای تشکیلاتی و نام فدائی مواضع ایدئولوژیک خود را تا حد مواضع کمونیست‌های پیگیر ارتقاء دهیم و پس با مطالعه بر روی مواضع سازمان پیکار و مواضع سازمان پیکار را اصولی و پرولتری ترین جریان

بودند. بعنوان مثال شرکت در قیام، تحلیل از دولت بازگان، تحلیل از جریان سفارت و... در این مورد ما خواستار داشتن یک تحلیل عام و مشخص از جامعه و نیروهای سیاسی موجود بودیم تا با داشتن این تحلیل (البته واضح است که نظرها بر یک تحلیل اصولی و مارکسیستی است) بتوانیم فعلاً لانه تر در جنبش خود را شرکت کنیم.

۴- هرچه غلظت رویزیونیسم در مواضع فدائی در زمینه‌های گوناگون آشکارتر می‌گشت طبیعی بود که انتقادات ما نیز به این مواضع بیشتر می‌شد. ولی همه‌ها نظریه گفتیم به این انتقادات جوابی داده نمی‌شد و مسائل که از طرف بسیاری از اهواداران مطرح می‌شد همچنان لاینحل می‌ماند. و اگر افرادی در مورد انحراف راست سازمان پیگیری می‌کردند جواب خود را با مارکشیستی از قبیل "نارشیست"، "چپ‌رو" و... در پاسخ می‌گرفتند.

تمام این جریان‌ها نتوانستند تا آنجا که می‌توانستیم با دیگران در سازمان برای ما بیشتر عیان ساخت. ما که قبلاً معتقد بودیم مبارزه باید - بولویژیک وسیع توده‌ای درون سازمانی خواهیم توانست مواضع انحرافی سازمان را طرد کرده و مواضع اصولی و پرولتری را جایگزین آن کنیم کم کم می‌دیدیم این روابط تشکیلاتی به دیدگاههای سالیوم پرولتری این آگاهانه نخواهد داد. بدین ترتیب بوده که خود را جدا از سازمان می‌دیدیم که عملاً در تعیین مواضع آن هیچگونه تأثیری نداشتیم.

تا اینکه مسئله انشعاب (اکثریت و اقلیت) پیش آمد. و ما با وجود داشتن دیدگاههای متفاوت با اکثریت (مواضع بالا) تا مدت‌هایی در درون تشکیلات اکثریت باقی ماندیم. اکنون تحلیل ما از آن حرکت خود ماندن در تشکیلات اکثریت با داشتن دیدگاههای مخالف آنان بدین گونه است:

۱- ما هنوز نمی‌توانستیم با دید خورده - بورژوازی در مورد درد دست داشتن اهرمهای تشکیلاتی به مبارز بندی برسیم. یعنی خارج شدن از تشکیلات اکثریت برای برپا کردن از دست دادن مسئولیت اجرائی بخش‌هایی که ما مسئولیت اجرائی آن را بعهده داشتیم.

۲- هنوز مانست به نام فدائی با دید غیر توده‌ای می‌نگریستیم بدین معنی که همه خرگات انقلابی را در نام فدائی خلاصه می‌کردیم و این گونه به نظرمان می‌رسید که بدون فدائی هیچ گونه مبارزه‌ای صورت نخواهد گرفت.

در این زمان ما نسبت به ماندن در تشکیلات اکثریت بصورت متزلزل برخورد می‌کردیم تا اینکه مسئله رویزیونیسم و ما هیت طبقه‌ای آن بطور جدی برایمان مطرح شد. در پی مطالعه متون مارکسیستی به ما هیت بورژوازی و رویزیونیستی پی بردیم و بر این اساس نتوانستیم به ما هیت بورژوازی امپریالیستی روابط تولیدی موجود در شوروی پی ببریم و در ضمن در همین



## بقیه از صفحه ۱۰ درباره

برسد. از این جهت است که کارگران ناچارند و در جریان کارورندگی خود بدین مسئله پیسی می‌برند که با پیدا هم‌ها شده، با بدبخت‌های دیگر دانه‌ها شد و با زودریا هم از حقوق طبقاتی خود دفاع نمایند. کارگر به تنهایی مطلقاً هیچگونه قدرتی در مقابل کارفرمای خود ندارد. این را میتوان از موقعیتی که کارگران منفرد دارند بخوبی دریافت:

■ چرا کارگران منفرد باستمواستثمار بیشتری را بدوش میکشند؟  
با یک مثال درک ما از این مسئله روشنتر خواهد شد. بعنوان نمونه ساعات کار یک کارگر منفرد را، مثلاً کارگر خشک شویی را در نظر بگیرید. اوضاع و احوالی ندارد. آنها معمولاً ۱۳ - ۱۲ ساعت کار میکنند و حتی در برخی مواقع مثلاً با یک مزدیک نه عید تا ۱۶ ساعت ناچارند کار کنند. این گونه که کارگران اگر هم بخوانند به کارفرمای خود اعتراض کنند و در مقابل او بایستند، بی‌چون و چرا اخراج میشوند. درجا معسر می‌مانند. هرگاه هم همیشه تعداد افراد وانی کارگر بیکار رهاست که بلافاصله جای آن کارگر اخراجی را پر کنند. بهمین دلیل است که کارگران منفرد ناچارند شد، سرین فشارها را تحمل کنند تا مبادا از گرسنگی بمیرند.

اما در مورد کارگرانی که در کارخانه‌های بزرگ بصورت دسته جمعی کار میکنند، وضع طور دیگری است. مثلاً کارخانه ایران ناسونال را در نظر بگیرید که هزاران کارگر در آنجا مشغول بکارند. همین جمع شدن هزاران کارگر در یک محل و در زیر یک سقف، باعث میشود که کارگران به قدرت خود پی ببرند و با سانی در مقابل سرمایه داران تسلیم نشوند. کارفرما در اینجا دیگر نمیتواند بطور دلخواهی از کارگران کار بکشد و طرف دیگر نمیتواند بیکار رها کند. کارگران را اخراج کند، چون این امر مقاومت دسته جمعی کارگران را برمیانگیزد که برای سرمایه دار عاقبت خوبی ندارد. هم‌طور که مدام نیم آه و نیم روزهای سال قبل بود که دولت خواست به سانه جنگ ارتجاعی کنونی، از فرصت استفاده نموده بکاماعت بکار روزانه کارگران ایران ناسونال اضافه نماید. دیدیم که چگونه کارگران متحداً با یکدیگر استوارند و دست به اعتصاب زدند، بطوریکه دولت ناچار از عقب نشینی شد.

هر کارگر در زندگی خود میبیند که چگونه کارفرما وقتی که در مقابل اعتراض یک کارگر قرار میگیرد، شیر می‌شود ولی برعکس وقتی با اعتراض همه کارگران مواجه میشود درست مثل یک رویا هترو، قرار را برقرار ترجیح میدهد! کار دسته جمعی در محیط‌های بزرگ کار، زمینه اتحاد و همبستگی کارگران را بخود می‌بخشد. وجود مبادا، طبقه کارگر در تجربه روزانه خود به اهمیت اتحاد و همچنین به قدرت عظیم خویش پی میبرد و در نتیجه وحدتی که در جریان مبارزات اقتصادی دست می‌آورد دست به اتحاد با هم‌ها

و تشکیل می‌دهد. بهر موثر تر است و استوار است. مبارزه خود را با زمان داده و به پیش میرود. کارگر تنها نیستی هیچگونه قدرتی برای مقابله سرمایه دار ندارد. بلکه گفته میشود "کارگر متفرق هیچ چیز، کارگر متحد همه چیز" پسین خاطر است.

## ۳- اتحاد طبقه کارگر در قالب تشکلات

### سازمانهای کارگری معنی پیدا میکند:

"کارگر با بدیهه هر قیمتی که شده است و با شل مقاومت در برابر سرمایه دار را با بدتا از خود دفاع کند. او این وسیله را در سازمان میابد" (۲)

است که کارگران در جریان مبارزات خود به اهمیت اتحاد و متحد شدن پی میبرند، تنها اولین قدم حرکت مبارزاتی کارگران بعنوان حرکت یک طبقه است. اتحاد کارگران وقتی واقعیت پیدا میکند و سعادت دیگر وقتی به یک نیروی مادی تبدیل میشود که در یک تشکلات و سازمان تجسم یابد. بطور کلی میتوان سازمانهای کارگری را بر حسب وظایفی که دارند به دو دسته تقسیم کرد:

الف - سازمان کارگری که هدفهایش در چهارچوب نظام سرمایه داری محدود میماند.  
ب - سازمان کارگری که هدفهایش تنها با درهم شکستن نظام سرمایه داری قابل دسترسی است. در مورد هر یک از اینها قدری توضیح میدهم:  
الف - سندیکاها و اتحادیه‌های کارگری از سازمانهای نوع اول هستند (۳) در این گونه تشکلات کارگری، توده کارگران میتوانند عضو باشند بهمس دلیل سندیکاها و اتحادیه‌های کارگری را سازمانهای توده‌ای نیز میگویند. طبقه کارگر با استفاده از این گونه تشکلات، که وجودشان برای طبقه کارگر مطلقاً ضروری است، کوشش میکند که شرایط بهتری را در چهارچوب نظام سرمایه داری برای فروش نیروی کار خود فراهم نماید. مثلاً کارفرمایان را وادار کند که قوانین کار را رعایت نمایند، دستمزدها را بکارگران بپردازند، حق بیمه بپردازند، بهداشت و غیره را بموقع بپردازند و... واضح است که طبقه کارگر از طریق این تشکلات قادر نیست نظام سرمایه داری را که تنها درهم شکستن آن راه

(۳) - سندیکاها سرخ و ثوراهای لنینی (که این دومی به قدرت ملج کارگران متکی است) در این تقسیم بندی منظور نشده اند. چون اینگونه تشکلات کارگری فقط در شرایط خاصی میتوانند بوجود آید. سندیکای سرخ اگرچه یک سندیکا است، با اینحال آنچنان تشکلاتی است که به اصطلاح به حرم سرمایه داری "جاور" میکند و عملاً فوئیس آنرا زیر پای می گذارد. شورای لنینی آنچنان تشکلات کارگری است که حاکمیت سرمایه داران را نفی نموده و خود به عنوان ارکان حکومت کارگری عمل می نماید.

مبارزات است. سندیکاها و اتحادیه‌های کارگری ساخته است این است که برای فروش نیروی کار، شرایط مساعدتری را فراهم نماید و نیروی کار را در شرایط بهتری در اختیار بهره‌کشی سرمایه داران قرار دهند.

ویژه‌گی اینگونه سازمانها، اینست که اولاً غالباً بطور خود بخودی بوجود می‌آیند و تا نیلای خود را در نیستند به لزوم اهمیت مبارزه سیاسی برای سرنگونی نظام سرمایه داری پی میبرند. مبارزات خود بخودی کارگران در چهارچوب اینگونه تشکلات، هیچگاه نمیتواند آگاهی سوسیالیستی را برای آنان بدستال داشته باشد. بلکه آنها فقط میتوانند آگاهی اتحادیه - ای (ترید یونیونی) کسب نمایند، یعنی اعتقاد پیدا کنند که با بدتشکلات اتحادیه بدهند و از دولت صدور قوانینی را منع خود خواستار شوند و...

ب - همانطور که مبارزات اقتصادی برای آزادی طبقه کارگر هیچگاه کافی نیست، همانطور که سندیکاها و اتحادیه‌های کارگری بعنوان ابزار سازمانی طبقه کارگر، نمیتواند آگاهی باشد، طبقه کارگر برای نجات خود و دیگر زحمتکشان از قید استثمار سرمایه داری به ابزار سازمانی دیگری نیازمند است. این ابزار چیزی نیست جز همان حزب طبقه کارگر یا حزب کمونیست.

ویژگی حزب برخلاف سازمانهای نوع اول اینست که هیچگاه نه بخودی خود بلکه از آمیزش جنبش کارگری و سوسیالیسم بوجود می‌آید. ویژگی دیگر حزب اینست که تمامی کارگران را نمی - تواند در دنیا بدر خود متشکل سازد. دلیل اصلی این امر هر دو این است. حزب طبقه کارگر ستاد فرماندهی طبقه کارگر و از این رومحل تجمع فرماندهان و رهبران طبقه است و نه خود طبقه. این رهبران، کارآمدترین و پیشروترین و آگاهترین عناصر طبقه کارگرند که از هر لحاظ توانائی رهبری و هدایت مبارزات توده‌های کارگر را دارند. اما می‌بایست، اگر قرار باشد طبقه کارگر از چنین ستاد فرماندهی محروم نباشد، نخواهد توانست بورژوازی را سرنگون کرده و قدرت را بدست بگیرد. حزب ابزار کسب قدرت است و برای اینکه بخوبی بتواند به وظیفه خود عمل کند میبایست فقط و فقط بهترین‌ها را در خود متشکل نماید. طبیعی است که توده کارگران نمیتوانند به بددر سازمانهای توده‌ای تحت هدایت حزب متشکل شوند و در جریان مبارزات خود آیدیده، آگاه و با تجربه شده و آمادگی ورود به حزب خود را کسب نمایند.

هدف حزب طبقه کارگر که عالیمترین سازمان طبقاتی سرولتاریاست، نه صرفاً بهبود شرایط کارورندگی کارگران در چهارچوب نظام سرمایه داری، بلکه نابودی این نظام و بدست گرفتن قدرت دولتی و طب ماکت از بورژوازی



آرماهای آنها میبایستند، بدین ترتیب در جامعه سرمایه داری، ما با روشنفکران مختلفی از طبقات مختلف مواجه هستیم: روشنفکران بورژوازی، روشنفکران خرده بورژوازی و روشنفکران پرولتری که هر کدام میان گذشته و مدافع فکری طبقات بورژوازی، خرده بورژوازی و پرولتاریا میبایستند.

روشنفکران پرولتری با روشنفکران کمونیست، حاملین سوسیالیسم علمی بوده و آنرا بدون جنبش کارگری میسرند بسیار دیگر آنچه را که بنا به شرایط خود کسب کرده اند، در اختیار طبقه کارگر میگذارند. روشنفکران کمونیست با نفی خصومیت خرده بورژوازی و بورژوازی به نظم و انضباط آهنگین پرولتاریا نشی روی آورده و خود را کاملاً وقف راهبرش طبقه کارگر نموده اند. آنها کمونیستهای مادتی هستند که در دوران مبارزات انقلابی آزموده و آبدیده گشته اند. اینان وفادار به سوسیالیسم بوده و اندیشه های سوسیالیستی را بدون طبقه کارگر یعنی جایشگاه مایه آن نیا مینداست برده و به سلاخی برنده و توانا برای جنگ بیرحمانه علیه بورژوازی تبدیل نمیبایند.

بورژوازی نیز از اهمیت تحقق این امر آگاه است و از این روش میگذرد که با تبلیغات خود کمونیست را از طبقه کارگر جدا نموده و مانع از آن شود که کارگران به آیدئولوژی انقلابی خود ملحق شوند. تا بتواند کارگران را همواره در قید اسارت آیدئولوژی بورژوازی نگهدارد. ما امروز شاهدیم که رژیم جمهوری اسلامی با وحشت تمام برای جلوگیری از نفوذ کمونیستها و کمونیسم در میان کارگران، همچون تمام رژیمهای ارتجاعی، محیط کارخانه ها را به سربازخانه تبدیل مینماید. انجمن های اسلامی کارخانه - جات که چشم و گوش و جاسوسان رژیم در کارخانه ها هستند، بهمین خاطر وجود آمده اند. غافل از آنکه عظیم ترین موانع نیز در مقابل نفوذ کمونیسم در بین کارگران ناتوان و بیمقدار است. نکته سوم: بدون پیوند سوسیالیسم علمی با جنبش کارگری هیچگونه مبارزه آگاهانه طبقاتی میسر نیست.

زمانیکه سرمایه داری بوجود آمد و کارگران کار فرما در مقابل هم قرار گرفتند، هنوز از سوسیالیسم خبری نبود. در این دوره کارگران مبارزه میکردند، بدون اینکه در هیچ کجای اثری از سوسیالیسم بوده باشد. آنها اعتصاب میکردند، تظاهرات برپا میدادند و مبارزات اقتصادی و سیاسی شرکت میکردند، ولی این هنوز بدان معنا نبود که کارگران به آگاهی سوسیالیستی رسیده باشند. به موازات رشد سرمایه داری و بهمرور اوج گیری مبارزات کارگران، علوم هم تکامل پیدا میکردند. تا آنجا که جنبش کارگری هم مورد توجه علم قرار میگرفت، برخی از دانشمندان بخصوص جنبش کارگری را مورد بررسی قرار میدهند و در جستجوی علل و نتایج مبارزات

بقیه در صفحه ۲۶

علم بوده اند نیز به طبقات دارای جامعه تعلق داشتند. آنها برپایه تکامل علیرترین اندیشه های بشری و با مطالعه عمیق جنبشهای کارگری توانستند علم را به طبقه کارگر یعنی سوسیالیسم علمی را تدوین نموده و در عمل اجتماعی بکار بندید. آنها بطور علمی ثابت نمودند که نظام سرمایه داری بهیچوجه نظامی ابدی و همیشگی نیست و ناگزیر میباید جای خود را به نظام علیرترینی نظام سوسیالیستی بسپارد. بدون پیدایش جامعه سرمایه داری و بدون رشد تکامل علوم، اندیشه های سوسیالیستی نمیتوانست به علم تبدیل شود. بهمین دلیل است که لنین متذکر میشود که سوسیالیسم علمی مستقل از جنبش های خود بخودی کارگری و برپایه تکامل علوم مختلف بوجود آمده است.

**نکته دوم: سوسیالیسم علمی از بیرون وارد جنبش طبقه کارگر میشود.**

واقعیت اینست که طبقه کارگر با لحاظ موقعیت کار روزندگیش تمایل به پذیرش سوسیالیسم را دارد. کارگر هیچگونه منفعی از مالکیت خصوصی، که اساس جامعه سرمایه داری بر روی آن استوار شده است نمیدرد، بلکه برعکس فقر و سیه روزی او درست بدلیل وجود همین مالکیت خصوصی است. از آنجا که مهمترین اساس سیرتین عنصر سوسیالیسم همان لغو مالکیت خصوصی بزرگوار تولید و اجتماعی کردن آنست لذا طبقه کارگر را بخود جلب میکند. ولی این کشش و تمایل طبقه کارگر به سوسیالیسم بخودی خود باعث این نمیشود که او منحصر با قوای خودش به این علم دست پیدا بد.

اگر درست است که کارگران بخودی خود قادر نیستند به سوسیالیسم علمی (مارکسیسم-لنینیسم) دسترسی پیدا کنند، اگر درست است که کارگران تنها با اتکا به جنبش خود بخودی خود تنها نمیتوانند به آگاهی اتحادیه ای (تریدیونیونی) که ماهیت بورژوازی دارد برسند و اگر درست است که با این آگاهی تنها نمیتوانند در محدوده نظام سرمایه داری از دولت خواستار تصویب برخی قوانین و مقررات بنفع خود باشند، در این صورت روشن است که طبقه کارگر برای مبارزات و تحقق اهداف خود چیزی بیش از این لازم دارد، که همان آگاهی سوسیالیستی است. اما این آگاهی برای طبقه کارگر چگونه بدست میاید؟

لنین میگوید: "شعور سیاسی طبقاتی را فقط از بیرون، یعنی از بیرون مبارزه اقتصادی و از بیرون مدار مناسبات کارگران با کارفرما بیان میتوان برای کارگران آورد" (۳) چه کسانی این علم را که در حقیقت کلید نجات و بسیا نگر منافع طبقه کارگر است، برای او می آورند؟ روشنفکران کمونیست! ما روشنفکر کیست و روشنفکر کمونیست کداست؟

در بین تمام طبقات و اقشار جامعه کسانی هستند که از نظر فکری و نظری منافع آن طبقات و اقشار را نمایندگی نموده و بسیا نگر اهداف و

واستقرا سوسیالیسم و کمونیسم است. حزب طبقه کارگر که فدای کارترین، پیشروترین و آگاهترین کارگران را در خود متشکل میکند، در حقیقت ستاد رهبری و فرماندهی طبقه کارگر و توده های زحمتکش است. اما این حزب چگونه بوجود میاید و دارای چه مشخصاتی است؟

**۴- حزب طبقه کارگر چگونه بوجود می آید؟**

کوتاه ترین پاسخ به این سوال اینست که بگوئیم حزب طبقه کارگر حاصل تلفیق یا آمیزش جنبش خود بخودی کارگران با سوسیالیسم علمی (علم شناخت و تغییر جامعه) است. ولی این پاسخ بهمان دلیل کوتاه بودن خود، اصل مطلب را نمیرساند. بنا بر این میبایست توضیح بیشتری داد.

در مورد جنبشهای خود بخودی کارگری بیش از این توضیح دادیم. دیدیم که کارگران در جریان همین مبارزات است که سدیها و اتحادیه های خود را بوجود آورده و از این طریق مبارزات خود را به پیش میبرند. بنا بر این لازمست در اینجا به توضیح نکاتی در مورد تلفیق یا آمیزش سوسیالیسم علمی با جنبش کارگری بپردازیم.

**نکته اول: سوسیالیسم محصول مبارزات خود بخودی کارگران نیست.**

این گفته ممکن است برای کسیکه به تاریخ جنبش های کارگری و کمونیستی آشنا نباشد نادر خیلی عجیب بنظر برسد. خود بطور میثود که آیدئولوژی متعلق به پرولتاریا محصول خود او نباشد؟ اما واقعیت اینست که چیز عجیبی در این گفته نیست.

تاریخ و تجربه مبارزات کارگری نشان میدهد که طبقه کارگر منحصر با نیروی خود می تواند به آگاهی های محدودی دست پیدا کند که بهیچ وجه آگاهی سوسیالیستی نیست، بلکه این آگاهی که گاه حاصل خصلت بورژوازی دارد، سوسیالیسم یک علم است، علم زبانی طبقه کارگر است. علمی است که طبقه کارگر بخودی خود نمی تواند حاصل آن باشد. چرا چنین است؟

برای اینکه کارگران در زندگی سراسرنج و تنگدستی خود کمتر فرصت آنرا دارند که مطالعه کنند و به علوم مختلف دسترسی داشته باشند. در جوامع طبقاتی علم همواره در اختیار طبقات مرفه و با حداقل شیمه مرفه جامعه بوده است. اینان بدلیل شرایط زندگی شان هم فرصت و هم امکان آنرا داشته اند که با علوم مختلف آشنا شوند و با درک تکامل علم مشارکت نمایند. بیک کارگر پس از کار روزانه خود (که گاه به ۱۲ ساعت هم میرسد) خسته و کوفته از سر کار باز نمیگردد و با توجه به زندگی سخت و مشقت باری که دارد دیگر نه حوصله و نه وقت آنرا دارد که به علم و دانش بپردازد.

پیدایش سوسیالیسم علمی نیز چنین بوده است. مارکس و انگلس که خود با به گذران این



## زنده بمان مبارزه طبقاتی

### در شوروی امپریالیستی!

رویزونیستها میگویند در شوروی مبارزه طبقاتی وجود ندارد، آنها میگویند در شوروی قدرت از آن کارگران است و بنابراین مبارزه مبنای عینی پیدا نمی کند، آنها میگویند صحبت از مبارزه طبقاتی در شوروی جز تبلیغات بوج چیردیکری نیست ....

درباره این خزعبلات رویزونیستی و ارتجاعی، واقعیت مبارزه طبقاتی و بیان این حقیقت روشن از جانب مارکسیست لنینیستهای راستین قرار دارد. کمونیستها از زمانیکه رویزونیسم خائنه خروشقی - بورژنی بر دستگاه حزبی و دولتی شوروی حاکمیت یافت اعلام کردند که این حاکمیت جز حاکمیت بورژوازی نوین چیز دیگری نیست و واقعیتها را جمعاً شوروی چه در عرصه داخلی و چه در عرصه خارجی بیانگرای حقیقت غربی است. حاکمیت بورژوازی که منجر به استقرار سرمایه داری گردید، جزیمعناي سلب مالکیت از پرولناریا و استثمار برحمانه این طبقه نمیتوانست باشد. زمانیکه شدیدترین ستمگریهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بر دوش طبقه کارگر تحمیل میگردد، زمانیکه ستمگری ملی بورژوازی حاکم خلقهای شوروی را در منگنه قرار داده است، مبارزه طبقاتی پرولناریا و مبارزه ملیت ها نمیتواند بتری عینی نداشته باشد. امروز در شوروی یک بورژوازی انگلی، ماهانه ۱۰۰ برابر دستمزد یک کارگر زحمتکش چپا ول میکند (۱) و

این مسئله تنها فقر و فلاکت روزافزون پرولناریا و فریب شدن مثنی بورژوازی فاسد را به نمایش میگذارد. این واقعیت بی انکار آن است که طبقه کارگر از موضع طبقه حاکم فرو افتاده و امروزه طبقه ای تحت ستم و استثمار تبدیل شده است. تضادهای طبقاتی - کسبه انحصاری از تضاد میان نیروهای مولد و مناسبات تولیدی میباید - آن زمینه عینی بشمارد مبارزه طبقاتی را هستی میدهد. جامعه امروز شوروی امپریالیستی بدور از این مبارزه طبقاتی نیست. اگرچه سوسیال امپریالیستها شوروی با انکاء به دستگاه پلیسی و جاسوسی خود کارگران مبارزان تحت تعقیب قرار میدهند و با زندانها و شکنجه های کاراجباری میفرستند، اگرچه هربران مرتجع شوروی با انکاء به سانسور و خفان حاکمان از انتقال هرگونه خبر مبارزان به خارج از مرزهای این کشور به شدیدترین وجهی جلوگیری بعمل می آورند، لیکن کماکان در جامعه شوروی کارگران و خلقهای ستمکش به مبارزه ادامه داده و اخبار مربوط به این مبارزات که به خارج از



## اخبار و مسائل جهانی

مرزهای شوروی انتقال می باید. همانگونه که رژیم فاشیستی شاه قادر نبود با انکاء به سواک جنا پیکار خود از انتشار اخبار مبارزه کارگران و توده ها در سراسر ایران و خارج از مرزهای ایران مانعیت بعمل آورد، مردان خائس



حاکم شوروی نمیتوانند بطور کامل از انتشار این اخبار جلوگیری نمایند. چندی پیش بود که خبر کارگران حیرت افراز و اعتراض توده های جمهوری گرجستان شوروی را منتشر ساختند. در تاریخ ۱۰ فروردین ۶۰ مدها تن از کارگران توده های تحت ستم جمهوری گرجستان نظرات وسیعی برپا کرده و علیه تصمیم مقامات دولتی مبنی بر تحمیل زبان و فرهنگ روسی در این جمهوری دست به اعتراض زدند. هم طور که میدانیم بورژوازی حاکم حقوق ملیتها را مورد سرکوب قرار داده و برای تحمیل شوونیسم خود دیری نایستد کردن فرهنگ و زبان ملیتها را کونا کون است. نظرات اخیر اعتراضی بپایه اهداف امپریالیستی رویزونیستها. در این نظرات آنها به دفاع از فرهنگ ملی خود پرداخته و سرکوب و خفان را محکوم ساختند.

آیا این نظرات منحصر بفرد است؟ نه هرگز! این نظرات در ادامه مبارزه طبقاتی و ملی جاری در جامعه سرمایه داری شوروی است. از زمان به حاکمیت رسیدن رویزونیستها مبارزات سیاسی علیه قدرت حاکم تکل گرفته

و نگاهی کوتاه به سیر این مبارزات نشان میدهد که برخلاف دروغهای زیبا، تحریفات و سانسور رویزونیستها و دنیا لروان آنها مبارزه طبقاتی در جامعه شوروی یک حقیقت انکارنا پذیر است (۲).

در سال ۱۹۶۷، کارگران مبارز شهر "چیمکنت" (Tchikent) در قزاقستان دست به اعتصاب و تظاهرات زده و یک جنبش توده ای برپا داشتند. آنها به اداره مرکزی پلیس تهاجم انقلابی نموده و خسارات فراوانی به بورژوازی تحمیل کردند. در ماه مه مبرهان سال نیز، هزار کارگر کارخانه تراکتور سازی در "خارکف" به اعتصاب دست زدند. در اوت ۱۹۶۸ هنگامیکه ارتش مهاجم شوروی برای کنارتدن "دوبچک" - بوزروا - لیبیرال و تحکیم موقعیت رویزونیستهاي طرفدار مکتوبه خاک چکسلواکی حمله کرده و این کشور را اشغال نمود، در اعتراض به این تجاوز کارگران و توده های زحمتکش در مسکو، لنینگراد، خارکف، نووسیبیرسک و ... دست به تظاهرات زده و میتینگ اعتراضی برپا نمودند. در ماه مه ۱۹۶۹ کارگران یک ایستگاه هیدرو الکتریک در "کی یف" (Kiev) اعتصاب کردند. در پایان سال ۱۹۷۰ توده وسیعی از کارگران در "بیلوروسی"، "کالینگراد"، "کیف" به نشانه همبستگی با مبارزات طبقه کارگر لیبیرال علیه رژیم بورژوا - رویزونیست "گومولکا" دست به اعتصاب زدند. در روزهای ۲۵ و ۲۶ ژوئن ۱۹۷۲ هزاران کارگر شهر "دنیپرپتروک" (Dniπρο - Petrovsk) تحت خفان پلیسی دست به اعتصاب زده و اقدام به راهپیمایی خیابانی میکنند. نظرات هرکنندگان به ادارات مرکزی پلیس حمله کرده و آنها را به اشغال خود در آورده، عسکهای برزف را با رهموده و سپس آتشوهای پلیس را نابود میکنند. در همین شهر و در سیاهان سال کارگران، کمته منطقه ای حزب را محاصره کرده و خواستار بهبود شرایط زندگی خود میکنند. در فوریه ۱۹۷۳ کارگران یک کارخانه در "بیلوروسی" (Bielo Russie) برای افزایش دستمزد به اعتصاب دست میزنند و امروزه طبقه کارگر شوروی به مبارزه خود همچنان ادامه میدهد.

طبقه کارگر و مبرهان شوروی در مبارزه علیه بورژوازی امپریالیستی تنها نیست. دهقانان و ملیتها تحت ستم روس نیز هم دوش کارگران به پیکار خود ادامه میدهند. در حال حاضر ملیتها شوروی بر علیه شوونیسم - روس بزرگ و ستمگری بورژوازی حاکم مبارزه خود را

- (۱) - پیکار شماره ۸۹ مقاله استقامت کارگران در شوروی
- (۲) - منبع نظرات و اعتصابات در شوروی عبارتند از اسناد آلبانی و چین قبل از حاکمیت رویزونیستها و از جمله کتاب "سوسیال امپریالیسم شوروی را افشا کنیم" چاپ فرانسه، بتاريخ ۱۹۷۴.



کشور اقدام نمودند. بدینال این اعتبار شرکت برق دولتی میسوسیستخوا ستر محکومیت کارکنان اعتباری توسط دادگاهها شد و این مبارزات یکبار دیگر وحدت منافع کارگران و زحمتکشان "اسرائیل" با خلق دلاور فلسطین را به نمایش میگذارد.

● در اندونزی در جنوب شهر "سوماترا" یک سرما به دارا زبردت دستمزد به کارگران خودداری مینماید، بدینال این اقدام مرتجعانه کارگران به تظاهرات پرداخته و با مـزدوران پلیس به زد و خورد می پرداختند. پلیس رژیم ارتجاعی سوا رتوبه حمایت از سرما به داران دست به گستاخه زد و ۷ کارگرا کشته، صدها نفر را زخمی و دستگیری نماید.

● موجهای مبارزه کارگران و کارمندان در انگلستان به پیش میروند. در کارکنان مبارزات کارگران، سیاه پوستان و خلق ایرلند، مبارزات کارکنان فروودگاههای اصلی انگلستان، این کشور را فلج ساخت. بدینال اعتبار کارکنان فروودگاهها یک هزار ایرور از روزانه در سراسر انگلستان متوقف شد. کارکنان ۱۵ درمصد افزایش دستمزد می طلبند و دولت امپریالیستی حاکم با این درخواست مخالفت میورزد.

● در طول هفته گذشته دانشجویان دانشگاه "سول" در کره جنوبی دست به تظاهرات انقلابی زده و به زد و خورد خونین با پلیس مزدور رژیم "چون دوهوان" پرداختند. در طی این تظاهرات یک دانشجو بعنوان اعتراض خود را از طبقه پنجم به پائین پرتاب کرده و کشته میشود. پلیس تعداد زیادی از دانشجویان انقلابی را دستگیر و زخمی نمود.

نیز در سایه پیوند خود با جنبش کارگری از حالت تئوری صرف خارج شده و به اسلحه تیر میورند. دست طبقه کارگر تبدیل میشود. لنین میگوید:

"زمانیکه این پیوندها وقوع مییابند مبارزه طبقه کارگران شکل مبارزه آگاهانه پرولتاریا را برای رها شدن از استثمار طبقات مالک، بخود میگرداند. شکل عاابتی از جنبش سوسیالیستی کارگران - حزب مستقل سوسیال دمکراتیک کارگری (یعنی همان حزب کمونیست - پ) تکامل می یابد" (۴)

اکنون این سؤال مطرح میشود که حزب طبقه کارگر چه مشخصاتی را می باید داشته باشد؟

(ادامه دارد)

"منابع در آخر مقاله ذکر خواهد شد"



دوباره به ما رگسیم لنین و حزب پرولتاریا خود منحل شود، انقلاب سوسیالیستی را برپا نموده و پرولتاریا امپریالیستی حاکم پرولتاریا را تا بودخواهد ساخت.

پرولتاریا را انقلاب سوسیالیستی پرولتاریا را شوروی!

## پرولتاریای جهان می رزمند!

● کارگران قهرمان یک معدن بزرگ مس در شیلی پس از کسب خواسته های خود که عبارت بود از افزایش دستمزد به میزان ۲ درصد در سال ۱۹۸۱ و ۱ درصد در سال ۱۹۸۲ و بدینال ۳۱ روز اعتصاب، به اعتبار خود ادامه دادند. اما ۱۸۰۰ کارگر میا زردیگریس از ۳۲ روز اعتبار همچنان به اعتبار خود ادامه میدهند. لازم به تذکر است که رژیم فاشیستی پینوشه که در سال ۱۹۷۳ از طریق یک کودتای آمریکائی بر سر کار آمد مقادونی به تصویب رسانده که طبق آن پس از ۳۰ روز اعتبار کارگران قدیمی اخراج شده و کارگران جدید استخدام میشوند و پس از ۵۹ روز اعتبار پلیس حق تیراندازی بسوی کارگران اعتباری را دارد. لیکن علیرغم این قوانین فاشیستی کارگران از مرکز شهر سیده و به مبارزه خود ادامه میدهند.

زنده باد مبارزه طبقه کارگر شیلی!

● کارگران و کارکنان نیروگاههای برق در فلسطین اشغالی (اسرائیل) بعنوان اعتراض به اخراج ۶ نفر از رهبران اتحادیه های کارگری اعتبار کرده و به قطع مرحله ای برق در این

سوسیالیسم علمی (مارکس - لنین) چراغ راه جنبش های کارگری است. طبقه کارگر بدون در اختیار داشتن آن بناچار در کسوف راهها سرگردان شده و در نتیجه همچنان در چنگال بورژوازی باقی خواهد ماند. کوچک و کم اهمیت نمودن نقش ایدئولوژی پرولتری علامت های تقویت نفوذ ایدئولوژی بورژوازی در بین طبقه کارگر است. برای اینکه ایدئولوژی بورژوازی خیلی قدیمی تر و توسعه یافته تر است و علاوه بر آن تمامی وسائل را برای مسموم کردن ذهن توده ها در اختیار دارد. بطوریکه میتوان گفت که زندگی اجتماعی ما غرق در افکار عادات بورژوائی است. بنابراین جنبش کارگری بدون پیوند با سوسیالیسم علمی در سطح باقی ماندن و بناچار در دام بورژوازی گرفتار خواهد آمد. تنها با پیوند و آمیزش سوسیالیسم علمی از یک طرف و جنبش کارگری از طرف دیگر است که میتوان و قدرت هر دو آنها را افزایش داد. از این طریق است که مبارزات طبقه کارگر بصورت یک مبارزه آگاهانه درآمده، میتواند با گامهای سربمی بسوی آینده تباک خود که همانا ناسود سرمایه داری و برقراری سوسیالیسم است به پیش رود. از طرف دیگر سوسیالیسم علمی

تعمیق می بخشد. اگرچه این مبارزات فاقد یک رهبری کمونیستی نیرومند است، لیکن دارای جوهری رزمنده میباشد. این مبارزات جلوه ای از مبارزه ملیتهای روس برای حق تعیین سرنوشت بشمار میآید. بعنوان نمونه در سال ۱۹۷۲ مبارزات ملی سراسر "اوکراین" آسیای میانه، ساحل بالکان و مناطق قفقاز را در بر گرفت. در شهر "کاوناس" (Kaunas) در "لیتوانی" هزاران نفر به خیابانها ریخته و شعار "آزادی برای لیتوانی" به مقر حزب و با سکه پلیس حمله کرده و به زد و خورد با پلیس و جنرالیان سرگوبگر پرداختند. در "لتونی" (Lattonie) ۱۷ تن از کارهای سابق حزبی نامهای منتشر ساخت و طی آن خیانت رویزیو - نیستها به مارکسیم لنین و سوسیالیست وونیستی آنها در قبایل ملیتها را افشا نمودند. در "تالین" (Tallin) در "استونی" تظاهرات دانشجویی علیه حکومت برپا شد. در "اوکراین" بیش از ده هزار نفر هرگز به مقر منطقه ای حزب، ساختمان - های دولتی و بنای "کمیته امنیتی دولت" حمله کرده و عکسهای پرژوف مرتد و دیگر خائنین را پاره کردند.

این مبارزات فقط گوشه ای از مبارزات طبقه کارگر و خلقهای شوروی بشمار میآید. این مبارزات نشان میدهند که علیرغم سرکوب و خفقان و حتی ناسود پرولتاریا مبارزه طبقه کارگر خاموش نشده است. امروز اگر اخباری از مبارزه طبقه کارگر را می بینیم، فردا خرمن خشم طبقه کارگر شوروی سراسر این کشور را فرا خواهد گرفت. فردا که پرولتاریای شوروی

## بقیه از صفحه ۲۴ درباره...

کارگران با سرمایه داران سرمایه بند. اسلین میگوید:

"در میان هزاران نفر از این نوع دانشمندان شاید یک نفر باشد که به جنبش کارگری به صورت علمی برخورد نماید، تمام زندگی اجتماعی را بصورت علمی تحقیق کند، تمام ادعای طبقه کارگر را پیگیری نماید و سرانجام قوانین حرکت جامعه سرمایه داری را شناخته و نقش طبقه کارگر را در سرنوشت این نظام بدرستی تشخیص دهد و در یک کلام سوسیالیسم علمی را تدوین نماید."

روشن است که تا وقتی که اندیشه های سوسیالیستی و جنبش کارگری از هم دیگر جدا باشند، هیچگاه نمیتوانند توانست آنطور که باید در خدمت رها نشی طبقه کارگر قرار بگیرند. اندیشه های سوسیالیستی تا زمانی که محز از جنبشهای کارگری سر میبرد نمیتوانستند و ما یافته و از استحکام پرولتری برخوردار گردند. از طرف دیگر جنبشهای کارگری نیز بدون پیوند با اندیشه های سوسیالیستی چاره ای نداشته جز این که در محدوده نظام استثمار کارگزار سرمایه داری دست و پا بزنند.



بقیه از صفحه ۱۸ رژیم جمهوری ...

که نسبت به سال قبل ۷۰٪ افزایش داشته است  
(میزان ۲۷ بهمن ۵۹)

فهرست زیر، بخشی از کالاهای وارداتی است که چنانچه اشتهار در رژیم جمهوری اسلامی از خاکشیر (پاکستان)، بذرخیار (هند)، گافندک (ایتالیا)، تاشوار (هنگ کنگ)، گاشی سفید (ترکیه)، بیخال (آمریکا)، (آبهم زمان تحریم)، گافندک روزنامه (شوری) و ... را رد می کند. گروه های اجتماعی که از اغلب این کالاها (نظیر بیخال) ۲۰

هزار تومان (۱) استفاده می کنند و نیز ضرورت آنها و کشورهایی که به ایران کالاها در می کنند - حدود بیست و نگرانی است که یک حلقه از اردوگاه ضد انقلاب جهانی به حلقه های دیگر یعنی کشورهای امپریالیستی، سوسیال امپریالیستی و کلا سرمایه داری دارد.

نکته ای که در مورد واردات باید اضافه کرد سودساری است که سرمایه داران وابسته از طریق وارد کردن کالای مجیب میزنند. آنها علاوه بر آنکه کالاها را به چندبرابر قیمت تمام شده

عره می کنند، با زدوبند با کمپانیهای صبا در کننده بین ۱۰-۲۰ درصد از بهای تمام شده بعنوان حق کمیسیون در با نگه ای اروپا تسی به اسم آنها واریز می شود و حتی طبق اخبار موثق اخیرا در مورد کشورهای رومیزیونیستی نیز وارد کنندگان این مسئله را بعنوان شرطی برای خرید به این کشورهای سرمایه داری مدعی دروغین سوسیالیسم تحمیل کرده اند.

اما واردات روز افزون رژیم پنا زبسته امکانات حمل و نقل دارد و به همین جهت بود که رژیم علیرغم تمام فحاشیهای بیوشن علیه رژیم ارتجاعی ترکیه در سفر اخیر وزیر تجارت عا رجی ترکیه چند نفر را در از جمله، فریاد در انزیت کالا را با ترکیه امضاء کرد، اخیرا نیز در همین اجلاس کمیسیون فرعی و دائمی حمل و نقل این بران و شوری توافق شد که در سال ۷۰ میلیون تن کالا از طریق عبورگاه های مرزی دو کشور ترکیه و انتقال داده شود (انقلاب اسلامی ۴ خرداد ۶۰)

و نیز در همین اجلاس توافق شده است که گشتیانی در دریای خزر بین ایران و شوری توسعه یافته

و گشتیانی جمهوری اسلامی برای خرید گشتی مستقیما به موسسه نمود و امپیرت جهت انجمنام

معامله مراجه کنند (ناکید از ما ست)

نمونه های بالا فقط گوشه ای از عملکرد چپا و لگرا نه و خیا نت با رژیم جمهوری اسلامی در تاراج منافع زحمتکشان و تحکیم و گشتی

وابستگی به امپریالیسم میباشد. این نمونه ها به اندازه ای روشن و مستدل هستند که کوچکترین

غده ای نمیتوان در معنی خیا نه ای رژیم جمهوری اسلامی نسبت به زحمتکشان را وارد آورد.

اما علیرغم این همه واقیعت های رسوا کننده رومیزیونیستیهای خا شن حزب توده و "فدا شیان

اکثریت" با پیگیری در راه خیا نت به توده های زحمتکش و خدمت صادقانه به بورژوازی حاکم از

رژیم جمهوری اسلامی، یک حکومت انقلابی و فد - امپریالیست می سازند و به چشم زحمتکشان خاک

میباشند. آنان در جهت برآوردن منافع ارجاعی خود و سوسیال امپریالیستیهای شوری و خیا نه ای را مرتکب میشوند که و ارنه جلوه دادن حقایق

از آنجمله است: رومیزیونیستیهای خا شن - - -

جانی نیز با قائل شدن "استقلال طلسمی" برای بورژوازی امپریالیستیهای خا شن و تراشیدن چهره ملی

از آنان به گونه ای دیگر به بزرگ کردن چهره ارتجاعی و وابسته رژیم جمهوری اسلامی مشغول

هستند. اما علیرغم مردم فریبی های خود رژیم و توجیهات و تبلیغات رومیزیونیستیهای خا شن

زحمتکشان منین ما در اثر تجربه روزمره خود و با باری فعالیت های آگاهانه انقلابیون و

بویژه کمونیستها بیش از پیش به عمق ماهیت ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی و خیا نه ای -

شمار آنان پی برده و با اراده ای استوار، گردونه انقلاب را به پیش برده و با پیروزی سوسیالیسم

آزادی واقعی و گسترش دادن زنجیرهای بردگی را تجربه خواهند کرد.

ارزش تمام شده ۶۰ قلم کالای وارده اعلام شد

ارزش ۶۰ قلم کالای وارده و ترخیص شده از گمرکات مختلف کشور از سوی گمرک ایران اعلام شد. قیمت این کالاها که لیست کامل آن به سرویس اقتصادی کیهان ارسال شده به شرح زیر است:

| نام کالا                 | کشور سازنده | شماره آر تیکل و یا علامه کالا | واحد کالا   | قیمت تمام شده کالا به ریال |
|--------------------------|-------------|-------------------------------|-------------|----------------------------|
| شیر خشک پلازگون نستله    | آلمان غربی  | در قوطی ۴۵۰ گرمی              | قوطی        | ۱۲۷                        |
| غریز بی بی سی            | سریلان      | ۱۵۵۹                          | دستگاه      | ۲۰۱۴۸                      |
| روغن ترمز قوطی ۳۵۰ سی سی | اسپانیا     | ۲۱                            | قوطی        | ۸۱                         |
| سایون تولات ۱۳۰ گرمی     | آلمان       | ۸۱                            | عدد         | ۵۸۵                        |
| بذرخیار                  | هند         | اسلوئیس گروت                  | کیلو        | ۲۰۴۵                       |
| بنام پیکان               | انگلستان    | ۳۳۷۰۰ (۲)                     | عدد         | ۲۰۸۹                       |
| درجه آب پیکان            | انگلستان    | کراپلر ۱۲۰۰۰۰۲                | عدد         | ۲۱۹                        |
| لنت ترمز رنو             | یونان       | پاس ۷۵                        | دست         | ۳۱۰                        |
| رگلاور سیندر گاز         | ایتالیا     | نوا کویت                      | عدد         | ۱۴۰                        |
| پلور نرت                 | آلمان غربی  | کیلو گرم                      | کیلو        | ۴۳                         |
| کافور و زانه             | شوری        | کیلو                          | کیلو        | ۳۹                         |
| کاسه و شاقب میوه خوری    | فرانسه      | کاسه و شاقب                   | کاسه و شاقب | ۷۰۲                        |
| شده ای دیوارچه           | اسپانیا     | پای ۴                         | عدد         | ۵۸۲                        |
| آچاق خوراکی خانگی        | مجارستان    | آرام بی ۲۱۶۰۸۰                | عدد         | ۴۱۳۳                       |
| دوچرخه                   | آلمان       | مولینکس                       | عدد         | ۲۵۰۰                       |
| چرخ گشت برقی             | ایتالیا     | کوینا تور                     | دستگاه      | ۳۰۸۳۸                      |
| لیاسونی ۶۰ کیلو          | اسپانیا     | ماگفا                         | عدد         | ۱۲۳۲                       |
| ترازوی آهیز خانه         | پاکستان     | ۲۱۱                           | عدد         | ۲۱۱                        |
| توب والیبال              | پاکستان     | ۲۱۱                           | عدد         | ۲۱۱                        |
| توب منچال                | پاکستان     | ۲۱۱                           | عدد         | ۲۱۱                        |
| لفل قرمز تکوید           | پاکستان     | کیلو                          | کیلو        | ۲۱۱                        |
| چارو برقی اسکیمو ۱۲۰ وات | آلمان       | ۴۵۰۰                          | دستگاه      | ۱۳۰۰۹                      |
| چای غیر سطر              | انگلستان    | لیتون                         | کیلو        | ۲۵۰                        |
| گاز فندک                 | ایتالیا     | فلوید فیل یونیورسال           | عدد         | ۱۵۸۲                       |
| پیش اتومبیل اوریون       | ژاپن        | الف آر ۳۳۵                    | دستگاه      | ۱۵۸۲                       |
| وانت توپو                | ژاپن        | ۸۷۲۸۸                         | دستگاه      | ۸۷۲۸۸                      |
| رانچو دوم                | ترکیه       | ۹۹۸                           | دستگاه      | ۹۹۸                        |
| کاشی سفید ۱۵×۱۵          | ترکیه       | اکول                          | عدد         | ۱۲                         |
| جوجه یگزوه تهم گنار      | لوهمن       | قطعه                          | قطعه        | ۲۹                         |
| سکه باطری                | آلمان غربی  | ۲۱-۲۱                         | عدد         | ۴۱۰۰                       |
| تکه رومیزی سانیو         | ژاپن        | ۱۲ اینچی                      | دستگاه      | ۴۴۴۲                       |
| بیخال فریزر جرال الکتریک | آمریکا      | ۲۱ فوت بدون آپر دکن ویف ساز   | دستگاه      | ۱۰۱۹۸۰                     |
| بیخال کیسین              | آمریکا      | ۱۴ فوت                        | دستگاه      | ۱۰۳۹۸                      |
| دوچرخه بیگانه            | تایوان      | ۲۰ و ۱۶ اینچ                  | دستگاه      | ۵۳۳۱                       |
| شاقب تایپو               | کره جنوبی   | کره جنوبی                     | کیلو        | ۲۵۱                        |
| استون                    | ایران       | ۷۸                            | کیلو        | ۷۸                         |
| لاپ ۱۵ وات               | ایران       | ۱۶                            | عدد         | ۱۶                         |
| عطک پلاستیکی ۳ بدی       | ژاپن        | ۱۷                            | عدد         | ۱۷                         |
| عکس میدان آزادی          | ژاپن        | ۸۰×۲۰ سی سی                   | عدد         | ۴۴۱۰                       |
| دوچرخه چشمی کویتار       | کره         | ۲۵۰۰                          | عدد         | ۱۰۳۶                       |
| فلزات چای ۲۰ لیتری       | ژاپن        | ۳۰                            | عدد         | ۳۰                         |
| سواک                     | ژاپن        | ۳۰                            | عدد         | ۳۰                         |
| لیاسونی (کهنه شور)       | ژاپن        | ۳۰                            | عدد         | ۳۰                         |
| مونورسیکت سوزوکی         | ژاپن        | ۳۰                            | عدد         | ۳۰                         |
| مونورسیکت چویا           | ژاپن        | ۳۰                            | عدد         | ۳۰                         |
| دوچرخه ماژستیک           | ژاپن        | ۳۰                            | عدد         | ۳۰                         |
| بیخال نفتی سی بر         | ژاپن        | ۳۰                            | عدد         | ۳۰                         |
| مونورسیکت چویا           | ژاپن        | ۳۰                            | عدد         | ۳۰                         |
| آرامیز کراکات            | ژاپن        | ۳۰                            | عدد         | ۳۰                         |
| لاپ فنی                  | ژاپن        | ۳۰                            | عدد         | ۳۰                         |
| فلورست ۴۰ وات            | ژاپن        | ۳۰                            | عدد         | ۳۰                         |
| شوار                     | ژاپن        | ۳۰                            | عدد         | ۳۰                         |
| بخاری برقی ساکورا        | ژاپن        | ۳۰                            | عدد         | ۳۰                         |
| چرخ خیاطی اسایل          | ژاپن        | ۳۰                            | عدد         | ۳۰                         |
| خاکشیر                   | پاکستان     | ۳۰                            | عدد         | ۳۰                         |
| زردچوبه تکوید            | پاکستان     | ۳۰                            | عدد         | ۳۰                         |
| آلو برقی بخاری سانیو     | ژاپن        | ۳۰                            | عدد         | ۳۰                         |
| آچاق گاز فرار            | ایتالیا     | ۳۰                            | عدد         | ۳۰                         |
| خیر صلی                  | هند         | ۳۰                            | عدد         | ۳۰                         |
| بیخال فریزر زمینی        | آلمان       | ۳۰                            | عدد         | ۳۰                         |
| پلوپزانو                 | ژاپن        | ۳۰                            | عدد         | ۳۰                         |
| آلو برقی                 | ژاپن        | ۳۰                            | عدد         | ۳۰                         |







### بقیه از صفحه ۶ سازمان

راه دروغ نمیورزند. شما ساندن دوستان و دشمنان واقعی خلق کرد در کردستان، وظیفه کمونیستهاست و این همان چیزی است که فدا ثیان از انجام آن شانه خالی کرده و به همین ترتیب ما هیت نضا طبقاتی حزب دمکرات با کمونیستها و زحمتکشان کردستان را مسکوت میگذارند. کمونیستها ضمن آنکه رژیم جمهوری اسلامی را بمناسبت عید عده خلق کرد از بیایی میکنند، نمیتوانند در هر گام از حرکت جنبش مقاومت، سازشکاریها و سیاستها و اقدامات حزب دمکرات و دشمنی آن با نیروهای انقلابی کردستان را افشا ننمایند. افشای حزب و فریبهای شوم نموده ای نسبت به آن، از ملزومات اولیه تداوم تعمیق را دیکلیم جنبش مقاومت و بسیج نموده ای حول دمکراتیسم پیگیر طبقه کارگر است. رفقای فدائی با سکوت در مقابل سیاستها و عملکردهای حزب دمکرات، ما هیت آنرا تطهیر کرده و با عدم اعلام صریح و قاطع حمایت خود از نیروهای کمونیست در مقابل حملات این حزب، میدان ناخوت و تا زیرماتب و سیمتری جهت تعرض فدا انقلابی آن فراهم میکنند.

۲- چرا این "تضاد" به درگیری حاد منجر گردیده است؟ عملکردها و سیاستهای دوساله حزب دمکرات مبین این واقعیت است که درگیریهای تحمیلی اطراف ما با داجا نسب این حزب، ادا ما سیاستی است که حزب دمکرات در مقابل جنبش مقاومت و جنبش کمونیستی کردستان اتخاذ نموده است. محدودنگری آشکار است اگر درگیریهای اخیر را صرفا نتیجه اختلافات سطحی و رو بونائی و محدودا رزیایی کنیم، چرا که فرا تر از وجود دو جریان سیاسی که در این درگیریها در مقابل هم قرار گرفته اند، آنچه که مضمون آنرا تعیین میکند تعارض دوسالست فدا انقلابی و انقلابی است که در یکسوی آن حزب دمکرات بمناسبت نمایند بورژوازی کرد، ملاکلیسن و فئودالها و در سوی دیگر آن، شونده های آگاه خلق کرد و کمونیستها صف آراشی کرده اند.

چریکهای فدائی میگویند: "درگیریهای حزب دمکرات و کومله در جهت تشدید تضادهای درون خلقی است" و نتیجه میگیرند که از این درگیریها "تنها رژیم جمهوری اسلامی است که بیشتر بهره برداری خواهد کرد." (کا ۱۱۱) این تطهیر آشکار چهره حزب دمکرات است. اینکه این رفقا بر چه اساسی ما هیت این "تضاد" را "خلق" ارزیابی میکنند، بحث دیگری است که باید در جای خود بدان پرداخت، اما آنچه که از سطور بالا میتوان فهمید، اجتناب این رفقا از بیان این واقعیت است که حزب دمکرات این جنگ را به کمونیستها تحمیل کرده است. بهرواضح است که

سیاست کمونیستها در مقابل اقدامات مسلحانه حزب دمکرات، اجتناب از درگیری مسلحانه تا حد امکان، افشاکری و تربیت سیاسی توده ها و آگاه گردانیدن آنها به ما هیت حزب دمکرات و در نتیجه منفرد کردن آن میباشد. اما تا زمانی که کمونیستها بطور همه جانبه و گسترده مورد حمله مسلحانه حزب فرا میگیرند، آیا باید از موضع پرولتاریا شی خود، از منافع طبقه کارگر و از خواسته های برحق خلق کرد در مقابل بورژوازی فدا انقلابی گامی به عقب بگذارند یا به دفاع از آرمان طبقه کارگر، خلق کرد و دوستان ورده های خونین مبارزات خلق کرد برخیزند؟

بنظر میرسد که رفقای فدائی عقب نشینی در مقابل بورژوازی را مجاز میدانند که اینگونه از تشدید تضادهای به اصطلاح درون خلقی نگرانند. این رفقا در قسمتی از مقاله خود مینویسند: "...ما از موضع منافع طبقه کارگر، حزب دمکرات و کومله را مورد خطاب قرار داده و میگوئیم هرگونه درگیری حاد و برخوردی که منجر به تضعیف جنبش مقاومت و خلق کرد میشود خیانت به خلق و خیانت به انقلاب محسوب میشود."

چریکهای فدائی مرز بین حزب دمکرات و کومله، مرز بین دمکراتیسم پرولتری و انقلابی با "دمکراسی" کا.دب بورژواشی و به بیان کلی مرز میان منافع طبقه کارگر و بورژوازی را مخدوش کرده اند. چه کسی با افزایش و گسترش درگیری به تضعیف جنبش مقاومت و خیانت به خلق و انقلاب پرداخته است؟ حزب دمکرات یا کومله و سا پر کمونیستها؟ چه کسی و در ادا ما چه سیاستهای به درگیری حاد بخشیده و با حمله و دستگیری و شکنجه و کشتن پیشمرگان انقلابی و کمونیستها به رژیم جمهوری اسلامی برای ناخوت و تا ز میدان میدهد؟ چه کسی با توسل به دروغ - پراکنی، افترا و مشوب ساختن اذهان زحمتکشان کرد نسبت به کمونیستها، توده های متوهم را جهت حمله به مقروفا ترسایمانهای کمونیستی، میتینگها و نشریات انقلابی تحریک میکند؟ و بالاخره چه کسی است که از ادبیای دمکراتیک را بمناسبت یکی از دستاوردهای گرانقدر دوسال مقاومت خونین و حماسه آفرین خلق کرد در کردستان مورد ناخوت و تا خود قرار میدهد؟ اینها سؤالاتی است که فدا ثیان باید بدان پاسخ گویند.

فدا ثیان مقاله خود را چنین به پایان میرسانند:

"چنانچه حزب دمکرات و کومله در جهت حل مسالمت آمیز اختلافات خود گام مبرندارند ما آنها را در سطح جنبش افشا خواهیم کرد." از نظر سازمان چریکهای فدائی در برخورد با درگیریهای اخیر، چنین برمی آید که گویا کومله در سیاست و ما هیت با حزب دمکرات تفاوتی ندارد و در "افشاکری" این سازمان، هر دو نیرو مقام مشترکی را دارا هستند! چریکهای فدائی آشکارا بر جنايات حزب دمکرات پرده را ستر

افکنده و کومله را در جنايات این حزب سهیم میدانند! این رفقا با تطهیر چهره بورژوازی فدا انقلابی کرد و مسکوت گذاردن دشمنی آشکار آن با کمونیستها، جنبش مقاومت را از شناخت مدافعین واقعی خود منحرف کرده و مرز بین نیروهای انقلابی و فدا انقلابی را مخدوش میکنند. فدا ثیان خلق بدنبال تشدیدگراییش رویزیونیستی خود، اینک به تطهیر حزب دمکرات از یکسوی حمله به کومله از سوی دیگر میپردازد. مواضع چریکهای فدائی در کردستان و بویژه در مقابل مسئله حاضر، بسیار نگر موضع وسط گرفتن بین انقلاب و فدا انقلاب است. موضع فدا ثیان خلق نه در خدمت تعمیق را دیکلیم جنبش خلق کرد، بلکه در خدمت آشتی دادن و مخدوش نمودن سیاستهای متفاد است.

### حملات نیروهای نظامی رژیم به روستاهای سنندج شکست خورد!

بدنبال حملات ددمنشانه نیروهای سرکوبگر رژیم به روستاهای اطراف کامیاران و شکست و عقب نشینی آنها در اشرفا و مت قهرمانا به پیشمرگان، مزدوران جمهوری اسلامی این بار به روستاهای اطراف سنندج حمله کردند. اما اینجا نیز همانند روستای "طا" مقاومت سرخاسته پیشمرگان، نیروهای سرکوبگر را عقب راند:

۶۰/۳/۳ - ستونی از نیروهای دشمن نیمه شب به سمت روستاهای "گیلان" "مهریزان" و "دادانه" حرکت میکنند. آنها سرگامه مینی - بوس حامل کارگران را زیر رگبار کالیبر ۵۰ گرفته و جوانی بنا بر محنت گویلی را به شهادت میرسانند و در اشرفا اعتراض کارگران به این جنایت سه نفر از آنها را دستگیر میکنند. پیشمرگان کومله و بیگاریه محض اطلاع از خونریزیهایی رژیم آنها را زیر آتش سلاحهای خود میگیرند. نیروهای مهاجم پس از تلاشی بی نتیجه در اشرفا مقاومت و تعرض پیشمرگان انقلابی عقب نشینی میکنند. در این نبرد تعدادی از نیروهای سرکوبگر کشته و زخمی شده و یکی از پاداران با سلاح و مهماتش به سارت پیشمرگان در آمد.

پیشمرگان سالم به پایگاههای خود بازگشتند. ۶۰/۳/۵ - سرگامه این روز ستونی مرکب از چند خودرو حامل پاداران، افراد بسیج و جاشا مجددا برای "پاکسازی" بطرف روستاهای "گیلان"، "زان" و "ملکشان" حرکت نمودند. اما به کمین پیشمرگان کومله افتادند. پیشمرگان کومله آنها را زیر آتش سلاحهای سبک و سنگین خود قرار دادند. دشمن طی دوبار پیشروی دؤکشته داد. در این جریان دو فروند هلیکوپتر حدود نیم ساعت با راکت و کالیبر ۲۵ مواضع پیشمرگان را بشدت میکوبید. بتدریج نیروهای زیادی به کمک مزدوران در حال جنگ شتافتند. دشمن در تمام

بقیه در صفحه ۲۹



## گرامی باد یاد شهدای ۹ خرداد



سالروز سرکوب و کشتار خلق عرب به دست مدنی جلاد و یوسیلایه سپاهیان و کماندو-های ارتش، سالروز مقاومت خونین توده-های زحمتکش عرب، سال-روز شما پیش ازاده خلق عرب برای بدست آوردن حق تعیین سرنوشت در اتحاد با بر خلقهای ایران، گرامی باد.

حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست!  
سرقراریا دجمهوری دنگراتک خلق!  
سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر!  
تشکیلات خوزستان (۶۰/۳/۵)

### بقیه از صفحه ۲۸ حملات...

طول درگیری مواضع پیشمرگان و روستاهای اطراف را با خمپاره ۸۱ میلی متری میگویند. اشرار درگیری، دشمن برای جمع آوری اجساد کشته‌های خود مردم را سرقرار داده بود. ۱۰ ماهالی مبارز محل مقاومت میکردند که در نتیجه ۲۲ نفر از آنها توسط مزدوران رژیم دستگیر شدند. دشمن در معیت هلیکوپترها توانست اجساد را جمع آوری کند. در این درگیری که حدود ۲ ساعت طول کشید، مزدوران جمهوری اسلامی در مقابل حملات انقلابی پیشمرگان پس از کشته و زخمی شدن تعداد زیادی از افراد خود، عقب نشینی نمودند. یکی از کشته‌ها فرمانده عملیات پاداران سنج بوده است. همچنین چندین خودرودشمن آسیب دیدند. در پایان نبرد پیشمرگان سالم به پایگاه-های خود بازگشتند. در این جریان پیشمرگان پیکار با پیشمرگان کومله همکاری داشتند. مقاومت قهرمانان پیشمرگان کومله روحیه مبارزاتی مردم روستاهای منطقه را بالا برده است و هنگامیکه پیشمرگان به روستاها بازگشتند مورد استقبال پر شور و گرم نظیراها لی قرار گرفتند.

(نقل وتلخیص از خبرنامه ۱۲۶ کومله)

## پیروز باد انقلاب دمکراتیک-ضدامپریالیستی خلق عمان

نهم ژوئن (۱۹ خرداد) مصادف است با شایسته‌ترین سالگرد آزادی مبارزه مسلحانه خلق در عمان. ما بدین مناسبت ضمن گرامیداشت خاطره اینروز، از مبارزه انقلابی دمکراتیک و ضدامپریالیستی خلق عمان علیه امپریالیستهای انگلیسی و آمریکایی و رژیم دست نشانده سلطان قابوس و دیگر رژیمهای ارتجاعی منطقه خلیج حمایت میکنیم.



## سعید سلطانپور آزاد باید گردد

مدتی است که سعید سلطانپور، شاهروهنرمند مبارز دوران رژیم شاه به دست مرتجعین حاکم دستگیر شده است. او که سابقا در سپاه پاسداران رژیم شاه زندانی بوده هم اکنون نیز در زندان بسر میبرد. دستگیری او در چهارچوب رچوب سرکوبی و فشارهای است که رژیم علیه نیروهای کمونیست و انقلابی و هنرمندان و نویسندگان مبارزین کار میبرد. ما همسایه دیگر نیروهای انقلابی دستگیری او را محکوم میکنیم و آزادی او را همانند آزادی همه زندانیان سیاسی انقلابی و مترقی مبرا خواهم.

### رفقا محسن فاضل مبارز قدیمی

### و یار خلق فلسطین

### و علیرضا رحمانی (شستانی)

### فرزند خلق بلوچ آزاد باید گردند!

دستگیری چهار نفر از زحمتکشان می بردا زندک البته با فشارهای زحمتکشان ناچار میشوند

بتدریج آنها را آزاد کنند.

با وجودی که اهالی سیاه شک پس از درگیری چهار نفر را بنده از میان خود انتخاب کرده و برای مذاکره با صباغیان که مسئول تمویب این لایحه بود میفرستاد ولی طبق معمول ترتیب اثری به خواسته آنها داده نمیشود.

### بودجه...

کشورهای امپریالیستی فراهم مینماید. این صنوعات شامل کالاهای مصرفی و نیز کالاهای واسطه‌ای و ماشین آلات برای صنایع کاه از لحاظ تکنولوژی و سرمایه وابسته اند میگردند. همچنین نقش این منابع مالی در توسعه امکانات و تاسیسات زیربنایی و غیره (طبق همان ساختار الگوئی که با نیا زمندیهای امپریالیسم و ویژگی یک کشور وابسته منطبق است) به مدد سرمایه‌های امپریالیستی به این کشورها ابعاد بیشتری میدهد.

ایقاي الكوي المذكور وضعیت موجود این کشورها را بعنوان کشورهای که با زار فروش حوزه مدور سرمایه و مناطق معاملات سودمند برای امپریالیستها هستند و مخوا هدیشید. در کشور ما همانطور که قبلا اشاره کردیم در مدنفت، سهم عظیمی در درآمد ملی داشته و لذا بخش عمده بودجه دولت را نیز تشکیل میدهد. اینک به بررسی درآمد حاصل از نفت در بودجه سال ۶۰ میپردازیم.

(ادامه دارد.)

### سرکوب...

بود درگیری‌های که روی میدهد، چندین زن زحمتکش به شدت مضروب شده و از شدت ضربات قنداق تنگ پاداران و سپاهیان، صورت بچهای که در بغل مادر بود کبود میشود. مردم نیز متقابلا در دفاع از خواسته‌های بحق خود پیراهن تعدادی از پاداران را پاره میکنند. عمال مزدور رژیم که از سرکوب مردم، حیوانانندکاری پیش ببرند به بوجاهه...

## زندانی سیاسی انقلابی، بهمت توده‌ها آزاد باید گردد!



## کمکهای مالی عادی این هفته

| ۱- آذربایجان |       |
|--------------|-------|
| آذربایجان    | ۱۲۰۰۰ |
| اردبیل       | ۱۱۱۰۰ |
| اسلام‌آباد   | ۱۱۲۰۰ |
| تبریز        | ۱۰۶۰۰ |
| زنجان        | ۱۰۲۰۰ |
| اصفهان       | ۱۰۸۰۰ |
| تهران        | ۱۷۴۰۰ |
| مشهد         | ۱۷۹۰۰ |

| ۲- اصفهان |      |
|-----------|------|
| اصفهان    | ۲۸۲۱ |
| اصفهان    | ۲۸۲۱ |
| اصفهان    | ۲۸۲۱ |
| اصفهان    | ۲۸۲۱ |
| اصفهان    | ۲۸۲۱ |
| اصفهان    | ۲۸۲۱ |
| اصفهان    | ۲۸۲۱ |
| اصفهان    | ۲۸۲۱ |
| اصفهان    | ۲۸۲۱ |

| ۳- بروجرد |       |
|-----------|-------|
| بروجرد    | ۱۰۱۲۰ |
| بروجرد    | ۱۰۱۲۰ |
| بروجرد    | ۱۰۱۲۰ |
| بروجرد    | ۱۰۱۲۰ |
| بروجرد    | ۱۰۱۲۰ |
| بروجرد    | ۱۰۱۲۰ |
| بروجرد    | ۱۰۱۲۰ |
| بروجرد    | ۱۰۱۲۰ |
| بروجرد    | ۱۰۱۲۰ |
| بروجرد    | ۱۰۱۲۰ |

| ۴- خراسان |       |
|-----------|-------|
| خراسان    | ۱۰۱۲۰ |
| خراسان    | ۱۰۱۲۰ |
| خراسان    | ۱۰۱۲۰ |
| خراسان    | ۱۰۱۲۰ |
| خراسان    | ۱۰۱۲۰ |
| خراسان    | ۱۰۱۲۰ |
| خراسان    | ۱۰۱۲۰ |
| خراسان    | ۱۰۱۲۰ |
| خراسان    | ۱۰۱۲۰ |
| خراسان    | ۱۰۱۲۰ |

| ۵- خوزستان |       |
|------------|-------|
| خوزستان    | ۱۰۱۲۰ |
| خوزستان    | ۱۰۱۲۰ |
| خوزستان    | ۱۰۱۲۰ |
| خوزستان    | ۱۰۱۲۰ |
| خوزستان    | ۱۰۱۲۰ |
| خوزستان    | ۱۰۱۲۰ |
| خوزستان    | ۱۰۱۲۰ |
| خوزستان    | ۱۰۱۲۰ |
| خوزستان    | ۱۰۱۲۰ |
| خوزستان    | ۱۰۱۲۰ |

| ۶- گلستان |       |
|-----------|-------|
| گلستان    | ۱۰۱۲۰ |
| گلستان    | ۱۰۱۲۰ |
| گلستان    | ۱۰۱۲۰ |
| گلستان    | ۱۰۱۲۰ |
| گلستان    | ۱۰۱۲۰ |
| گلستان    | ۱۰۱۲۰ |
| گلستان    | ۱۰۱۲۰ |
| گلستان    | ۱۰۱۲۰ |
| گلستان    | ۱۰۱۲۰ |
| گلستان    | ۱۰۱۲۰ |

| ۷- کردستان |       |
|------------|-------|
| کردستان    | ۱۰۱۲۰ |
| کردستان    | ۱۰۱۲۰ |
| کردستان    | ۱۰۱۲۰ |
| کردستان    | ۱۰۱۲۰ |
| کردستان    | ۱۰۱۲۰ |
| کردستان    | ۱۰۱۲۰ |
| کردستان    | ۱۰۱۲۰ |
| کردستان    | ۱۰۱۲۰ |
| کردستان    | ۱۰۱۲۰ |
| کردستان    | ۱۰۱۲۰ |

| ۸- کرمانشاهان |       |
|---------------|-------|
| کرمانشاهان    | ۱۰۱۲۰ |
| کرمانشاهان    | ۱۰۱۲۰ |
| کرمانشاهان    | ۱۰۱۲۰ |
| کرمانشاهان    | ۱۰۱۲۰ |
| کرمانشاهان    | ۱۰۱۲۰ |
| کرمانشاهان    | ۱۰۱۲۰ |
| کرمانشاهان    | ۱۰۱۲۰ |
| کرمانشاهان    | ۱۰۱۲۰ |
| کرمانشاهان    | ۱۰۱۲۰ |
| کرمانشاهان    | ۱۰۱۲۰ |

| ۹- مازندران |       |
|-------------|-------|
| مازندران    | ۱۰۱۲۰ |
| مازندران    | ۱۰۱۲۰ |
| مازندران    | ۱۰۱۲۰ |
| مازندران    | ۱۰۱۲۰ |
| مازندران    | ۱۰۱۲۰ |
| مازندران    | ۱۰۱۲۰ |
| مازندران    | ۱۰۱۲۰ |
| مازندران    | ۱۰۱۲۰ |
| مازندران    | ۱۰۱۲۰ |
| مازندران    | ۱۰۱۲۰ |

| ۱۰- قزوین |       |
|-----------|-------|
| قزوین     | ۱۰۱۲۰ |
| قزوین     | ۱۰۱۲۰ |
| قزوین     | ۱۰۱۲۰ |
| قزوین     | ۱۰۱۲۰ |
| قزوین     | ۱۰۱۲۰ |
| قزوین     | ۱۰۱۲۰ |
| قزوین     | ۱۰۱۲۰ |
| قزوین     | ۱۰۱۲۰ |
| قزوین     | ۱۰۱۲۰ |
| قزوین     | ۱۰۱۲۰ |

| ۱۱- سمنان |       |
|-----------|-------|
| سمنان     | ۱۰۱۲۰ |
| سمنان     | ۱۰۱۲۰ |
| سمنان     | ۱۰۱۲۰ |
| سمنان     | ۱۰۱۲۰ |
| سمنان     | ۱۰۱۲۰ |
| سمنان     | ۱۰۱۲۰ |
| سمنان     | ۱۰۱۲۰ |
| سمنان     | ۱۰۱۲۰ |
| سمنان     | ۱۰۱۲۰ |
| سمنان     | ۱۰۱۲۰ |

| ۱۲- یزد |       |
|---------|-------|
| یزد     | ۱۰۱۲۰ |
| یزد     | ۱۰۱۲۰ |
| یزد     | ۱۰۱۲۰ |
| یزد     | ۱۰۱۲۰ |
| یزد     | ۱۰۱۲۰ |
| یزد     | ۱۰۱۲۰ |
| یزد     | ۱۰۱۲۰ |
| یزد     | ۱۰۱۲۰ |
| یزد     | ۱۰۱۲۰ |
| یزد     | ۱۰۱۲۰ |

| ۱۳- اصفهان |       |
|------------|-------|
| اصفهان     | ۱۰۱۲۰ |
| اصفهان     | ۱۰۱۲۰ |
| اصفهان     | ۱۰۱۲۰ |
| اصفهان     | ۱۰۱۲۰ |
| اصفهان     | ۱۰۱۲۰ |
| اصفهان     | ۱۰۱۲۰ |
| اصفهان     | ۱۰۱۲۰ |
| اصفهان     | ۱۰۱۲۰ |
| اصفهان     | ۱۰۱۲۰ |
| اصفهان     | ۱۰۱۲۰ |

| ۱۴- تهران |       |
|-----------|-------|
| تهران     | ۱۰۱۲۰ |
| تهران     | ۱۰۱۲۰ |
| تهران     | ۱۰۱۲۰ |
| تهران     | ۱۰۱۲۰ |
| تهران     | ۱۰۱۲۰ |
| تهران     | ۱۰۱۲۰ |
| تهران     | ۱۰۱۲۰ |
| تهران     | ۱۰۱۲۰ |
| تهران     | ۱۰۱۲۰ |
| تهران     | ۱۰۱۲۰ |

| ۱۵- تبریز |       |
|-----------|-------|
| تبریز     | ۱۰۱۲۰ |
| تبریز     | ۱۰۱۲۰ |
| تبریز     | ۱۰۱۲۰ |
| تبریز     | ۱۰۱۲۰ |
| تبریز     | ۱۰۱۲۰ |
| تبریز     | ۱۰۱۲۰ |
| تبریز     | ۱۰۱۲۰ |
| تبریز     | ۱۰۱۲۰ |
| تبریز     | ۱۰۱۲۰ |
| تبریز     | ۱۰۱۲۰ |

| ۱۶- ارومیه |       |
|------------|-------|
| ارومیه     | ۱۰۱۲۰ |
| ارومیه     | ۱۰۱۲۰ |
| ارومیه     | ۱۰۱۲۰ |
| ارومیه     | ۱۰۱۲۰ |
| ارومیه     | ۱۰۱۲۰ |
| ارومیه     | ۱۰۱۲۰ |
| ارومیه     | ۱۰۱۲۰ |
| ارومیه     | ۱۰۱۲۰ |
| ارومیه     | ۱۰۱۲۰ |
| ارومیه     | ۱۰۱۲۰ |

| ۱۷- زنجان |       |
|-----------|-------|
| زنجان     | ۱۰۱۲۰ |
| زنجان     | ۱۰۱۲۰ |
| زنجان     | ۱۰۱۲۰ |
| زنجان     | ۱۰۱۲۰ |
| زنجان     | ۱۰۱۲۰ |
| زنجان     | ۱۰۱۲۰ |
| زنجان     | ۱۰۱۲۰ |
| زنجان     | ۱۰۱۲۰ |
| زنجان     | ۱۰۱۲۰ |
| زنجان     | ۱۰۱۲۰ |

| ۱۸- قزوین |       |
|-----------|-------|
| قزوین     | ۱۰۱۲۰ |
| قزوین     | ۱۰۱۲۰ |
| قزوین     | ۱۰۱۲۰ |
| قزوین     | ۱۰۱۲۰ |
| قزوین     | ۱۰۱۲۰ |
| قزوین     | ۱۰۱۲۰ |
| قزوین     | ۱۰۱۲۰ |
| قزوین     | ۱۰۱۲۰ |
| قزوین     | ۱۰۱۲۰ |
| قزوین     | ۱۰۱۲۰ |

| ۱۹- اصفهان |       |
|------------|-------|
| اصفهان     | ۱۰۱۲۰ |
| اصفهان     | ۱۰۱۲۰ |
| اصفهان     | ۱۰۱۲۰ |
| اصفهان     | ۱۰۱۲۰ |
| اصفهان     | ۱۰۱۲۰ |
| اصفهان     | ۱۰۱۲۰ |
| اصفهان     | ۱۰۱۲۰ |
| اصفهان     | ۱۰۱۲۰ |
| اصفهان     | ۱۰۱۲۰ |
| اصفهان     | ۱۰۱۲۰ |

| ۲۰- تهران |       |
|-----------|-------|
| تهران     | ۱۰۱۲۰ |
| تهران     | ۱۰۱۲۰ |
| تهران     | ۱۰۱۲۰ |
| تهران     | ۱۰۱۲۰ |
| تهران     | ۱۰۱۲۰ |
| تهران     | ۱۰۱۲۰ |
| تهران     | ۱۰۱۲۰ |
| تهران     | ۱۰۱۲۰ |
| تهران     | ۱۰۱۲۰ |
| تهران     | ۱۰۱۲۰ |

| ۲۱- اصفهان |       |
|------------|-------|
| اصفهان     | ۱۰۱۲۰ |
| اصفهان     | ۱۰۱۲۰ |
| اصفهان     | ۱۰۱۲۰ |
| اصفهان     | ۱۰۱۲۰ |
| اصفهان     | ۱۰۱۲۰ |
| اصفهان     | ۱۰۱۲۰ |
| اصفهان     | ۱۰۱۲۰ |
| اصفهان     | ۱۰۱۲۰ |
| اصفهان     | ۱۰۱۲۰ |
| اصفهان     | ۱۰۱۲۰ |





## جنبش کارگری

بقیه از صفحه ۴ تشدید...

۲- صنعت نفت:

رژیم جمهوری اسلامی با شروع جنگ ارتجاعی علاوه بر آوار و نهصد هزار تن از زحمتکشان منطقه و خانواده‌های کارگران، با وضع قوانین ارتجاعی سعی نمود که کارکنان صنعت نفت - اهلوارا به قیمت وادار به رعایت ساعات کار قبلی بنماید. اما کارکنان صنعت نفت که به تدریج ماهیت رژیم و جنگ ارتجاعی برایشان روشن میشد، دیگر حاضر نبودند به گوشت دم‌توب سرمایه‌داران تبدیل شده و به بخشنامه‌ها و قوانین ارتجاعی رژیم گردن بگذارند. کارکنان مبارز برای کاهش روزهایی که در دست به مبارزه زده و موفق شدند با مبارزه در ۳ هفته کار، دو هفته استراحت برای کارکنان روزکار و روزکار ۵۰ روز استراحت برای کارکنان نوبتکار برسانند. رژیم بدینال این مبارزات پیروز نمند، با سراسیمگی بخشنامه‌ای با امضای نخست وزیر صادر کرده و طی آن اولا خواستار "تطبیق کارموسسات با اساننداری" و ثانیا "اجرای ایام کار به صورت ۴ هفته کار، ۴ روز استراحت" می‌شود. اما اساننداری خوزستان و مسئولین دولتی صنعت نفت از بیم و جگرگیری اعتراضات کارکنان جرات اجرای این بخشنامه را پیدا نکرد و بلافاصله بخشنامه دیگری با امضای یکی از مقامات صنعت نفت صادر کرده و بنسویه موزرانه‌ای ایام کار را ۳ هفته کار و ۶ روز استراحت تعیین میکنند و بنسواء مبارزات کارگران را با بیشرمی طرح آزمایشی "جلوه داده و اوضاع جنگی و طاقت - فرمای منطقه را با کلمه "غیرعادی" لاپوشانی کرده و ۳ ساعت به ساعات کار پنجشنبه می‌افزایند.

در پس این بحران سیاسی و شکاف‌ها و لرزش‌هایی که بر اندام نظام مکتونی ایجاد شده است، منطقه طوفان‌ها کشی نهفته است که رژیم سیاسی ارتجاعی حاکم را از بیخ و بن برخواهد کند. او شکاف‌های ناشی از گسترش مبارزه طبقاتی و رشد آگاهی‌ها بوده‌ها در یکجای جمهوری اسلامی را بخوبی احساس میکنند و میبندند که منازعات میان جناح‌های مختلف حکومت، همچون تیشه‌ای مردم بین شکاف‌ها را با زتر می‌کند. این چنین است که افراتر از منافع این با آن جناح - و علیرغم آنکه به پشتیبانی از جناح حزب در برابر لیبرال‌ها برخاسته است - مصالح کل نظام سرمایه‌داری و رژیم بورژوازی حاکم را کوشند میکنند. و از همین جا است که هرگونه خطائی را، چنانچه به سرنوشت "اسلام" و یا در واقع، رژیم سیاسی و نظم سفسروحا کم‌خنده وارد آورد، از جمله گناهای نا بخودنی میدانده و ملین آن را "تشدیدی الارض" می‌شناسد و صد البته که در این مسیر روی شختن بیش از هر کس به لیبرال‌ها و

بقیه از صفحه ۲۲ یادداشتها...

کردن او در متن حوادث و رویدادها از خود نشان نمیدهد. البته بنی صدر در همان محاسبه، جا را برای رویارویی با خمینی درآینده بطور تلویحی باز گذاشت و گفت: "من روی اصولی که پذیرفته‌ام و اعتقادی که دارم مقابله می‌کنم و نخواهم شد، بنا بر این من تا این حد ایستادگی نخواهم کرد و از این حده آنطرف آنچه را که صحیح بداند به مردم خواهم گفت." (محاسبه بنی صدر، روزتنبه ۹ خرداد ماه)

بدین ترتیب میتوان دریافت که او جگرگیری تفادهای دو جناح لیبرال‌ها و حزب در حکومت، در سرانجام خود بطور اجتناب‌ناپذیر و علیرغم نیات هر طرف، خمینی را سبزه‌دار بره‌ای بین تفادهای خود گذاشته و با توجه به گرایش و جهت گیری‌های عمومی وی، از او ادا به بنفای کل آشکارا لیبرال‌ها، بویژه بنی صدر، خواهد نمود. این موضوع در واقع به معنای آن است که در راستای بنسواء این تفادهای، خمینی بیش از پیش بوسیله طاق‌های ما و راه طبقاتی خویش را خواهد شکست، هر چند که بلاحظه او، این جهت گیری به معنای فرو ریختن چهره "معنوی" و "مقدس" ولی امر است که می‌کوشد تا بنسواء بر همین ظاهر و ظاهر است. طبقاتی خویش، رژیم مکتونی را تفلورزمینی "اراده و معیشت" لای "تشدیدات و پندار آنکه از دا به تدریج بوده‌ها در مان بنماید.

بهر صورت، یکی از مهمترین نتایج و نکات برجسته حوادث و رویدادهای سیاسی چند روزه گذشته، همین تقابل و رویارویی آیت الله خمینی و رژیم مکتونی بود که در سطح جامعه مریان و عیان گردید.

علاوه بر این در محاسبه آیت الله خمینی، آنچه که به نحو برجسته‌ای محسوس بود، ترس و هراس بنسواء بقوی از دامن گرفتن ناراضی‌ها و مبارزه مردم بر علیه نظام جمهوری اسلامی بود. او علیرغم همه تاکیدهات کاذب و عوامفریبانه‌های سراسر پشیمانی مردم از "اسلام" و "جمهوری اسلامی" و تکرار مکرران، بوضوح "انجازه‌های آینده را که همه حکومت را در کام خود فرو خواهد برد، پیش بینی و نسبت بدان هشدار داد و سردمداران رژیم بویژه لیبرال‌ها را به درک این موقعیت خطرناک خواند. او با هراس تمام از یکی از ایام آیت الله سخن گفت که در آن سرنوشت جمهوری اسلامی به سرنوشت رژیم متفورها و هتاهای دحار نشود: "بترسید! زاینکه دیک وقت انجازه‌ای حاصل بشود و همه ما را به باد فتنه بدهد." و "بترسید! زاینکه روزی که این مردم بفهمند در باطن ذات شما چیست و یک وقت! انجازه‌ای حاصل بشود، از آن روز برترند که ممکن است یکی از ایام یا الله خدای بخوایست، باز پیدا بشود و آنروز دیگر قضیه این نیست که سرگردیم به ۲۲ بهمن، قضیه این است که تا تحده همه ما را می‌خواباند" (همان سخنرانی).

آیت الله خمینی، در سیمای اوضاع سیاسی مکتونی، بوضوح آن "یوم الله" را پیش بینی میکند. او بخوبی و با غریزه طبقاتی خود درک میکند که

هدف رژیم از بخشنامه‌های بالا فقط و فقط استعمار بیشتر کارگران و تصرف دستاورد مبارزاتی آنان است.

کارگران مبارز صنعت نفت! بکوشیم همپای سایر کارگران ایران از دستاوردهای مبارزاتی خود همچون مردمک چشم محافظت نمائیم. ۳- آب و برق اهواز: کارگران مبارز سازمان آب و برق اهواز که در اردیبهشت ماه در طی مبارزات خود موفق شده بودند تا عبث کار خود را به علت شرایط جنگی ۲۱ روز کار و ۷ روز استراحت تثبیت کرده و به رژیم تحمیل نمایند در تاریخ ۶۰/۳/۱ به بخشنامه‌ای به امضای مدیر عامل آب و برق اهواز و برور می‌شوند که در آن اعلام شده بود که ساعات کار کارگران از تاریخ فوق بصورت عادی خواهد بود.

کارگران مبارز که ساعات کار خود را در طی مبارزاتشان بدست آورده بودند، اکنون در مقابل بخشنامه مذکور رگی فوق یکپارچه مقاومت کرده و فعلا بر طبق ساعات کاری که خود تعیین کرده‌اند بر کار می‌روند و توطئه رژیم تاکنون ناکام مانده است.

### کارگران مبارز!

چشم اندازی که رژیم جمهوری اسلامی در سال جاری در مقابل شما قرار داده چیزی جز سرکوب مبارزات برحق کارگری به هر قیمتی، پس گرفتن دستاوردهای مبارزاتی‌تان (۴۰ ساعت کار در هفته و...) دستگیری و اخراج کارگران مبارز، برهم زدن شوراها و واقعی و برای انداختن شوراها و قلاهی و... نیست. اتحاد و یکپارچگی و تشکل و آگاهی شماست که این توطئه را چون تفی سربالا بصورت رژیم سرمایه‌داری برخواهد گرداند.

پس پیش بسوی تشکیل شوراها و واقعی!

منجمله بنی صدر است.

سخنرانی آیت الله خمینی، در واقع به منظور مقابله با بحران سیاسی مکتونی و بویژه بحران درونی حکومت، بگونه در طی این دوره اخیر به بالاترین حد خویش و به بنسواء تنافس آفرینی گرفتار آمده بود، ایراد گردید. لیکن این سخنرانی و این هشدارها چه لحاظ ماهیت این بنسواء کیفیت آن در شرایط حاضره به لحاظ روند اجتناب‌ناپذیر حرکت تضادهای شرایط مکتونی جامعه، تا شیری جدی در فروکش این بحران نخواهد گذاشت، حتی به اندازه موارد گذشته نیز نمیتواند بعنوان داروی مسکن موثری واقع شود. درنت به همین دلیل است که می‌بینیم علیرغم این اظهارات و حملات خمینی، صحنه سیاسی جامعه که کان عرصه نجات و ناهای رفقای حکومتی بر علیه یکدیگر است، و این واقعیتی است که علیرغم راده زعمای هر جناح بنا گزیر خویش را تحمیل کرده است. بنسواء درون حکومت یک بنسواء واقعی است!



در حاشیه سخنرانی  
آخر آیت الله خمینی:  
رویاروئی آشکار خمینی  
و بنی صدر در برابر یکدیگر

## یادداشت‌های سیاسی هفتگی

رژیم، شناسائی فلسطین  
بجوان یک دولت را  
پس گرفت!

حمایت سیدریخ خلقیای قهرمان ایران طی سالهای گذشته از انقلاب مسلحانه خلق فلسطین و پشتیبانی از حق این خلق ستمدیده و قهرمان در تعیین سرنوشت خویش، رژیم جمهوری اسلامی را در فرسادی قیام مجبور و گردنبار زمامان آزادیبخش فلسطین را که تنها نماینده خلق فلسطین است بعنوان یک دولت فلسطین رسمیت بخشید. رژیم جمهوری اسلامی در این رابطه دست به جدعوا مغریبها که نزدیک به ادعاهای واقعیتهای را دارا نیست "کمک" به خلق فلسطین در رساندن به اهداف و گرویش به راستیادداشت! اینک که آنها از اسباب افتادهاست و رژیم توانسته با فریبکاریها و "انقلابی نمایی"های خویش "برخمراد" شود و بدین گریستن مواضع سیاسی دروغین خویش را تا زکمرده است. میگوئیم "دروغین"، زیرا تا به امروز هیچ کسکی از سوی این رژیم به خلق فلسطین (جز یک مشت حرفهای مفت کاسیکارانه) داده نشده است.

بهر حال، طبق اطلاعات موثق، رژیم جمهوری اسلامی اخبار به سفارت فلسطین در تهران اعلام کرده است که هیچ ندادارد حضور را "سفارت" ننماید. این بدین معنی است که مسئولان دفتر سازمان آزادیبخش فلسطین از حقوق دیپلماتیک برخوردار نخواهند بود چرا که نماینده قانونی و رسمی خلق خویش نیستند! آنها فقط میتوانستند دفتری داشته باشند!

رژیم جمهوری اسلامی که با کلیه همپا لکی - های خود در سران بردن روابط حسنه مخصوص تجاری گسترده دارد و قراردادهای کلان با امپریالیتهای گوناگون می بندد، البته نمیتواند با خلق فلسطین بهتراز این رفتار نماید! ما هرگز انتظار داریم که خراجا زیست زن به خلقهای ایران و فلسطین و عمان و غیره از این رژیم نداشته ایم.

اما علیرغم همه اینها، خلق و زمینک فلسطین، با اتکا به مبارزه انقلابی خود و همبستگی واقعی اش که ما را کارگران و رزمندگان ایران و جهان هستند، تا آزادی کامل فلسطین به پیش خواهد رفت.

کلی، بلکه حتی با همان بنیادهای و ابزارهای بورژوازی قرارداد دارد. مطابق این قانون، آن چیزی که ملاک اصلی سروعت هر بدیده ای و منجمله جناحهای مختلف رژیم در بنام سیاسی گنوی است، امر ولایت فقیه است نه "مردم" و نه نهادهای بورژوازی که ظاهرا میکی به مردم هستند. مطابق این اصل، رای و تصمیم ولی امر، بدلیل دانائی به احکام اساسی اسلام، دروای هر چیزی قرار دارد و هیچکس نباید در جراحی شدن این تصمیم تردیدی داشته باشد. حتی اگر همگان و مثلاً تمام مردم با این تصمیم در مخالفت قرار گیرند، در همان مجلس خبرگان، هنگام بحث بر سر این اصل از حاکم، آیت الله منتظری، در تشریح این اصل گفت که هر "الدنکی" (عین گفته خود او) که برای ریاست جمهوری در نظر گرفته شود، حتی اگر همه مردم همه او رای داده باشند، چنانچه مورد مخالفت ولی امر قرار گیرد، هیچ مشروعیتی نخواهد داشت و باید از گردونه خارج شود. اکنون که بنی صدر با طرح مسئله فرارندم به حرم مقدس ولایت فقیه تجاوز کرد، آنجناب ختم آیت الله را بر انگشت که او را به موضعگیری کشانید. آیت الله خمینی در این سخنرانی شمشیر ولایت فقیه را دوباره از بام بر کشید و در میان انبوهی از اسراها و حملات تحقیر آمیز به سردمداران رژیم و بنی صدر، (که ابی هم از "مزابی" همین اصل ولایت فقیه است!) تا کشید که امرو، و رای همه آنها و تمام سلات است، حتی اگر همگان مخالف آن باشند: "قای رئیس جمهور حدودش در قانون اساسی چه هست یک قدم از نور بگذارد، من با او مخالفت میکنم". (سخنرانی خمینی)

این مجادلات و موضع گیریهای متقابل در واقع اولین رویاروئی آشکار بنی صدر و خمینی بود که در تکامل تضادهای درون هیئت حاکمه، به شکلی اجتناب ناپذیر امکان ظهور یافت. البته بنی صدر اکنون خود را در موقعیتی نمی بیند که به تقابل آشکار با خمینی بپردازد. اما حبه هفت گذشته و نیز تضادهای از این واقعیت است. اما همچنان که از مضمون همان مواجیه تلویحا پیداست، بنی صدر به خورجسته ای نسبت به گذشته، میگوید تا خمینی را در حاشیه رویدادها نگاه دارد و اصولا تمایلی به مطرح

نخستین صفحه ۳۱

سخنان آیت الله خمینی در برابر نمایندگان مجلس، که در بنی او حکمرانی بحران سیاسی و تضادهای درون حکومت ایران را در دید و نیز مواجیه بنی صدر بنی سخنرانی، از بنی صدر - آیت الله وقایع دو هفته اخیر محسوب میشوند. آیت الله خمینی، در این سخنرانی با شدیدترین لحنی که تاکنون به سابقه بوده است، به لبرالها و بنی صدر حمله کرده و بدفاع از جناح رقیب بنی دولت رجائی، مجلس و نیز روحا نیت پرداخت. این سخنرانی در واقع پاسخی بوده به حجوم تبلیغاتی وسیع لبرالها به دعای امت بنی صدر به حزب جمهوری اسلامی و روحا نیت طرفداران و نهادهای دولتی تحت سیطره حزب، که در تضاد و خویش و - طرح مسئله فرارندم از جانب بنی صدر، از جمله به "حزب" فرارنده به تقابل با خمینی نیز اشاعه مید. طرح مسئله فرارندم از سوی بنی صدر در واقع رویاروئی آشکار با امر ولایت فقیه و به زیر سوال بردن مشروعیت آن بود. و همین مسئله بود که بیش از هر چیز، آیت الله خمینی را، که همواره گوشیده است با تکیه بر اصل بقا، به ارتجاعی ولایت فقیه، خویش را به مناسبت یک دا و رما و را طیفات و جناح بدیدهای سیاسی حکومت، قلمداد نماید، بخوش آورد. فرارندم، همواره یکی از شیوه های عوا مغریبانه بورژوازی در مشروعیت بخشیدن به با نهادهای قدرت خویش در برابر بنیادهای و ابزار بنی حاکم رقیب بوده است. در فرارندم، بورژوازی به رای مردمی گردن نمیکند که در واقع در چهار چوب نظم سرمایه به داری و در دایره قانونیت رژیم بورژوازی، مختارند که "آزادانه" درباره مسئله ای که بورژوازی به "رای مردم"، یعنی فرارندم میکند، رای دهند. این ابزار، همچون سایر اتمان، از جمله ابزارهای تجمیق و فریب بورژوازی است که همواره و بنیوه در لحاظ بحران بنی برای نجات حیات سرمایه داری و بورژوازی "موردا" استفاده قرار گرفته است. طرح مسئله فرارندم از جانب بنی صدر، مرفه نظر از امکان با عدم امکان عملی آن در مظهر حاضر، بی نقشه به معنای توسل به "مردم" برای مشروعیت بخشیدن به خود، در برابر جناح حزبی بود.

از جانب دیگر، اصل ولایت فقیه بمثابه و لادای نا جنب بیرونی سرمایه داری، در ضدت آشکارا رندتنها با حقوق دموکراتیک توده ها بطور

# مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست